

پایه‌های ایمان کامل

(مختصر شعب الإيمان امام بیهقی)

مؤلف:

امام بیهقی

اختصار کننده:

عمر بن عبدالرحمن ابوالمعالی

ترجمه و تخریج احادیث و اضافات:

پدرام اندایش

سرشناسه	: بیهقی، احمد بن حسین، ۳۸۴ - ۴۵۸ ق.
عنوان قراردادی	: شعب الایمان. فارسی. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: پایه‌های ایمان کامل: (مختصر شعب الایمان امام بیهقی) اختصارکننده عمر بن عبدالرحمن ابوالمعالی؛ ترجمه و تخریح احادیث و اضافات پدرام اندایش.
مشخصات نشر	: سنندج: نالای رووناکی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۹ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-8551-02-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: مختصر شعب الایمان امام بیهقی.
موضوع	: ایمان (اسلام)
شناسه افزوده	: قزوینی، عمر بن عبدالرحمن
شناسه افزوده	: اندایش، پدرام، ۱۳۵۵ - ، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۷۰۴۲۱۲ ش۷۰۹۶ ب/۲۲۵ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۱۳۶۲۱



پایه‌های ایمان کامل (مختصر شعب الایمان امام بیهقی ره)

مؤلف: امام بیهقی

اختصار کننده: عمر بن عبدالرحمن ابوالمعالی
ترجمه و تخریح احادیث و اضافات: پدرام اندایش
صفحه آرایی: صمد احمدی نیاز

ناشر: نالای رووناکی

نوبت چاپ: اول 1397

تیراژ: 1000

قیمت: 7000 تومان

شابک: 978-600-8551-02-7

مرکز پخش: سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

08733128341

فهرست مطالب

- 9..... مقدمه‌ی مترجم
- 10..... پایه‌های ایمان کامل
- 10..... 1- ایمان به خداوند
- 11..... 2- ایمان به [تمامی] پیامبران خداوند
- 13..... 3- ایمان به ملائکه
- 13..... 4- ایمان به قرآن و تمام کتب آسمانی
- 13..... 5- ایمان به قضا و قدر و خیر و شر آن
- 14..... 6- ایمان به روز قیامت
- 16..... 7- ایمان به زنده شدن بعد از مرگ
- 17..... 8- ایمان به جمع و حشر شدن انسان‌ها بعد از برانگیخته شدن آن
ها از قبرهایشان
- 17..... 9- ایمان به سرمنزل مؤمنین و جایگاه‌شان در بهشت و سرمنزل
کافرین و جایگاه‌شان در آتش جهنم
- 18..... 10- واجب بودن دوست داشتن الله
- 20..... 11- ایمان به واجب بودن ترس از الله
- 22..... 12- امید داشتن به الله
- 25..... 13- توکل بر الله
- 28..... 14- دوست داشتن پیامبر ﷺ

- 15- وجوب عظیم شمردن پیامبر ﷺ و اجلال و بزرگ کردن وی.....29
- 16- حرص شخص به دینش تا آنجا که به جهنم رفتن برای او دوست داشتنی‌تر از کافر شدن باشد.....30
- 17- علم آموختن31
- 18- نشر علم.....33
- 19- عظمت دادن به قرآن مجید.....36
- 20- پاکیزگی38
- 21- نمازهای پنجگانه واجب.....40
- 22- پرداخت زکات.....41
- 23- روزه.....44
- 24- اعتکاف [در مساجد].....45
- 25- حج [در صورت توانایی].....46
- 26- جهاد47
- 27- رباط (نگهبانی دادن از ترس هجوم دشمن)48
- 28- استقامت در برابر دشمن و فرار نکردن از میدان جنگ49
- 29- دادن خمس از غنیمت جنگی50
- 30- آزاد کردن برده به نیت تقرب به خداوند.....52
- 31- ادا نمودن کفاره‌ها52

- 32- پایبند بودن به قراردادها 53
- 33- شمردن نعمت‌های خداوند و واجب بودن شکرگذاری از آنها..... 54
- 34- حفظ زبان 57
- 35- امانت داری و واجب بودن برگرداندن امانت به اهلش..... 59
- 36- حرام شمردن کشتن اشخاص و جنایت بر علیه آنها..... 60
- 37- کنترل شهوت و واجب بودن داشتن عفاف 61
- 38- اجتناب از محرّمات..... 62
- 39- دوری جستن از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حرام..... 63
- 40- حرام دانستن و نپوشیدن لباس‌هایی که زشت شمرده شده‌اند و ظرف و ظروفی که استفاده از آن حرام شده است. 74
- 41- اجتناب کردن از بازی‌ها و تفریحاتی که شریعت از آن منع نموده است..... 76
- 42- میانه روی در انفاق و اجتناب از خوردن مال از راه باطل... 76
- 43- ترک حسادت..... 77
- 44- رعایت ارتباط با مردم..... 79
- 45- اخلاص عمل به الله تعالی و اجتناب از ریا 80
- 46- خوشحال شدن با انجام کارهای نیک و غمگین شدن در انجام دادن کارهای زشت..... 84
- 47- پاک کردن تمام گناهان با توبه 84

- 48- قربانی کردن و عقیقه گرفتن 85
- 49- اطاعت از ولات امر مسلمان 85
- 50- تمسک به آنچه که جماعت نامیده می‌شود 87
- 51- حکم کردن بین انسان‌ها به عدالت 87
- 52- امر به نیکی و دور کردن مردم از بدی 88
- 53- همکاری در کار نیک و پرهیزکاری 92
- 54- حیاء 92
- 55- نیکی به پدر و مادر 93
- 56- صله رحم و ارتباط خویشاوندی 94
- 57- اخلاق نیک 95
- 58- نیکی کردن به مُلک یمین 98
- 59- رعایت حق سرور توسط مُلک یمین 100
- 60- رعایت حقوق اولاد و همسر 100
- 61- همنشینی با اهل دین 101
- 62- جواب سلام 102
- 63- عیادت مریض 103
- 64- بجا آوردن نماز میت برای اهل قبله 104
- 65- جواب عطسه 104

- 66- دوری از کافران و مفسدین و تندى کردن با آنها.....105
- 67- گرامى داشتن همسایه و رعایت حقوق آن107
- 68- گرامى داشتن مهمان109
- 69- پوشاندن عیوب اهل گناه109
- 70- صبر بر مشکلات و صبر بر مسائل بدى که نفس به آنها امر مى‌کند، مانند لذت و شهوت110
- 71- زهد و کوتاه کردن آرزو[های دنیوی].....112
- 72- غیرت داشتن و ترک بیناموسى113
- 73- روی برگرداندن از سخن بیهوده115
- 74- بخشندگى و دست و دلبازى116
- 75- محبت کردن به کوچکتر و احترام به بزرگتر117
- 76- اصلاح ارتباط بین مردم118
- 77- هر چه برای خود دوست دارد برای دیگران نیز دوست بدارد و آنچه را که خود نمى‌پسندد برای دیگران نیز نپسندد.....119
- 121- منابع استفاده شده در ترجمه121

مقدمه‌ی مترجم:

به نام خداوندی شروع می‌کنم که به جز او هیچ پرستش شونده‌ی بر حقی وجود ندارد و محمد ﷺ - دلسوز در دعوت و شمشیر در کارزار - بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد؛ خداوندی که ما را در زمین قرار داد و حق و باطل را آفرید تا ما بندگان را مورد آزمایش قرار بدهد؛ گروهی پیروز از این آزمایش‌ها بیرون آمده و جزو مؤمنین قرار می‌گیرند و گروهی کوتاهی کرده و اندک باری با خود حمل می‌کنند و مسلمان از این دنیا می‌روند و گروه سوم که کافر از این دنیا رفته و تا ابد در عذاب الهی گرفتار می‌مانند؛ این کتاب از این حیث انتخاب و ترجمه نمودم که خود و دیگر مسلمانان را، با توکل به خدا از اسلام به ایمان دعوت دهم تا انشاءالله اگر خداوند توفیق دهد همگی با هم در بهشت‌هایی قرار بگیریم که نه سختی در آن وجود دارد و نه خستگی و تا ابد دهر اهل آن در مسرت و خوشی زندگی خواهد کرد.

پایه‌های ایمان کامل

۱- ایمان به خداوند

زیرا خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿...وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ...﴾ [البقره/285] «... و مؤمنین همگی به خداوند و... ایمان دارند...»^۱! همچنین می‌فرماید: ﴿...يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ...﴾ [النساء: 136] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید به خداوند و...».

در سیاق همین آیه حدیثی آورده شده است از ابوهریره رضی الله عنه که پیام‌آور خداوند صلی الله علیه و آله فرمود:

«أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَمَنْ قَالَهَا فَقَدْ عَصَمَ مِنِّي مَالُهُ وَنَفْسِهِ إِلَّا بِحَقِّهِ وَجِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ»^۲.
 «به من امر شده که با انسان‌ها بجنگم تا اینکه بگویند هیچ پرستش - شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود ندارد؛ و هر کس که این سخن را به زبان آورد، جان و مال وی از من در امان می‌ماند مگر آنکه در حق و حساب او چیزی بر الله تعالی وجود داشته باشد [مثل جرم‌هایی که برای آنها حد شرعی وجود داشته باشد، مانند دزدی و زنا و...]».

۱- ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقره: ۲۸۵]. [پیامبر به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است، و مؤمنان (نیز) همه به الله و فرشتگان او و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند. (و گفتند): «میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را (خواه‌انیم) و بازگشت به سوی توست» در این آیه خداوند بعضی صفات مومنین را بیان می‌دارد از جمله ایمان به خداوند و ملائکه‌ی وی و کتاب‌ها و پیامبرانش. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۱۳۹۹-۲۹۴۶-۶۹۲۴-۷۲۸۴-۷۲۸۵؛ صحیح مسلم: ۱۳۳-۱۳۴ و ...

حدیث عثمان بن عفان رضی الله عنه که از فرستاده‌ی خداوند صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ!». «کسی که بمیرد در حالی که بداند هیچ معبودی بر حق جز الله نیست داخل بهشت می‌شود»^۱.

۲ - ایمان به [تمامی] پیامبران خداوند

زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿...وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَكَاتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...﴾ [البقره: 285] «... و مؤمنان (نیز) همه به الله و فرشتگان او و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند».

و همچنین حدیثی که عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ النَّيَابِ شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهُ مَنَّا أَحَدٌ حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتُحِجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا. قَالَ صَدَقْتَ. قَالَ فَعَجَبْنَا لَهُ بِسَأَلِهِ وَيُصَدِّقُهُ. قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ. قَالَ «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ وَالْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ». قَالَ صَدَقْتَ. قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قَالَ «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَرَهِ فَإِنَّهُ يَرَاكَ». قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ. قَالَ «مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ». قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ أَمَارَتِهَا. قَالَ «أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةَ رَبَّتَهَا وَأَنْ تَرَى الْخُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبَنِيَانِ». قَالَ ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ لِي «يَا

۱- صحیح مسلم: ۱۴۵.

۲- برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به مجموعه اندیشه‌ی اسلامی در پرتو کتاب و سنت، چاپ انتشارات حرمین رجوع کنید.

عُمَرُ أَتَدْرِي مَنِ السَّائِلُ». قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ!». «ما روزی نزد رسول الله ﷺ بودیم، ناگهان مردی آمد که لباس وی به شدت سفید و دارای موی بسیار سیاهی بود و در وی اثری از مسافرت دیده نمی‌شد و کسی از ما نیز او را نمی‌شناخت؛ روبروی پیامبر ﷺ نشست و دو زانوی خود را به دو زانوی وی چسباند و دستانش را بر روی دو زانوی پیامبر ﷺ قرار داد و گفت: ای محمد از اسلام به من خبر بده؛ پیامبر ﷺ در جواب فرمود: اسلام این است که گواهی دهی پرستش شونده‌ی بر حق‌ی جز الله وجود ندارد و محمد فرستاده الله می‌باشد و نماز برپای داری و زکات بدهی و ماه رمضان روزه بگیری و اگر در استطاعت بود به حج بروی. [مسافر] گفت: همانا تو راست گفتی. [راوی] گفت: از کار وی تعجب کردیم چطور سوال می‌پرسد و [همچنین جواب] آن را تصدیق می‌کند. [مسافر] گفت: از ایمان به من خبر بده. [پیامبر ﷺ] فرمود: این است که ایمان بیاوری به الله و ملائکش و کتاب‌هایش و فرستادگانش و روز قیامت و قضا و قدر و خیر و شر آن. [مسافر] گفت: راست گفتی، پس از احسان به من خبر بده. فرمود: الله را چنان عبادت کنی که انگار او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی وی تو را می‌بیند. گفت: از زمان قیامت به من خبر بده. فرمود: سوال شونده بیشتر از سوال کننده نمی‌داند. گفت: از نشان‌هایش برایم بگو. فرمود: مادر کنیز فرزندش شده و انسان‌های برهنه بر دنیا حکومت کرده و چوپانان در بلند کردن ساختمان‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند. سپس

۱- این حدیث توسط مترجم به کتاب اضافه شده است و نزد بسیاری از علماء در مقابل احادیث دیگر حکم سوره‌ی حمد را به دیگر سور قرآن دارد. صحیح بخاری: ۴۷۷۷. صحیح مسلم: ۱۰۲. سنن ابی داود: ۴۶۹۵. سنن نسائی: ۴۹۹۰. سنن ابن ماجه: ۶۳ و ۶۴.

[مسافر] رفت و ناپدید شد. [پیامبر ﷺ] فرمود: ای عمر می‌دانی سوا کتنده چه کسی بود؟ گفتم: الله و رسولش دانانترند. فرمود: او جبرئیل علیه السلام بود آمد تا دین تان را به شما بیاموزد».

3- ایمان به ملائکه

و دلیل آن در آیهی قرآن و حدیثی است که بیان شد.

4- ایمان به قرآن و تمام کتب آسمانی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ...﴾ [النساء: 136]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید به الله و فرستادگانش و کتابی که بر بنده‌اش نازل فرمود [قرآن] و کتابی که از قبل نازل کرده بود»، دلیل دیگر همان حدیثی است که بیان شد و به حدیث جبرئیل علیه السلام معروف است.

5- ایمان به قضا و قدر و خیر و شر آن

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ...﴾ [النساء/78]. «بگو: همه‌اش از نزد الله می‌باشد». و دلیل دیگر حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه است که پیامبر ﷺ فرموده است: «اِحْتَجَّ اَدَمُ وَمُوسَى فَقَالَ لَهُ مُوسَى يَا اَدَمُ اَنْتَ اَبُونَا حَبِيبْنَا وَ اَخْرَجْتَنَا مِنَ الْجَنَّةِ قَالَ لَهُ اَدَمُ يَا مُوسَى اصْطَفَاكَ اللهُ بِكَلَامِهِ وَ حَطَّ لَكَ بِبَيْدِهِ اَتْلُوْمُنِي عَلَىٰ اَمْرِ قَدَرَهُ اللهُ عَلَيَّ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَنِي بِاَرْبَعِينَ سَنَةً فَحَجَّ اَدَمُ مُوسَى!».

۱- صحیح بخاری: ۳۴۰۹-۶۶۱۴-۷۵۱۵؛ صحیح مسلم: ۶۹۱۲-۶۹۱۴-۶۹۱۵؛ سنن ابی

داود: ۴۷۰۱؛ سنن ترمذی: ۲۱۳۴؛ سنن ابن ماجه: ۸۰.

«حضرت آدم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام برای یکدیگر دلیل آوردند، و موسی به او گفت: ای آدم! تو پدر ما هستی، ما را خوار کردی و از بهشت بیرون نمودی، آدم به او فرمود: ای موسی! الله تو را با کلامش برگزید و برای تو [الواح] را با دستش نوشت؛ آیا مرا برای چیزی سرزنش می‌کنی که خداوند آنرا چهل سال قبل از خلقت من، آن را برایم تقدیر کرده بود، و آدم دلیل محکمی برای موسی آورد.»

با اسنادی که در اصل کتاب موجود است سروده‌ی موجود است که امام بیهقی رحمته الله آن را به ابوالفوارس جنید بن احمد الطبری نسبت داده است^۱:

وَالدَّهْرُ ذُو دَوْلٍ، وَالرِّزْقُ	العَبْدُ ذُو ضَجْرٍ، وَالرَّبُّ ذُو
مَقْسَدٍ	دَرٍ
وَفِي اخْتِيَارٍ سِوَاهُ اللُّؤْمِ وَالشُّؤْمِ	وَالْخَيْرُ أَجْمَعُ فِيمَا اخْتَارَ خَالِفْنَا

«بنده در بی‌قراری و پروردگار صاحب تقدیر است، روزگار در فراز و نشیب و روزی تقسیم شده است، و خیر در چیزی است که خالق ما آن را برای ما انتخاب فرموده، و در اختیار ملامت و بدیمنی یکسان است.»

۶- ایمان به روز قیامت

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ [التوبه: 29]. «بجنگید با کسانی که به الله و روز قیامت ایمان نمی‌آوردند...». حلیمی رحمته الله گفته است: معنای آن این است که بجز روزگار دنیا روزگار دیگری هم وجود دارد و دنیا تمام

شدنی و این دنیا روزی فانی می‌شود، و باید به فانی شدن آن و همچنین شروع آن اعتراف نمود، زیرا [تقدیر] قدیمی است که تغییر ناپذیر است.

و در صحیحین از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَإِذَا طَلَعَتْ فَرَأَاهَا النَّاسُ أَمْنُوا أَجْمَعُونَ فَذَلِكَ جِئِنَ ﴿۱﴾ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا... ﴿۲﴾ وَتَقُومُ السَّاعَةُ وَقَدْ نَشَرَ الرَّجُلَانِ ثَوْبَهُمَا بَيْنَهُمَا فَمَلَأَ بَيْنَابَعَانِهِ وَلَا يَطُوبَانِيهِ وَتَقُومُ السَّاعَةُ وَقَدْ انْصَرَفَ الرَّجُلُ بِلَبَنِ لِفَحْتِهِ فَمَلَأَ بَطْعَمُهُ وَتَقُومُ السَّاعَةُ وَهُوَ يَلِيظُ حَوْضَهُ فَلَا يَسْقِي فِيهِ وَتَقُومُ السَّاعَةُ وَقَدْ رَفَعَ أَحَدُكُمْ أَكْلَتَهُ إِلَى فِيهِ فَلَا يَطْعَمُهَا! ﴿۳﴾» [قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه خورشید از مغرب طلوع نماید؛ وقتی [از مغرب] طلوع می‌کند و مردم آن را می‌بینند همگی ایمان می‌آورند و آن وقتی است که «...کسی که از پیش ایمان نیاورده و یا خیری در ایمان آوردنش به دست نیاورده باشد، ایمانش به او سودی نمی‌بخشد...». [الأنعام: 158] و همانا مطمئناً قیامت برپا می‌شود در حالی که دو مردی که لباس آنها بین آن دو است نه فرصت فروختن آن را پیدا می‌کنند و نه فرصت تا زدن آن را خواهند داشت [یعنی ناگهانی است] و همانا مطمئناً قیامت برپا می‌شود در حالی که مردی قصد [نوشیدن] شیر شترش را دارد و [فرصت نمی‌کند] آن را بنوشد و همانا مطمئناً قیامت برپا می‌شود [بطوری که] مردی به حوض آبش چسبیده است و [فرصت نمی‌کند] از آن بنوشد

۱- این حدیث را با لفظی که اختصار کننده بدان اشاره نموده بود در هیچ کتابی پیدا نکردم و بجای آن از لفظ امام بخاری (بخاری) استفاده کردم. صحیح بخاری: ۶۵۰۶-۷۱۲۱

و همانا مطمئناً قیامت برپا می‌شود بطوری که شخصی از شما می‌خواهد لقمه‌ی غذای خود را به دهانش برساند و فرصت نمی‌کند آن را بخورد».

۷-۱- ایمان به زنده شدن بعد از مرگ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿رَعِمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن لَّن يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ...﴾ [التغابن: 7]. «کافران می‌پنداشتند که هرگز [بعد از مرگ] زنده نمی‌شوند بگو: آری! و قسم به پروردگارم! به یقین زنده خواهید شد...». و همچنین الله تعالی فرموده است: ﴿قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ...﴾ [الجماعه: 26] «بگو: الله شما را زنده می‌فرماید سپس شما را می‌میراند و سپس در روزی که هیچ شک و دغدغه‌ی در [قبول] آن راه ندارد گرد می‌آورد...». و دلیل دیگر حدیث عمر بن الخطاب رضی الله عنه با سند صحیح:

«الإيمان أن تُؤمنَ باللهِ وملائكتهِ وكتبهِ ورسلهِ وبالبعثِ مِن بعدِ الموتِ وبالقدرِ كُلِّهِ». «ایمان آن است که ایمان بیاوری به الله و ملائکش و کتاب‌هایش و پیامبرانش و به زنده شدن پس از مرگ و به کل قضاء و قدر». [و همچنین حدیث دیگری که علی ابن ابی طالب رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌فرماید:

«لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ بِأَرْبَعٍ: بِاللَّهِ وَحَدِّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَآتِي رَسُولِ اللَّهِ، وَبِالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْقَدَرِ»^۱. «بنده ایمان نمی‌

۱- این حدیث در قبل به آن اشاره شده و با لفظ دیگری در اینجا آمده است.

۲- این حدیث را مترجم اضافه نموده است. سنن ترمذی: ۲۱۴۵؛ سنن ابن ماجه: ۸۱؛ و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است.

آورد تا اینکه به چهار چیز ایمان داشته باشد: به وحدانیت الله و اینکه او شریکی ندارد و من رسول و فرستاده‌ی الله هستم و به زنده شدن بعد از مرگ و قضا و قدر [الهی]».۱

۸- ایمان به جمع و حشر شدن انسان‌ها بعد از برانگیخته شدن آن‌ها از قبرهای شان

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ هَ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝﴾ [المطففين: 4-6]. «آیا اینان نمی‌دانند که دوباره زنده می‌شوند * در روزی [بس] بزرگ * روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند». و همچنین دلیل دیگر حدیث عبد الله بن عمر رضی الله عنهما است که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝﴾ حَتَّى يَغِيبَ أَحَدُهُمْ فِي رَشْحِهِ إِلَى أَنْصَافِ أُذُنَيْهِ». «روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند تا اینکه شخص در عرقی که تا نصفه‌ی گوشش می‌رسد، قرار می‌گیرد»^۱.

۹- ایمان به سرمنزله مؤمنین و جایگاهشان در بهشت و سرمنزله کافرین و جایگاهشان در آتش جهنم

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۸۱ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۸۲﴾

۱- صحیح بخاری: ۴۹۳۸-۶۵۳۱؛ سنن ترمذی: ۲۴۲۲-۳۳۳۵-۳۳۳۶؛ سنن ابن ماجه: ۴۲۷۸؛ و آلبانی آن را صحیح دانسته است.

[البقره: 81-82]. «آری! هر کس کار[های] بد انجام دهد و گناه[های]ش او را احاطه کند نتیجه‌اش [این خواهد بود که] همنشین آتش جهنم شده و در آن جاودان می‌ماند * و کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته انجام دادند، ایشان همنشینان بهشتند و در آن جاودان خواهند ماند». و دلیل دیگر حدیث ابن عمر ب در صحیحین می‌باشد که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَيَاتَ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقَالُ هَذَا مَقْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ!». «همانا هر کدام از شما که بمیرد، جایگاهش [در آخرت]، صبح و شام بر وی عرضه می‌شود، اگر وی از اهل بهشت باشد [جایگاهش] در بهشت و اگر از اهل آتش جهنم باشد، [جایگاهش] در جهنم؛ و به او گفته می‌شود این جایگاه تو است تا زمانی که الله تو را روز قیامت دوباره زنده گرداند».

۱۰- واجب بودن دوست داشتن الله

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...﴾ [البقره: 165]. «از بین انسان‌ها افرادی هستند که برای الله شریکانی بر می‌گزینند [و] آنها را به اندازه‌ی که الله را دوست دارند، دوست می‌دارند و [لی] کسانی که ایمان آورده‌اند در دوست داشتن الله شدیدترین می‌باشند».

و دلیل دیگر حدیث انس بن مالک رضی الله عنه در صحیحین است که

۱- صحیح بخاری: ۱۳۷۹-۳۲۴۰؛ صحیح مسلم: ۷۳۹۰-۷۳۹۱؛ سنن ترمذی: ۱۰۷۲؛ سنن ابن ماجه: ۴۲۷۰؛ و شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ حَيَاوَةَ الْإِيمَانِ مَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَدَبَ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَكْرَهَ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُدْفَعَ فِي النَّارِ!». «سه چیز است که اگر در یک فرد باشد توسط آنها شیرینی ایمان را حس می‌کند، [اول: الله و فرستاده‌اش از هر چیز دیگر به غیر از آنها، نزد فرد محبوبتر باشند، [دوم: فرد مسلمان] کسی را دوست نداشته باشد مگر به خاطر الله، [سوم:] از اینکه به کفر برگردد - در حالی الله وی را از آن نجات داده است - برایش ناپسند باشد همان‌گونه که در آتش جهنم افتادن برای وی ناپسند است».

و درباره آن از بیهقی رحمته الله علیه از جنید آورده است: مردی به سقطی گفت: حال تو چگونه است تا من برایت شعر سرایم؛ گفت: **مَنْ لَمْ يَبْتَ وَالْحُبَّ حَشْوُ فُوَادِهِ**

«کسی که شب کند و عشق از دل او سرازیر نشود، نخواهد دانست چگونه جگرها پاره پاره می‌شود».

و از او آمده است ابا دجانہ گفت: چهار چیز است که اگر بر دوست داشتن غلبه کند می‌توانی آن [دوست داشتن] را اظهار نمایی

تعصي الإله وأنت تظهر
 حب³
 لو كان حبك صادقاً لأطعته
 هذا محال في القياس بدیع
 إن المحب لمن يحب مطيع

۱- صحیح بخاری: ۱۶- ۲۱- ۶۹۴۱؛ صحیح مسلم: ۱۷۴- ۱۷۵؛ سنن ترمذی: ۲۶۲۴؛ سنن ابن ماجه: ۴۰۳۳؛ و شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- شعب الایمان: ۴۸۹.

۳- شعب الایمان: ۴۹۲.

«از خدا نافرمانی می‌کنی در حالی که دوست داشتن وی را آشکار می‌نمایی این مسئله در افعال شگفت انگیز محال است، اگر دوست داشتن تو صادقانه باشد، پس همانا از وی اطاعت می‌کنی همانا دوست دارنده از کسی که دوستش دارد اطاعت می‌کند».

۱۱- ایمان به واجب بودن ترس از الله

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: 175]. «پس از آنها نترسید و از من بترسید اگر از مومنین هستید». همچنین می‌فرماید: ﴿...فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَأَخْشَوْا...﴾ [المائدة: 44] «... پس از انسان‌ها خشیه^۱ نداشته و از من خشیه داشته باشید...». و کلام دیگرش: ﴿...وَإِنِّي فَأَرْهَبُونَ...﴾ [البقره: 40]. «... و فقط از من بترسید». و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿...وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [الأنبياء: 28]. «و آنها (ملائک) از خشیه‌ی او (الله تعالی) بیمناک و ترسانند». و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَيَدْعُونَآ رَعْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾ [الأنبياء: 90]. «و [بزرگانی که در آیات قبل به آنها اشاره شد] با امید و ترس ما را به فریاد می‌خواندند و نسبت به ما فروتن بودند». و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ [الرعد: 21]. «و [اولی‌الالباب (صاحبان خرد)] از پروردگارشان خشیه داشته و از محاسبه‌ی بد می‌ترسند». و آیه‌ی دیگر: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ ۖ﴾ [الرحمن: 46]. «و برای کسی که از مقام پروردگارش می‌ترسد دو باغ

۱- خشیه به معنای ترس از ابهت و عظمت می‌باشد و نباید با خوف اشتباه گرفته

در نظر گرفته‌ایم». و قوله تعالی: ﴿ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعَبِدَ﴾ [ابراهیم: 14]. «این [سرانجام نیکو که خداوند برای پیامبران و پیروانشان قرار داد] از آن کسانی است که از جاه و جلال من ترسیده و از تهدید من بهراسند»^۱.

و دلایل از سنت: حدیث عدی بن حاتم رضی الله عنه در صحیحین است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ»^۲. «از آتش جهنم تقوا پیشه کنید حتی اگر شده به اندازه [صدقه دادن] یک نصف خرما». و همچنین انس رضی الله عنه: «وَلَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا». «اگر آنچه را که من [در باره آخرت] می‌دانم شما هم می‌دانستید، کمتر می‌خندید و بیشتر گریه می‌کردید».

بعضی از برادران مردی به خاطر طول کشیدن گریه او، وی را سرزنش نمودند او گریه‌ی خود را ادامه داد و گفت^۳:

بکیت علی الذنوب لعظم جرمی وحق لكل من يعصی البكاء
فلو كان البكاء يرد همی لأسعدت الدموع معا دماء

«برای گناهایی که دلالت بر عظمت جرم من دارند گریه کردم، و حق هر نافرمانی، گریه کردن می‌باشد، اگر گریه کردن غم و غصه‌ی را از بین می‌برد، با تبدیل شدن گریه به خون همانا خوشبخت

۱- به غیر از این آیات، آیات بسیار دیگری وجود دارد که ترس از خداوند را لازم و واجب دانسته‌اند و کسی که از خداوند نهراسد یا عظمت او را نشناخته و یا به عذابش ایمان ندارد. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۱۴۱۳-۱۴۱۷-۶۰۲۳-۶۵۳۹-۶۵۴۰-۶۵۶۳-۷۵۱۲؛ صحیح مسلم: ۲۳۹۴-۲۳۹۵-۲۳۹۶-۲۳۹۷؛ آلبانی در السلسلة الصحيحة: ۵۹۶/۲؛ سنن ترمذی: ۲۴۱۵؛ سنن

نسائی: ۲۵۵۲؛ سنن ابن ماجه: ۱۸۵-۱۸۴۳.

۳- شعب الایمان: ۸۲۱.

خواهم بود».

عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه دهانش از این بیت ساکت نمی‌شد:
 ولا خیر فی عیش امریء لم من الله فی دار القرار
 یکن له نصیب
 «کسی که برای او نصیبی در سرزمین استقرار (آخرت) وجود
 ندارد، هیچ خیری در زندگی او یافت نمی‌شود».
 ابو الفتح البغدادی فریاد فریاد زنده‌ی را که الشونیزیه را به فریاد
 می‌خواند، شنید^۲:

وکیف تنام العین وهي ولم تدر فی أي المحلین
 قریره تنزل...
 فذهب عنی النوم..

«چگونه چشم من بخوابد در حالی که آن به روشنی رسیده است،
 نمی‌داند در کدام محل استقرار می‌یابد (بهشت یا جهنم) و خواب از
 سرم پرید».

۱۲- امید داشتن به الله

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ...
 إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا﴾ [الإسراء: 57]. «...[پیامبران و صالحان
 و فرشتگانی که ایشان به فریاد می‌خوانند] به رحمت الله امیدوارند و از
 عذاب او می‌ترسند، بی‌گمان باید از عذاب پروردگارت بر حذر بود».
 و این سخن الله تعالی: ﴿...وَأَدْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ
 مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الأعراف: 56]. «... الله را با ترس و امید بخوانید،

۱- شعب الایمان: ۹۸۰.

۲- شعب الایمان: ۹۸۶.

همانا رحمت الله به نیکوکاران نزدیک است». و همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ٥٣﴾ [الزمر: 53]. «بگو: ای بندگان من که [با گناهان] بر خود اسراف کرده‌اید! از رحمت الله ناامید نشوید، به راستی که الله همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است». و نیز الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: 48 و 116]. «بی‌گمان الله شرک به خود را نمی‌بخشد و گناهان پایین‌تر از آن را برای هر که بخواهد، می‌بخشد...».

و دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ مَا طَمَعَ بِجَنَّتِهِ أَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الرَّحْمَةِ مَا قَنِطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ»^۱. «اگر مؤمن از آنچه از عذاب و عقوبت نزد الله است خبر می‌داشت کسی پیدا نمی‌شد که طمع به بهشت داشته باشد [یعنی فرار از جهنم را برای خود کافی می‌دانست] و اگر کافر از آنچه از رحمت پروردگار [در بهشت] است خبر می‌داشت کسی پیدا نمی‌شد که از رفتن به بهشت نا امید بشود». و دلیل دیگر از سنت: حدیث جابر رضی الله عنه فی صحیح مسلم «لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ بِاللَّهِ الظَّنَّ»^۲. «کسی از شما نمیرد مگر آنکه به الله حسنِ ظن داشته باشد».

۱- صحیح مسلم: ۷۱۵۵؛ سنن ترمذی: ۳۵۴۲؛ و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح مسلم: ۷۴۱۰-۷۴۱۲؛ ابی داود: ۳۱۱۳؛ ابن‌ماجه: ۴۱۶۷؛ و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

و حدیث ابی هریره در صحیحین که پیامبر فرمود: الله می‌فرماید: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَا ذَكَرْتُهُ فِي مَلَا خَيْرٍ مِنْهُمْ وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ بِشَيْءٍ تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا وَإِنْ أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرُوكَةً»^۱. «من تقریبا همانگونه هستم که بنده‌ی من به من گمان می‌ورزد، و من همراه وی هستم مادامی که مرا ذکر می‌گوید، چنانچه در درونش مرا یاد کند من نیز در درونم او را یاد می‌کنم و اگر در جمعی مرا یاد کند من نیز در جمعی بهتر از آن جمع او را یاد می‌کنم، اگر به اندازه یک وجب به من نزدیک شود من به اندازه‌ی یک ذراع^۲ به او نزدیک می‌شوم و اگر به اندازه یک ذراع به من نزدیک شود من به اندازه یک باع^۳ به او نزدیک می‌شوم و اگر به سمت من راه بیاید به سمت او می‌دوم».

و أبو عثمان سعید بن اسماعیل شعری سروده است:^۴
 ما بال دينك ترضى أن تدنسه وأن ثوبك مغسول من الدنس
 ترجو النجاة ولم تسلك مسالكها إن السفينة لا تجري على
 اليُس

«چرا راضی می‌شوی دینت آلوده گردد، در حالی که وقتی لباست آلوده می‌گردد آن را می‌شوئی، به نجات امید داری در حالی که در راه‌های آن قدم نمی‌گذاری، کشتی در زمین خشک حرکت نمی‌-

۱- صحیح بخاری: ۷۴۰۵؛ صحیح مسلم: ۶۹۸۱-۷۰۰۸؛ سنن ترمذی: ۳۶۰۳؛ سنن ابن ماجه:

۳۸۲۲؛ شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- بین ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر.

۳- [به اندازه‌ی فاصله‌ی بین سر انگشتان دست راست تا سر انگشتان دست چپ وقتی دو دست باز باشند].

۴- شعب الایمان: ۱۰۳۱.

۱۳- توکل^۱ بر الله

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [التغابن: 13]. «... مؤمنین فقط^۲ بر الله توکل می‌کنند». و همچنین ذات تعالی می‌فرماید: ﴿...حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ [آل عمران: 173]. «... مؤمنین حقیقی وقتی مردم آنها را از دشمنان‌شان می‌ترسانند، می‌گویند: [الله برای ما کافی است و او بهترین وکیل و نگهبان است]. و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: 23]. «... اگر [از] مؤمنین هستید پس فقط بر الله توکل کنید». و نیز می‌فرماید:

﴿...وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ﴾ [الطلاق: 3]. «هر کس بر الله توکل کند او برای آن شخص کافی است، بی‌گمان الله حکمش را جاری می‌کند...».

و دلیل از سنت: حدیث ابن عباس در صحیحین است که وقتی صحابه از پیامبر ﷺ در مورد آن هفتاد هزار^۳ از امت پیامبر ﷺ که بدون

۱ - در مورد توکل و امید داشتن و ترسیدن از خداوند باید فقط از ذات تعالی او باشد زیرا کوچک‌ترین ذره چه در آسمان و چه در زمین جایجا نشده و برگ از روی درختی نمی‌افتد مگر به اجازه و اراده‌ی خداوند؛ یعنی خداوند همه کاره‌ی هستی می‌باشد، ترس و امید و توکل مان فقط باید از الله تعالی باشد.

۲ - چون جار و مجرور قبل از فعل آمده است، معنای تخصیص دارد و انحصار را می‌رساند - (جوهر البلاغه باب معانی فصل تخصیص) (مترجم).

۳ - عدد هفتاد هزار در گویش عربی عدد بسیار بزرگی است و خیلی بیشتر از هفتاد هزار نفر می‌شود، همان‌گونه که در فارسی وقتی می‌گوئیم صد بار بهت گفتم منظورمان دقیقاً صد بار

حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند پرسیدند، پیامبر ﷺ فرمود: «هُمُ الَّذِينَ لَا يَسْتَرْفُونَ وَلَا يَنْطِيرُونَ وَلَا يَكْتُونُونَ وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۱. «آنها کسانی هستند که طلب رقیه شرعی^۲ [از کسی] نکرده و تطییر^۳ ننموده و داغ نمی‌گذارند^۴ و فقط بر پروردگارشان توکل می‌نمایند». بعد عکاشه بن محسن الاسدی رضی الله عنه ایستاد و گفت: ای رسول الله آیا من از آنها باشم؛ رسول الله فرمود: تو از آنها هستی؛ سپس مردی دیگر پرسید: ای رسول الله آیا من از آنها هستم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عکاشه از تو سبقت گرفت).
توکل به معنی سپردن امر به الله تعالی بوده و همراه استفاده از وسیله برای رسیدن به آن امر می‌باشد.^۵

نمی‌شود؛ و فرقی که در زبان عربی و فارسی وجود دارد عرب منظورش از گفتن هفتاد عددی بزرگ‌تر از هفتاد است ولی فارس زبان منظورش از صد بار عددی کوچک‌تر از صد بار می‌باشد؛ ان شاء الله خداوند تعالی من و شما را از جمله‌ی این افراد بگرداند! (مترجم).

۱ - صحیح بخاری: ۵۷۰۵ - ۵۷۵۲ - ۶۵۴۱؛ صحیح مسلم: ۵۴۶ - ۵۴۷؛ سنن ترمذی: ۲۴۴۶؛ و شیخ آلبانی سند آن را صحیح می‌داند.

۲- الرقیه الشرعیه روشی از درمان است ک با خواندن قرآن بر مریض او را درمان می‌کنند، مخصوصاً برای بیماری‌های روان‌پزشکی؛ و حلال نیز می‌باشد؛ ولی اگر فرد مسلمان از این روش درمان استفاده ننماید و بر خدا توکل کند طبق این حدیث و احادیث دیگری برای او بهتر است (مترجم).

۳ - تطییر عملی است که در دوران جاهلیت انجام می‌گرفت، بطوریکه پرنده‌ای را در دست می‌گرفتند و او را رها می‌ساختند اگر پرنده به سمت راست می‌رفت دلیل بر خوش‌یمنی و اگر به سمت چپ می‌رفت دلیل بر بدیمنی می‌دانستند؛ این عمل در کل حرام می‌باشد و اعمالی مثل فال ورق و شمردن تسبیح به نیت خوب یا بد بودن نیز شامل همین عمل می‌شود. (مترجم)

۴ - داغ گذاشتن نیز راه درمان حلالی است، ولی اگر فرد مسلمان از این روش درمان استفاده ننماید و بر خدا توکل کند طبق این حدیث و احادیث دیگری برای او بهتر است. (مترجم)

۵- مثلاً اگر کسی مریض است نباید بگوید من قرص نمی‌خورم و بر الله توکل می‌کنم بلکه باید از وسیله استفاده نموده و بگوید من قرص می‌خورم تا ان شاء الله خداوند توسط قرص

از زبیر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَأْتِيَ بِحُزْمَةِ الْحَطَبِ عَلَى ظَهْرِهِ فَيَبِيعَهَا فَيَكْفَى اللَّهُ بِهَا وَجْهَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوهُ»^۱. «اگر کسی از شما طنابش را بردارد و توسط آن هیزم بر پشتش قرار دهد و آن هیزم را بفروشد و دست‌گدایی بسوی الله دراز کند بهتر از آن است که از مردم درخواست [مال] کند و آنها یا به او عطا کنند و یا از دادن [چیزی] امتناع ورزند». از مقدم بن معدی کرب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ كَمَا نَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ»^۲. «هیچکدام از شما نیست که غذایی بهتر از آنچه با دسترنج خودش بدست می‌آورد خورده باشد و پیامبر خدا داود علیه السلام از دسترنج خودش می‌خورد».

و در مورد آن بیهقی رحمته الله علیه گفته است: السری رحمته الله علیه نشستن در مسجد جامع را ذم نموده و می‌گفت: «مسجد جامع را مغازه‌هایی قرار داده‌اند که دری برای آنها وجود ندارد»^۳. و در مورد آن بیهقی رحمته الله علیه با اسنادی که بیان داشته، گفته است: ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود: «دینت همانا برای آخرت توست و درهمت برای زندگی دنیا و در چیزی که در آن درهمی برایت نیست خیری در آن وجود ندارد»^۴ و در مورد آن بیهقی رحمته الله علیه گفته است که فضیل بن عیاض به ابن مبارک

شفایم دهد. (مترجم)

۱- صحیح بخاری: ۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۸۰؛ و شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری ۲۰۷۲.

۳- شعب الایمان بیهقی: ۱۲۲۲.

۴- شعب الایمان بیهقی: ۱۲۵۴.

می‌گفت: تو ما را به زهد و کوتاهی در دنیا و روزی بخور و نمیر امر نمودی و این در حالی است که تو را اینگونه دیدیم که کالاها را برایت از خراسان به بلدالحرام می‌آورند، چگونه است که خود می‌گویی و به خلاف آن رفتار می‌کنی؛ ابن مبارک گفت: ای ابو علی من اینکار می‌کنم تا آبروی خود را حفظ کرده و توسط آن ناموسم را اکرام کنم و از آن برای اطاعت پروردگرم کمک می‌گیرم، حقی از جانب الله ندیدم مگر آنکه بسوی آن شتافتم تا آن را برپا دارم؛ فضیل در جواب گفت: ای ابن مبارک چه چیزی نیکوتر از آن است اگر به پایان برسد»^۱.

۱۴- دوست داشتن پیامبر ﷺ

دلیل آن از سنت: انس رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»^۲. «هیچ کدام از شما نیست که ایمانش کامل شود مگر اینکه من از پدرش و فرزندش و همه انسان‌ها نزد او محبوب‌تر باشم». و همچنین حدیث انس رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرمود: «ثَلَاثٌ مِّنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ حِلَاوَةَ الْإِيمَانِ مِمَّنْ كَانَتْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا...»^۳. و حدیث دیگر: «أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ: مَتَى السَّاعَةُ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: مَتَى أَعَدَدْتُ لَهَا؟ قَالَ: مَتَى أَعَدَدْتُ لَهَا مِنْ كَثِيرِ صَلَاةٍ وَلَا صِيَوْمٍ وَلَا صِدْقَةٍ وَلَكِنِّي أَحَبُّ

۱- شعب الایمان بیهقی: ۱۲۶۶.

۲- صحیح بخاری: ۱۳-۱۵؛ صحیح مسلم: ۱۷۷-۱۷۸؛ سنن ابن ماجه: ۶۷.

۳- در بخش دهمین پایه از پایه‌های ایمان ترجمه و آدرس این حدیث بطور کامل ذکر شده است.

اللَّهِ وَرَسُوْلَهُ قَالًا: أَنْتَ مَرِيْعٌ مِّنْ أَحْبَبْتِ». «مردی از پیامبر ﷺ پرسید: ای پیامبر خدا! قیامت چه زمانی برپا خواهد شد؟ پیامبر ﷺ فرمود: چه توشه برای آن فراهم نموده‌ای؟ گفت: برای آن نمازهای کثیر و روزه‌های زیاد و صدقه‌های بسیار فراهم ننموده‌ام، ولی الله و رسولش را دوست دارم، پیامبر ﷺ فرمود: تو همراه کسی خواهی بود که وی را دوست می‌داری».

۱۵- وجوب عظیم شمردن پیامبر ﷺ و اجلال و بزرگ کردن

وی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ...﴾ [الفتح: 9] «... و او را یاری دهید و او را بزرگ دارید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ...﴾ [الأعراف: 157] «... پس کسانی که به او ایمان آورند و او را تعزیر کرده و حمایتش کنند...» و «تعزیر» در اینجا بدون هیچ اختلافی «تعظیم» (عظیم شمردن) است. همچنین می‌فرماید: ﴿...لَّا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا...﴾ [النور: 63]. «فرا خواندن پیامبر را در میان خویش همچون فراخواندن همدیگر به شمار نیاورید...». یعنی نگوئید: ای محمد! ای ابوالقاسم! بلکه بگوئید: یا رسول الله! (ای فرستاده الله) و یا، یا نبی الله! (ای پیام‌آور الله)؛ و همچنین می‌فرماید: ﴿...لَّا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...﴾ [الحجرات: 1]. «... در

۱- صحیح بخاری: ۳۶۸۸-۶۱۶۷-۶۱۷۱-۷۱۵۳؛ صحیح مسلم: ۶۸۷۸-۶۸۷۹-۶۸۸۱-۶۸۸۳؛ سنن ترمذی: ۲۳۸۵؛ و شیخ‌البنی سند آن را صحیح دانسته است.

برابر الله و رسولش پیش دستی نکنید...». همچنین می‌فرماید:

﴿... لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ...﴾ [الحجرات: 2].

«... صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نکنید...».

امام بیهقی رحمته الله گفته است: منزلت تعظیم بالاتر از منزلت دوست داشتن است، زیرا هر چیز دوست داشتنی نزد انسان عظیم نیست مثل پدر که فرزندش را دوست می‌دارد یا دوست داشتن برده توسط صاحب آن.

۱۶- حرص شخص به دینش تا آنجا که به جهنم رفتن برای او دوست داشتنی‌تر از کافر شدن باشد

دلیل آن حدیثی است که در قبل بیان شد: سه چیز است که اگر بوجود آید شیرینی ایمان حاصل می‌شود... سپس فرمود: «در جهنم افتادن برای او دوست داشتنی‌تر از برگشتن به کفر باشد بعد از اینکه الله او را از آن [کفر] نجات داد» و در حدیث دیگر آمده است: «أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ عَنْمَا بَيْنَ جَبَلَيْنِ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ فَمَاتَى قَوْمَهُ فَقَالَ أَيُّ قَوْمٍ أَسْلَمُوا فَوَاللَّهِ إِنَّ مُحَمَّدًا لَيُعْطِي عَطَاءَ مَا يَخَافُ الْفَقْرَ. فَقَالَ أَنَسٌ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ لَيُسَلِّمَ مَا يُرِيدُ إِلَّا الدُّنْيَا فَمَا يُسَلِّمُ حَتَّى يَكُونَ الْإِسْلَامُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا!». «مردی از پیامبر رحمته الله غنیمت زیادی خواستار شد و او نیز آن را به او عطا فرمود، او به نزد قومش رفت و گفت: ای قوم [من] اسلام آورید زیرا قسم به الله محمد [مال] عطا می‌کند در حالی که از فقر نمی‌هراسد. انس رضی الله عنه گفت: مردانی وجود دارند که جز برای [متاع] دنیا ایمان نمی‌آورند ولی عاقبت آنها این می‌شود که نزد آنها اسلام از دنیا و آنچه در آن است، عزیزتر می‌شود».

17- علم آموختن

که شامل شناخت باری تعالی و یاد گرفتن آنچه از نزد الله به ما رسیده و علوم نبوی و هر آنچه که پیامبر ﷺ را از دیگران جدا می‌کند و همچنین کسب علم شامل آموختن احکام الله تعالی و آنچه که او اقتضاء نموده و شناخت هر چیزی است که احکام از آن صادر می‌شود مانند قرآن و سنت پیامبر ﷺ و قیاس و راه‌های اجتهاد و قرآن و سنت که توسط علم علماء حمل می‌شوند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿...إِنَّمَا يَخْتَشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...﴾ [فاطر: 28]. «... فقط بندگان عالم هستند که از الله خشیه دارند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلِكُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ...﴾ [آل عمران: 18]. «...الله و ملائک و صاحبان علم، گواهی می‌دهند که هیچ پرستش شونده بر حقی جز او وجود نداشته [و همچنین گواهی داده] که او دادگری می‌نماید...». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ [النساء: 113]. «... و چیزی را به تو آموخت که قبلاً از آن شناختی نداشتی و فضل الله بر تو عظیم است». و می‌فرماید: ﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾ [المجادله: 11]. «...الله به کسانی از شما که ایمان آورده و بهره از علم دارند درجات بزرگی می‌بخشد...». در جای دیگر می‌فرماید: ﴿...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: 9]. «... بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان هستند [از این سخن] کسی متذکر نمی-

شود مگر صاحبان خرد».

در صحیحین از عبدالله بن عمرو بن عاصب آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ أَنْتِرَاعًا يَنْتَرِعُهُ مَنْ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا جُهَاثًا فَسُئِلُوا فَأَمَّتُوا بَعْضُ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا». «الله علم را از بین بندگان حذف نمی‌کند ولی علم را توسط گرفتن علماء دور می‌کند تا اینکه عالمی باقی نمی‌ماند و مردم جاهلان را رؤسای خود قرار می‌دهند و وقتی از آنها سوال می‌شود به غیر علم فتوا داده و در نتیجه خود گمراه شده و [دیگران] را گمراه می‌کنند». از ابی هریره رضی الله عنه آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يَسِّرْ عَلَيَّ مُعْسِرٍ يَسِّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَدَّ مَسْلَمًا سَدَّ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ اللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَدْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرَعِ بِهِ نَسَبُهُ».^۱ «کسی که در دنیا بلائی را از مؤمنی دور سازد، الله بلائی از بلائی روز قیامت را از او دور می‌سازد، و کسی که در مورد کسی که می‌شود [برای او] سخت‌گیری کرد، آسان بگیرد، خداوند برای او در دنیا و آخرت آسان می‌گیرد و کسی که عیب مسلمانی را پوشاند، خداوند در دنیا و آخرت [عیب] او را می‌پوشاند

۱- صحیح بخاری: ۱۰۰؛ صحیح مسلم: ۶۹۷۱؛ سنن ترمذی: ۲۶۵۲؛ سنن ابن ماجه: ۵۲؛ و شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح مسلم: ۶۷۴۳-۷۰۲۸؛ سنن ترمذی: ۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۹۳۰-۲۹۴۵؛ سنن ابوداود: ۴۹۴۶؛ سنن ابن ماجه: ۲۲۵؛ و شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

و خداوند در کمک بنده‌اش است تا زمانی که بنده در کمک برادرش باشد و کسی که برای کسب علم مسیری را می‌پیماید، خداوند راهی بسوی بهشت را برای او آسان می‌نماید و گروهی نیستند که در خانه از خانه‌های خداوند (مساجد) جمع شده و در آن کتاب الله را تلاوت نموده و به تدریس آن پردازند مگر اینکه خداوند آرامش را بر آنها نازل فرموده و آنان را با رحمت خود در برگرفته و ملائک حول آنان را می‌پوشانند و ایشان را پیش کسانی که نزد وی هستند یاد می‌فرماید و کسی که عملش کوتاه باشد، نسبش او را پیش نمی‌برد».

۱۸- نشر علم

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...لَثَبِيُنْتَهُو لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُو...﴾ [آل عمران: 187] «...آن را برای مردم بیان کنید و آن را پنهان ندارید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾ [التوبة: 122]. «...و وقتی بسوی قوم‌شان برگشتند آنها را تنذیر کنند(از عذاب خداوند بترسانند)»^۱.

و دلیل از سنت حدیث ابی بکره^{رضی الله عنه} است که پیامبر^{صلی الله علیه و آله} در خطبه‌اش در منا فرمود: «... أَلَا لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ فَلَعَلَّ بَعْضَ مَنْ يُبَلِّغُهُ يَكُونُ أَوْ عَى لَهُ مِنْ بَعْضِ مَنْ سَمِعَهُ...»^۲. «... آگاه باشید شاهد [این سخنان را به کسانی که] غائب هستند، برسانند

۱- دلیلی که عده‌ای از مسلمانان باید فقیه شوند و دین را به بقیه مسلمانان بیاموزند همین آیه است؛ البته تمام آیه. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۶۷- ۱۷۴۱- ۴۴۰۶- ۵۵۵۰- ۷۰۷۸- ۷۴۴۷؛ صحیح مسلم: ۴۴۷۷؛ سنن ابن ماجه: ۲۳۳؛ شیخ آلبانی سند حدیث را صحیح دانسته است.

چه بسا آن کسی که [مطلب] به وی می‌رسد آن را بهتر از کسی که توسط وی [مطلب] رسانیده می‌شود، بهتر یاد گرفته باشد». ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكَتَمَهُ أَلْجَمَهُ اللَّهُ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ!». «کسی که از او در باره علمی سوال شود و [دانسته] آن را بپوشاند، خداوند روز قیامت پوزه‌بندی از آتش بر پوزه او می‌گذارد».

امام بیهقی رحمته الله علیه آورده است که امام عمر بن عبد العزیز رحمته الله علیه گفت: «کسی که سخنش از عملش بیشتر باشد اشتباه‌های او زیاد می‌شود و کسی که به غیر علم عمل کند بیشتر از آنکه اصلاح کند، فساد می‌کند»^۲ و از حارث المحاسبی: «از علم خشیه به ارث می‌رسد و از زهد راحتی و از شناخت و معرفت، توبه و انابه»^۳ و از ابن سعد: «کسی که به علوم روایی عمل کند به علم درایی می‌رسد و کسی که به علم درایی عمل کند به علم رعایی می‌رسد کسی که به علم رعایی عمل کند بسوی راه حق هدایت شده است»^۴ و از مالک بن دینار: «اگر بنده علم کسب کند تا بدان عمل کند، علم وی [غرور]ش را می‌شکند و اگر به [نیتی] غیر از عمل به آن؛ آن را کسب کند غرورش زیاد می‌شود»^۵ و از معروف الکرخی: «اگر خداوند به کسی اراده خیر داشته باشد در عمل را باز نموده و در

۱- سنن ابوداود: ۳۶۵۸؛ سنن ترمذی: ۲۶۴۹؛ سنن ابن ماجه: ۲۶۱-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶؛ شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- شعب الایمان: ۱۸۱۹-۵۰۲۱.

۳- شعب الایمان: ۱۸۲۱.

۴- شعب الایمان: ۱۸۲۲.

۵- شعب الایمان: ۱۸۲۷.

جدل را می‌بندد و اگر خداوند به کسی اراده شر داشته باشد در عمل را بر وی می‌بندد و در جدل را برایش باز می‌کند»^۱ و از ابوبکر الوراق: «کسی که به مسائل کلامی اکتفا کند و بدنبال زهد و فقه نباشد زندیق می‌شود و کسی که به زهد اکتفا کند و به دنبال فقه و مسائل کلامی نباشد بدعت‌گذار است و کسی که به فقه اکتفاء کند و به دنبال زهد و پرهیزکاری نباشد فاسق است و کسی که در همه امور هنرنمایی نماید اخلاص یافته است»^۲ و از حسن بصری رحمه‌الله: مردی از کنار وی گذشت، گفته شد: او فقیه است، او گفت: آیا می‌دانید فقیه کیست؟ فقیه فقط کسی است که در دینش عالم باشد و نسبت به دنیا زاهد باشد و در عبادت پروردگارش پابرجا»^۳. و از مالک بن دینار: «در تورات خواندم اگر عالم به علمش عمل نکند، پندهای او در قلب‌ها تزلزل پیدا می‌کند»^۴ و ابوبکر بن ابی داود خطاب به خودش سروده است:^۵

«محمد غص دوائی بشرب الماء غصته» محمد داروی مرا با سیراب شدن از آن به من نوشاند سیراب شدنی که از طرف خودش بود.

فکیف یصنع من قد غص بالماء

«پس حال کسی که از آب سیراب است [و بیمار نیز هست]

چگونه است».

۱- شعب الایمان: ۱۸۳۲.

۲- شعب الایمان: ۱۸۳۳.

۳- شعب الایمان: ۱۷۳۴.

۴- شعب الایمان ۱۸۴۱.

۵- شعب الایمان: ۱۸۹۸.

و شعری از ابوعثمان الحیری الزاهد:^۱
 و غیر تقی یا مَرَّ النَّاسُ بِالتَّقِيِّ طیب یداو ی والطیب مریض
 «کسی که تقوا ندارد دیگران را به تقوا امر می‌کند، طیب درمان
 می‌کند در حالی که خود مریض است».
 از الله تعالی درخواست علم و عمل داریم و به جلال و جهش از
 ناکامی و حرص و آرزوی دنیوی^۲ پناه می‌بریم.

19- عظمت دادن به قرآن مجید

با یاد گرفتن و یاد دادن آن و حفظ حدودش و دانا بودن به
 حلال و حرامش و تجلیل اهلش و حفاظش و به خاطر وعیدهای
 خداوند ترسی در دل ایجاد شود که انسان را به گریه بیناندازد.
 زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ
 لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...﴾ [الحشر: 21] «اگر این
 قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم به خاطر خشیه از خداوند همانا آن را
 خاشع و شکاف خورده می‌یافتی...». و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ
 لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۗ۷۷ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ۗ۷۸ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۗ۷۹
 تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۗ۸۰﴾ [الواقعه: 77-80]. «همانا آن قرآنی
 گران قدر است * در کتابی^۳ پنهان قرار دارد * جز پاکان کسی آن را
 لمس نمی‌کند * از [سوی] پروردگار جهانیان نازل شده است». و
 همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ

۱- شعب الایمان: ۷۳۰۳.

۲- آرزویی که برای دنیا باشد انسان را از یاد مرگ غافل می‌سازد. (مترجم)

۳- منظور لوح محفوظ می‌باشد.

الأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا... ﴿﴾ [الرعد: 31] «و اگر قرآنی [در بین کتاب‌های آسمانی یافت می‌شد که کوه‌ها بدان از جای خود روان شده و به حرکت در می‌آمدند یا زمین به وسیله آن پاره پاره می‌گردید [ونهرها بدان روا می‌گشتند و باغ‌ها بدان شکفته می‌شدند] و یا بدان مردگان به سخن در می‌آمدند، [همین قرآن است]، بلکه همه کارها در دست خداوند است».

دلیل از سنت: عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خَيْرُكُمْ مَنِ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»^۱. «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد». دلیل دیگر: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي تَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَقَلُّبًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا»^۲. «با قرآن پیمان ببندید [که آن را از خود دور نکنید] قسم به کسی که جان محمد در دست اوست [فراموشی] آن از شتری که عقل به پای آن بسته‌اند سریع‌تر فرار می‌کند». و همچنین عبدالله بن عمر ب آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا حَسِيدَ إِلَّا عَلِيٌّ أَتَتْهُ رَجُلٌ أَتَاهُ اللَّهُ هَذَا الْكِتَابَ فَقَامَ بِهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَنَاءَ النَّهَارِ وَرَجُلٌ أَتَاهُ اللَّهُ مَيْلًا فَتَصَدَّقَ بِهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَنَاءَ النَّهَارِ»^۳. «غبطه فقط در دو چیز جایز می‌باشد: مردی که خداوند کتاب [قرآن] را به او عطا فرموده و او در ساعاتی از شب و ساعاتی در روز آن را بپا می‌دارد و مردی که خداوند به او مالی عطا فرموده و او آن را در ساعاتی از شب و ساعاتی در روز صدقه

۱- صحیح بخاری: ۵۰۲۷؛ سنن ابوداود: ۱۴۵۲؛ سنن ترمذی: ۲۹۰۷-۲۹۰۸-۲۹۰۹؛ ابن ماجه:

۲۱۱؛ شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۵۰۳۳؛ صحیح مسلم: ۱۸۷۸-۱۸۸۰.

۳- صحیح بخاری: ۵۰۲۵؛ صحیح مسلم: ۱۹۳۱.

می‌دهد». و همچنین حضرت عمر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ». «همانا خداوند با این کتاب (قرآن) عده را رفعت می‌بخشد و عده دیگر را ضایع می‌کند».

۲۰- پاکیزگی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...﴾ [المائدة: 6] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی برای نماز ایستادید [قبل از آن] صورت‌ها و دست‌هایتان را تا آرنج بشوئید و سرهای‌تان را مسح نموده و پاهای‌تان را تا دو قوزک بشوئید...».

دلیل از سنت: ابی مالک الاشعری رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَمْلَأُنِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَالصَّلَاةُ نُورٌ وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو فَبَايِعَ نَفْسَهُ فَمَعَتْفَهَا أَوْ مُؤَبِّفَهَا»^۳. «پاکیزگی نصف ایمان است و الحمد لله [گفتن] ترازوی [ایمان] را پر می‌کند و سبحان الله و الله اکبر [گفتن] بین آسمان و زمین را پر می‌کند و نماز نور است و صدقه دلیل [بر

۱- صحیح مسلم: ۱۹۳۴؛ سنن ابن ماجه: ۲۱۸؛ شیخ آل‌بانی نیز آنرا صحیح دانسته است.

۲- چون اعراب «ارجل» با اعراب «وجوه» و «ایدی» یکی است و به فتح می‌باشد و اعراب «رؤس» جر می‌باشد با توجه به قواعد زبان عربی باید پاها را مثل صورت‌ها و دست‌ها به فعل «فاغسلوا» ارجاع دهیم و آنها را هنگام وضو بشوئیم. (مترجم)

۳- صحیح مسلم: ۵۵۶.

دینداری] و صبر روشنی و قرآن حجتی است که یا به نفعت می‌شود و یا بر علیه‌ات، همه انسان‌ها در جنب و جوش هستند و نفس خود را می‌فروشند عده برای رهایی [از جهنم] و عده‌ای برای گرفتار شدن [به عذاب جهنم]. دلیل دیگر: پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا تُقْبَلُ صِلَاةٌ بِغَيْرِ طُهُورٍ وَلَا صَدَقَةٌ مِنْ غُلُولٍ»^۱. «نماز بدون طهارت قبول نمی‌شود و صدقه، از غنیمت دزدی شده قبل از تقسیم آن قبول نمی‌گردد». و همچنین: حدیث ثوبان رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرمود: «اسْتَقِيمُوا وَلَنْ تَحْصُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمُ الصَّلَاةُ وَلَا يُحَافِظُ عَلَى الْوُضُوءِ إِلَّا مُؤْمِنٌ»^۲. «استقامت ورزید و هرگز خسته نشوید و بدانید بهترین اعمال شما نماز است و بجز مؤمن کسی از وضوی خود محافظت نمی‌کند».

حلیمی از یحیی بن آدم آورده^۳: «علت آنکه فرموده پاکیزگی نصف ایمان است به این دلیل است که الله تعالی نماز را [در قرآن] ایمان نامیده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿... وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيْمَانَكُمْ...﴾ [البقره: 143] «... و الله بر این نیست که ایمان‌تان را ضایع فرماید...»، که منظور از ایمان نماز بسوی بیت المقدس می‌باشد؛ و نماز بدون وضو جایز نیست و هر کدام از آن دو [نماز و وضوء] جزئی از دیگری است».

۱- صحیح مسلم: ۵۵۷؛ سنن ابوداود: ۵۹؛ سنن ترمذی: ۱؛ سنن نسائی: ۱۳۹-۲۵۲۴؛ سنن ابن ماجه: ۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴؛ شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- سنن ابن ماجه: ۲۷۷؛ شیخ آل‌بانی نیز سند حدیث را صحیح دانسته است.

۳- شعب الإیمان: در حاشیه‌ی ۲۹۰۷.

۲۱- نمازهای پنجگانه واجب

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ...﴾ [البقرة: 143] که منظور از ایمان تان نمازتان است و همچنین می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ﴾ «و نماز را برپای دارید و زکات بدهید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ [النساء: 103] «نماز برای مؤمنین واجبی وقت دار است».

دلیل از سنت: پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ!». [فاصله‌ی] بین [اسلام] شخص و شرک و کفر [ش] ترک نماز می‌باشد. دلیل دیگر از سنت: عبد الله بن مسعود رضی الله عنه در صحیحین گفته است: «سَأَلْتُ النَّبِيَّ أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ قَالَ الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَفَتْهَا قَالَ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ ثُمَّ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ قَالَ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي بِهِمْ وَلَوْ اسْتَزِدُّهُ لَزَادَنِي». [از پیامبر ﷺ سوال کردم چه عملی نزد خداوند محبوب‌تر است؟ فرمود: نماز در وقتش، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: نیکی به والدین، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه الله. [ابن مسعود گفت:] آنان را برای من بیان فرمود و اگر بیشتر می‌پرسیدم بیشتر جواب می‌داد». حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که پیامبر ﷺ فرمود: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةِ الْفِدْيِ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً». [فضیلت

۱- صحیح مسلم: ۲۵۶-۲۵۷؛ سنن ابوداود: ۴۶۷۸؛ سنن ترمذی: ۲۶۱۸-۲۶۱۹-۲۶۲۰؛ سنن نسائی: ۴۶۴؛ سنن ابن ماجه: ۱۰۷۸-۱۰۸۰؛ و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۵۲۷-۵۹۷۰-۷۵۳۴؛ صحیح مسلم: ۲۶۲-۲۶۴-۲۶۶؛ سنن نسائی: ۶۱۰-۶۱۱؛ شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح دانسته است.

۳- صحیح بخاری: ۶۴۵؛ صحیح مسلم: ۱۵۰۹؛ سنن ترمذی: ۲۱۵؛ سنن نسائی: ۸۳۷؛ صححه

نماز جماعت بیست و هفت برابر نماز فرادی است». حضرت عثمان رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است: «مَا مِنْ امْرِيٍّ مُسَلِّمٍ تَحَضَّرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً وَذَلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهُ!».

«شخص مسلمانی نیست که نماز واجبی را بخواند و وضوء و خشوع و رکوع آن را به نیکی ادا کند بجز اینکه [این عمل او] کفاره‌ی گناهان قبلیش می‌گردد به شرطی که آن [گناهان] کبیره نباشد و این [قانون] در هر زمانی جاری است».

در همین مورد امام بیهقی رحمته الله علیه گفته است: بعد از ایمان به الله از عبادات عبادی وجود ندارد که ترک آن انسان را به کفر سوق دهد و خداوند آن را ایمان نامیده و رسول الله ترک آن را کفر دانسته است بجز نماز.

۲۲- پرداخت زکات

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾ [البینه: 5]. «و امر نشدند جز اینکه خدا را مخلصانه و حق‌گرایانه بپرستند و نماز برپای داشته و زکات بدهند و این است آئین راستین».

همچنین می‌فرماید: ﴿...وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۚ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ

البانی. این حدیث با لفظ ۲۵ برابر نیز آمده است و طبق نظر محدثین ۲۷ برابر برای نماز جماعت در مسجد است و ۲۵ برابر برای نماز جماعت در خانه است. (مترجم)

لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۳۰﴾ [التوبه: 34-35]. «و کسانی که طلا و نقره را گنج می‌کنند^۱ و در راه الله آن را انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذابی دردناک مژده بده * روزی که [اندوخته‌ها] در آتش جهنم گداخته شده و پیشانی و پهلو و پشت‌های ایشان با آن داغ گذاشته می‌شود و بدیشان گفته می‌شود: «این همان چیزی است که برای خود اندوخته‌اید»، پس اینک [سزا و کیفر] آنچه که می‌اندوخته‌اید بچشید». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [آل‌عمران: 180] «و کسانی که به آنچه خداوند از فضل خویش داده، خساست می‌ورزند، گمان نبرند که آن [خساست] برای آنها بهتر است، بلکه به زیان آنان است، و در روز قیامت چیزی که بدان خساست ورزیده‌اند طوق گردن‌شان می‌گردد، و همه‌ی دارایی‌های آسمان و زمین از آن خداوند بوده و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است».

دلیل از سنت: ابن عباس آورده است پیامبر ﷺ وقتی معاذ ﷺ را به یمن فرستاد به او فرمود: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ. فَاذْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُوْخَذُ مِنْ أَعْيُنِهِمْ فَتُرَدُّ فِي فُقَرَائِهِمْ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ وَأَنْتَ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ

۱- از ابن عمر و ابن عباس، وجابر، و ابی هریره به صورت موقوف و مرفوع و از عمر بن الخطاب ﷺ آمده است: «یکزنون» (گنج کردن) به معنی مالی است که زکات آن داده نشود. تفسیر ابن کثیر ذیل همین آیه. (مترجم)

حَجَابٌ»^۱.

«تو نزد قومی از اهل کتاب^۲ می‌روی آنها را به گواهی دادن به اینکه هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد و اینکه من فرستاده‌ی او هستم دعوت بده، پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند به آنها بیاموز که خداوند در شبانه روز پنج نماز را بر آنها فرض گردانیده است، اگر در این مورد از تو اطاعت کردند به آنان خبر ده که خداوند زکات را بر آنها فرض نموده که از ثروتمندان آنها گرفته می‌شود و در میان مستمندان آنها توزیع می‌گردد. اگر این را پذیرفتند به بهترین اموال آنها دست درازی نکن و از دعای مظلوم بترس زیرا بین وی و خداوند پرده‌ای وجود ندارد».

ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود است: «مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهُ مُثِّلَ لَهُ مَالُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُجَاعًا أَقْرَعَ لَهُ رَبِيبَتَانِ يُطَوِّفُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْخُذُ بِلِئِزْمَتَيْهِ يَعْنِي بِشِدْقَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا مَالِكٌ أَنَا كَنْزُكَ ثُمَّ تَلَا: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾»^۳. «کسی که خداوند به او ثروتی داده و او زکات آن را پرداخت نکند، روز قیامت، مالش به شکل ازدهایی سمی که دارای دو نیش زهرآگین است، در آمده و به گردن او می‌پیچد و دو طرف چهره‌اش (گونه‌هایش) را گرفته و می‌گوید: من مال و خزانه‌ی تو هستم؛ سپس رسول الله صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ

۱- صحیح بخاری: ۱۳۹۵-۱۴۵۸-۷۳۷۲؛ صحیح مسلم: ۱۳۰-۱۳۲؛ سنن ابو داود: ۱۵۸۴؛ سنن ترمذی: ۶۲۵؛ سنن ابن ماجه: ۱۷۸۳؛ و صححه آلبانی.

۲- یهودیان و مسیحیان را اهل کتاب می‌نامند. (مترجم)

۳- صحیح بخاری: ۱۴۰۳-۴۵۶۵؛ سنن نسائی: ۲۴۸۱-۲۴۸۲؛ صححه آلبانی.

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ... ﴿﴾ [ترجمه‌ی آیه در قبل آمد].

۲۳- روزه

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^{۱۸۳} [البقره: 183]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شد همانطور که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شده بود، باشد که متقی گردید».

دلیل از سنت: عبد الله بن عمر از پیامبر ﷺ روایت نموده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ وَحَجِّ الْبَيْتِ»^۱. «اسلام بر پنج ستون بنا شد است: گواهی دادن به اینکه هیچ پرستش‌شونده‌ی بر حقی جز الله وجود نداشته و محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد و برپا نمودن نماز و پرداخت زکات و روزه‌ی [ماه] رمضان و حج بیت الله الحرام». وحیث ابی هریره رضی الله عنه پیامبر ﷺ فرمود: «كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ يُضَاعَفُ الْعَسَنَةُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا إِلَى سَعِمْمَانَةٍ ضَعْفَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ. وَلِخُلُوفٍ فِيهِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ»^۲. «هر عمل [نیک] بنی آدم ده برابر تا هفتصد برابر می‌گردد خداوند فرموده: بجز روزه، و آن برای من است و من به آن پاداش

۱- صحیح بخاری: ۴۵۸۵؛ صحیح مسلم: ۱۲۰-۱۲۲؛ سنن ترمذی: ۲۶۰۹؛ سنن نسائی: ۵۰۰۱؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۲۷۶۳؛ سنن ابن ماجه: ۱۶۳۸؛ صححه آلبانی.

می‌دهم، شهوت و غذایش را [روزه دار] برای رضای من ترک می‌کند؛ روزه دار دو بار شاد می‌گردد: یک شادی وقتی افطار می‌کند و شادی دیگر وقتی است که [در قیامت] پروردگارش را می‌بیند. و تغیر بوی دهان روزه‌دار [به علت روزه] نزد خداوند از بوی مشک خوشایندتر است». و حدیث دیگر: «الصوم جنه»^۱. «روزه [برای جهنم] سپر است».

۲۴- اعتکاف [در مساجد]

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [البقره: 125]. «و به ابراهیم و اسماعیل سفارش نمودیم خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان پاکیزه نمایند».

دلیل از سنت: عائشه گفته است: «أَنَّ النَّبِيَّ كَمَا نَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ ثُمَّ اعْتَكَفَ أَرْوَاهُ مِنْ بَعْدِهِ»^۲. «همانا پیامبر ﷺ دهی آخر رمضان اعتکاف می‌نمود تا اینکه خداوند وی را فوت داد سپس زنانش بعد از او اعتکاف می‌کردند) و از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «من اعتکاف فواق ناقه‌ی فکائما أعتق نسمة أو رقبة»^۳ (کسی که به اندازه فاصله دو

۱- سنن ترمذی: ۷۶۴-۲۶۱۶؛ سنن نسائی: ۲۲۲۴-۲۲۲۵-۲۲۲۶-۲۲۳۱؛ سنن ابن ماجه: ۲۹۷۳؛ و شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۲۰۲۶؛ صحیح مسلم: ۲۸۴۱؛ سنن ابی داود: ۲۴۶۲؛ صححه آلبنی.

۳- رواه العقیلی فی الضعفاء من حدیث عائشه و أنسب. «قال فی البدر المنیر: هذا حدیث غریب لا أعرفه بعد البحث الشدید عنه. وقال الحافظ: هو منکر ولكنه أخرج الطبرانی فی الأوسط قال الحافظ: لم أر فی إسناده ضعفا إلا أن فیهِ وجادة و فی المتن نكارة شديدة

شیر دادن شتری اعتکاف کند مانند این است که شخص یا برده‌ی را آزاد نموده است».

۲۵- حج در صورت توانایی]

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ [آل عمران: 97] «...خداوند حج بیت الحرام را برای کسی که توانایی آن را دارد واجب نموده است...». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلِ يَا حَلَّالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ [الحج: 27]. «و در [میان] مردم برای حج ندا برآور که پیاده و [یا سوار] بر هر شتر لاغری که از راه دوری رهسپارند به سوی تو بیایند». و نیز می‌فرماید: ﴿وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾ [البقره: 196]. «حج و عمره را برای الله به اتمام برسانید...». همچنین دلیل از سنت: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَيَّ خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ وَحَجِّ الْبَيْتِ». «اسلام بر پنج ستون بنا شد است: گواهی دادن به اینکه هیچ پرستش‌شونده‌ی بر حقی جز الله وجود نداشته و محمد بنده و فرستادی وی می‌باشد و برپا نمودن نماز و پرداخت زکات و روزه‌ی [ماه] رمضان و حج بیت الله الحرام». و حدیثی که حضرت عمر رضی الله عنه روایت نموده: «بینما نحن جلوس عند رسول الله إذ جاء رجل فقال: يا محمد! ما الإسلام؟ قال: أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله وأن تقیم الصلاة وتؤتي الزكاة وتحج البيت وتعتمر وتغتسل من الجنابة وتتم الوضوء وتصوم رمضان قال فإن فعلت فأنا

مسلم قال: نعم. قال: صدقت^۱. «ما نزد رسول الله نشسته بودیم که مردی آمد و گفت: یا محمد! اسلام چیست؟ فرمود: شهادت بدهی که پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله وجود ندارد و محمد فرستاده‌ی اوست و اینکه نماز برپای داری و زکات بدهی و حج بیت الحرام بجا بیاوری و عمره نمایی و از جنابت غسل کنی و وضو را به طور کامل انجام دهی و ماه رمضان روزه بگیری، گفت: اگر من اینها را انجام دهم مسلمانم؟ فرمود: بله، گفت: راست گفتمی». و از ابی امامه الباهلی رضی الله عنه آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من لم یحبسه مرض أو حاجة ظاهرة أو سلطان جائر ولم یحج فلیمت إن شاء یهودیا وإن شاء نصرانیا»^۲. «کسی که مریضی یا نیازی آشکار یا حاکمی ستمگر جلوی او را نگیرد ولی او حج ننماید، بنا بر خواست خودش یا یهودی است و یا مسیحی».

۲۶- جهاد

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...﴾ [الحج: 78]. «در راه الله آنطور که حق جهادش است جهاد کنید...». و می‌فرماید: ﴿...يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾ [المائدة: 54]. «در راه الله جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌ترسند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ [التوبه: 123]. «... با

۱- صحیح مسلم در الایمان (۱۷/۱) و ابن حبان در صحیحش (۱۷۳/۱-احسان). تخریج:

حمدی الدرمداش محمد عدل. شعب الایمان: ۳۹۷۳.

۲ - شعب الایمان: ۳۹۷۹.

کافرانی که به شما نزدیک ترند بجنگید و [آنها] در شما تندی ببینند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ...﴾ [الأنفال: 65]. «ای پیامبر مؤمنین را به جنگ تحریک کن...».

دلیل از سنت: ابی هریره رضی الله عنه آورده است: «سُئِلَ أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: إِيْمَانُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ قَيْلٌ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَيْلٌ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: حَجُّ مَبْرُورٍ». «از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: چه عملی بافضیلت تر است؟ فرمود: ایمان به الله و فرستاده‌اش، گفته شد: بعد از آن؟ فرمود جهاد فی سبیل الله، گفته شد: بعد از آن؟ فرمود: حج قبول شده».

و دلیل دیگر: حدیث عبدالله بن ابی اوفی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «... لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ وَاسْأَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فَإِذَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ...» 2. «آرزوی دیدن دشمن را نداشته باشید و از خداوند عافیت را طلب کنید و اگر آن [دشمنان] را دیدید، صبور باشید و بدانید که بهشت زیر سایه شمشیرهاست».

۲۷- رباط (نگهبانی دادن از ترس هجوم دشمن)

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ...﴾ [آل عمران: 200]. «ای

۱- صحیح بخاری: ۲۶- ۱۵۱۹- ۷۵۳۲؛ صحیح مسلم: ۲۵۸؛ سنن ترمذی: ۱۶۵۸؛ سنن نسائی: ۳۱۳۰؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۲۹۶۵- ۲۹۶۶- ۳۰۲۵- ۳۰۲۶- ۷۲۳۷؛ صحیح مسلم: ۴۶۳۹- ۴۶۴۰؛ سنن ابو داود: ۲۶۳۱؛ صححه آلبانی.

کسانی که ایمان آورده‌اید صبور باشید و استقامت و پایداری نمائید و مراقب [دشمن] باشید و از خداوند تقوا پیشه کنید باشد که رستگار گردید.»

دلیل از سنت: حدیث سهل بن سعد الساعدی رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «رَبَّاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا وَمَوْضِعُ سَبُوطِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا وَالرُّوحَةُ يَرُوحُهَا الْعَبْدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ الْعَدُوَّةُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا»^۱. «رباط روزی در راه خداوند بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد، موضع تازیانه‌ی هر یک از شما در بهشت بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد، و پیمودن مسیری شبانه یا مسیری روزانه در راه الله بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد.»

۲۸- استقامت در برابر دشمن و فرار نکردن از میدان جنگ

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا﴾ [الأنفال: 45] «... هرگاه گروهی [از دشمنان] را ملاقات کردید، ثابت قدم شوید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأُدْبَارَ ۗ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ ۱۶﴾ [الأنفال: 15-16]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر گاه با لشکر کافران روبرو شدید پس بر آنها پشت ننموده و فرار نکنید * و هر کس در این روز به آنها پشت کند، و فرار نماید - مگر کسی که [هدفش] کناره‌گیری برای نبردی [تازه] یا پیوستن به دسته‌ی [دیگر از هم‌زمانش] باشد - گرفتار خشم خداوند

۱- صحیح بخاری: ۲۸۹۲؛ سنن ترمذی: ۱۶۶۴؛ صححه آلبانی.

شده و جایگاهش جهنم است، و چه بد سرنوشتی!». و همین طور می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۗ أَلَسَنَ حَقْفَةً أَلَلَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝۱۶﴾ [الأنفال: 65-66]. «ای پیامبر! مؤمنین را بر جنگ تحریک نما، اگر شما بیست نفر صبور باشید بر دوست نفر غلبه خواهید کرد و صد نفر باشید بر هزار نفر از کافران پیروز می‌شوید زیرا آنها قومی غیر منطقی‌اند * حالا خداوند از [مسئولیت] شما کاست، و دانست که شما ضعیفی دارید، پس اگر صد نفر صبور باشید بر دوست نفر غلبه نموده و اگر هزار نفر باشید بر دو هزار نفر به اذن خداوند، پیروز خواهید شد و خداوند با صابرین است.»

و دلیل از سنت: حدیث عبدالله بن ابی اوفی: «... لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ وَاسْأَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فَمَاذَا لَقِيتُمْوَهُمْ فَأَصْبِرُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ...». «آرزوی دیدن دشمن را نداشته باشید و از خداوند عافیت را طلب کنید و اگر آن [دشمنان] را دیدید، صبور باشید و بدانید که بهشت زیر سایه‌ی شمشیرهاست.»

۲۹-۱۵ دادن خمس از غنیمت جنگی

این خمس به پیشوا و کارکنانش در اداره‌ی غنیمت داده

می‌شود.

۱- صحیح بخاری: ۲۹۶۵-۲۹۶۶-۳۰۲۵-۳۰۲۶-۷۲۳۷؛ صحیح مسلم: ۴۶۳۹-۴۶۴۰؛ سنن ابو داود: ۲۶۳۱؛ صححه آلبانی.

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ حُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا...﴾ [الأنفال: 41] «و بدانید فقط آنچه را که از غنیمت بدست آوردید، یک پنجم آن برای الله و رسول و نزدیکان و یتیمان و فقیران و در راه مانده می‌باشد اگر ایمان دارید به الله و آنچه که نازل نمودیم بر...»، همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغُلَّ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ...﴾ [آل عمران: 161] «شایسته‌ی هیچ پیامبری نیست که در مال غنیمت خیانت کند؛ آنچه را به خیانت برده در روز قیامت خواهد آمد...».

دلیل از سنت پیامبر ﷺ: «... فَأَمَرَهُمْ بِأَرْبَعٍ وَنَهَاَهُمْ عَنْ أَرْبَعٍ أَمَرَهُمُ بِالْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَحَدَهُ قَالَ أَتَدْرُونَ مَا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَصِيَامُ رَمَضَانَ وَأَنْ تُعْطُوا مِنَ الْمَعْنَمِ الْخُمْسَ وَنَهَاَهُمْ عَنْ أَرْبَعٍ عَنِ الْحَنْتَمِ وَالِدُبَاءِ وَالنَّقِيرِ وَالْمُرْقَبِ وَرُبَمَا قَالَ الْمُقَيْرُ وَقَالَ أَحْفَظُوهُنَّ وَأَخْبِرُوا بِهِنَّ مَنْ وَرَاءَكُمْ».^۱ «[قبیله‌ای از پیامبر ﷺ رهنمود خواستند و از نوشیدنی‌های حلال و حرام سوال نمودند، پیامبر ﷺ آنان را به چهار چیز امر نمود و از چهار چیز نهی کرد، آنان را امر کرد به ایمان به خداوند واحد [و] فرمود: آیا می‌دانید ایمان به الله واحد چیست؟ گفتند: الله و رسولش داناترند، فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ پرستش‌شونده‌ی بر حقی جز الله نبوده و محمد فرستاده‌ی الله می‌باشد و [اینکه] نماز برپای داده شود و زکات پرداخته شده و ماه رمضان روزه گرفته شود و همچنین

۱- صحیح بخاری: ۵۳-۸۷-۵۲۳-۱۳۹۸-۳۰۹۵-۳۵۱۰-۴۳۶۸-۴۳۶۹-۷۲۶۶-۷۵۵۶

صحیح مسلم: ۱۲۴-۱۲۵-۱۲۷؛ سنن ابوداود: ۳۶۹۲؛ سنن نسائی: ۵۰۳۱؛ صححه آلبانی.

از غنیمت بدست آمده خمس داده شود؛ و آنان را از چهار چیز نهی نمود: خم، ظرف کدو، ظرف تنه‌ی خرما و ظرف قیراندود. (در آن زمان، این ظرف‌ها مخصوص تهیه شراب بودند) و فرمود: آنان را حفظ کنید و به دیگران خبر دهید».

۳۰- آزاد کردن برده به نیت تقرب به خداوند

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَلَا أَقْتَحَمَ الْعُقَبَةَ ۱۱ وَمَا أَدْرَكَكَ مَا الْعُقَبَةُ ۱۲ فَكُ رَقَبَةً ۱۳﴾ [البلد: 11-13]. «از گردنه عبور ننموده [چون از هوای نفس خود تبعیت می‌کند] * و تو چه می‌دانی گردنه چیست؟ * آزاد کردن برده است».

ابی هریره رضی الله عنه آورده پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهَا عَضْوًا مِنْ أَعْضَائِهِ مِنَ النَّارِ حَتَّىٰ فَرَجَهُ بِفَرْجِهِ!». «هر کس برده‌ای را آزاد کند، خداوند به آزادی هر عضو آن [برده] عضوی از اعضای [آزاد کننده] را از آتش جهنم آزاد می‌گرداند (نگه می‌دارد)، تا جایی که عضو تناسلی‌اش به آزادی عضو تناسلی وی».

۳۱- ادا نمودن کفاره‌ها

طبق قرآن و سنت چهار کفاره داریم: کفاره‌ی قتل، کفاره‌یظهار^۲ کفاره‌ی قسم و کفاره‌ی جماع در وقت روزه‌ی ماه رمضان، و چیزی که به آنها نزدیک می‌کند فدیة نام دارد زیرا آن از گناهی است

۱- صحیح بخاری: ۲۵۱۷-۶۷۱۵؛ صحیح مسلم: ۳۸۶۸-۳۸۶۹-۳۸۷۰؛ سنن ترمذی: ۱۵۴۱؛

سنن نسائی: ۳۱۴۲-۳۱۴۵؛ صححه آلبنی.

۲- به معنی اینکه شخصی به زن خود بگوید تو مثل محرم من (مادر، خواهر و ...) می‌باشی.

که در قبل اتفاق افتاده و با فدیة دادن شخص قسط تقرب به الله تعالی را پیدا می‌کند.

۳۲- پای بند بودن به قراردادهای

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...﴾ [المائدة: 1] «...» به قراردادهای (پیمان‌ها) عمل کنید». در این باره ابن عباس گفته است: «عقود یعنی عهد و پیمان‌ها: آنچه که الله حلال کرده و یا حرام نموده است و آنچه که واجب نموده و تمامی حدودی که در قرآن وجود دارد»^۱ و همچنین می‌فرماید: ﴿يُوفُونَ بِالْأَدْوَارِ...﴾ [الانسان: 7]. «[عباد الله کسانی هستند که] در نذرهای شان پایبندند» و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ...﴾ [الحج: 29]. «... و به نذرهای شان وفا کنند...». و نیز می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ...﴾ [التوبة: 75] «... و از آنها [منافقین] کسانی هستند که با الله پیمان بسته [و خیانت می‌کنند]...». و می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا...﴾ [النحل: 91]. «و به عهد خداوند وقتی پیمان بستید، وفا کنید و قسم‌ها را بعد از تاکید به آنها نشکنید...».

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لِكُلِّ عَادِرٍ لِيَوْمٍ الْفَيْمَةِ يُقَالُ هَذِهِ عَدْرَةُ فَيْلَانٍ»^۲. «برای هر پیمان‌شکنی روز قیامت پرچمی بالا برده می‌شود و گفته خواهد شد:

۱- تفسیر ابن کثیر ذیل همین آیه.

۲- صحیح بخاری: ۶۱۷۷-۶۱۷۸؛ صحیح مسلم: ۴۶۲۷-۴۶۲۹-۴۶۳۱-۴۶۳۲-۴۶۳۳.

۴۶۳۶؛ سنن ابوداود: ۲۷۵۶؛ و صححه آلبانی.

این پیمان‌شکنی فلانی است». و حدیث عبدالله بن عمرو که پیامبر ﷺ فرمود: «أَرْبَعٌ مِّنْ كُنَّ فِيهِ كَمَا نَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمِنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِّنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِّنَ النَّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا أُوْتِمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ!». «چهار چیز است که اگر در شخصی جمع شود او کاملاً منافق است و اگر خصلتی از این خصلت‌ها را داشته باشد، قسمتی از نفاق در وی وجود دارد [مگر] زمانی که آن را از خود دور کند: وقتی به او امانت داده می‌شود خیانت می‌کند و وقتی سخن می‌گوید دروغ‌گویی می‌کند و وقتی پیمان می‌بندد آن را می‌شکند و وقتی بحث می‌کند از حق منحرف می‌شود». و حدیث عقبه بن عامر الجهنی: پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ أَحَقَّ الشَّرْطِ أَنْ يُوْفَى بِهِ مَا اسْتَحْلَلْتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ»^۱. «محقق‌ترین وفای به عهد، [عهد و پیمانی است] که با آن فروج را برای خود حلال می‌کنید»^۲.

۳۳- شمردن نعمت‌های خداوند و واجب بودن شکرگذاری

از آنها

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ...﴾ [الإسراء/111] «و بگو: شکر و ستایش از آن خداوند است...». و همچنین

۱- صحیح بخاری: ۳۴- ۲۴۵۹- ۳۱۷۸؛ صحیح مسلم: ۲۱۹؛ سنن ترمذی: ۲۶۳۲.

۲- صحیح بخاری: ۲۷۲۱- ۵۱۵۱؛ صحیح مسلم: ۳۵۳۷؛ سنن ابو داود: ۲۱۳۹؛ سنن ترمذی:

۱۱۲۷؛ سنن نسائی: ۳۲۸۱- ۳۲۸۲؛ سنن ابن ماجه: ۱۹۵۴؛ صححه آلبانی.

۳- منظور پیمان زناشویی است. (مترجم)

۴- در زبان عربی «حمد» شکری است که با زبان و دل باشد ولی «شکر» به جز تشکر با زبان و دل به این معنی است که بازای نیکی که به شخص شده است، آن شخص کاری را نیز برای تشکر انجام دهد. (مترجم)

می فرماید: ﴿...وَأِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا...﴾ [النحل: 18]... و اگر نعمت‌های الله را بشمارای قابل به شمردن آنها نخواهی بود... و نیز می فرماید: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ [الضحی: 11]. «و [ای پیامبر] نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن». و این قول الله تعالی: ﴿فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾^{۱۰۲} [البقره: 152]. «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر مرا بجا آورید و کفر نوزید». به غیر از این آیات، الله تعالی در جاهای دیگری نیز این مطلب را بیان فرموده است.

و حدیث ابوذریه^{۱۰۳} که آورده است: «كَانَ النَّبِيُّ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أُمُوتُ وَأَحْيَا فَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ!». «پیامبر^ﷺ وقتی به رخت‌خواب می‌رفت می‌فرمود: یا الله به اسم تو می‌میرم و زنده می‌گردم و وقتی بیدار می‌شد می‌فرمود: شکر و ستایش برای خداوندی است که ما را بعد از مردن (خواب) زنده نمود و بسوی وی نشر داده می‌شویم». و حدیث صهیب^{۱۰۴} از پیامبر^ﷺ: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ»^۲. «کار مؤمن شگفت‌آور است، زیرا تمام امورش برایش خیر است و جز برای مؤمن برای کسی دیگر این امر وجود ندارد، وقتی به او خوشی می‌رسد شکر می‌کند که [این شکر] برای او خیر است و وقتی به او سختی می‌رسد صبر می‌نماید

۱- صحیح بخاری: ۶۳۲۵-۷۳۹۵؛ صحیح مسلم: ۷۰۵۹-۷۰۶۲.

۲- صحیح مسلم: ۷۶۹۲.

که [این صبر نیز] برای او خیر است».

امام بیهقی علیه السلام آورده است: ابو الحسن الکندی القاضی سروده^۱:
 إذا كنت في نعمة فإن المعاصي تزيل النعم
 فأرعاها

«اگر نعمت داشتی و در توانمندی بودی پس از آن محافظت

کن، همانا گناهان نعمت‌ها را از بین می‌برند».

سری گفته است: «شکر نعمت است و شکر بر نعمت نیز نعمت

است، پس هرگز شکرگذاری به انتها نمی‌رسد»^۲ و امام شافعی علیه السلام

در اول کتاب الرساله آورده است: «شکر و ستایش خدایی را سزد

که شکر نعمتی از نعمت‌هایش ادا نمی‌گردد مگر اینکه شکر آن

[شکر گذاری نیز] نعمتی است که بر ادا کننده واجب است».

امام بیهقی علیه السلام آورده است محمود الوراق شعری سروده^۳:

لئن كان شكري نعمة الله	علي له في مثلها يجب الشكر
نعمــة	وإن طالت الأيام واتصل
فكيف يصح الشكر إلا بفضلها	العمــر
إذا مس بالسرائر عم سرورها	وإن مس بالضرراء أعقبها
وما منهما إلا له فيه منه	الأجــر
	تضييق بها الأوهام والبر
	والبحر

«اگر شکر نعمت خداوند توسط من خود شکری باشد، بر من

مثل خودش شکر واجب است، پس چگونه شکر صحیح می‌شود

مگر به فضلش، و اگر چه روزها بگذرد و عمر طول بکشد، وقتی

شادی پیش می‌آید تمامی آن خوشی است، و اگر ناراحتی پیش

۱- شعب الإيمان: ۴۵۵۹.

۲- شعب الإيمان: ۴۴۰۹.

۳- شعب الإيمان: ۴۴۱۲.

بیاید در پس آن اجر [اخروی] است، و از آن چیزی نیست مگر آنچه برای آن در آن است، [برای ادای آن] فکرها و خشکی و دریا در مانده می شوند».

خارج از مطالبی که امام بیهقی رحمته آورده است جماعتی دو بیت سروده اند^۱:

عَلِي لَه فِي مَثَلِهَا يَجِبُ الشُّكْرُ	إِذَا كَانَ شُكْرِي نِعْمَةً
وَعَذْرِي إِقْرَارِي بَانَ لَيْسَ لِي	نِعْمَةٌ
عُذْرٌ	فَمَا لِي عُذْرٌ أَنِّي مُقْصِرٌ

«چنانچه شکر نعمت خداوند توسط من خود شکری داشته باشد، بر من نیز مانند آن شکری واجب است، عذری ندارم مگر این که کوتاهی نموده‌ام، و عذر من این است که اقرار می‌کنم برای من عذری نیست».

۳۴- حفظ زبان

از چیزی که به آن احتیاج ندارد و شامل دروغ‌گویی، غیبت، خبرچینی (دو بهم زنی) و ناسزا گفتن می‌باشد.

در قرآن و سنت به این مسئله بسیار پرداخته شده است مانند این سخن الله تعالی: ﴿...وَالصّٰدِقِیْنَ وَالصّٰدِقَاتِ...﴾ [الأحزاب: 35] «... راست‌گویان مرد و راست‌گویان زن [خداوند برای آنها مغفرت و اجر عظیمی آماده نموده است]...». و همچنین می‌فرماید: ﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِیْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُوْنُوْا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ ۝۱۱۹﴾ [التوبه: 119].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و از راست‌گویان باشید». و نیز می‌فرماید: ﴿...وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...﴾ [الإسراء/36] «بر چیزی نرو که بر آن آگاهی نداری...». و همچنین ذات تعالی‌ش می‌فرماید: ﴿...فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ...﴾ [الزمر: 32] «چه کسی ظالم‌تر است از کسی که به الله دروغ ببندد و کلام راست (حقیقت) را تکذیب کند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [الزمر: 33]. «و کسی با راستی آمد و آن را تصدیق نمود آنانند پرهیزکاران». و نیز می‌فرماید: ﴿...إِنَّ الَّذِينَ يَفْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ [النحل: 116]. «کسانی که به خداوند دروغی را افترا می‌بندند، رستگار نمی‌شوند».

دلیل از سنت: حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يَكُونَ صِدِّيقًا وَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا!». «همانا راست‌گویی بسوی نیکی هدایت می‌فرماید و نیکی بسوی بهشت، و مردی است که آنقدر راست می‌گوید تا آنجا که نزد پروردگار صدیق شمرده می‌گردد؛ و دروغ‌گویی بسوی فسق و فجور می‌کشاند و فسق و فجور بسوی جهنم، و مردی است که آنقدر دروغ می‌گوید که نزد پروردگار کذاب شمرده می‌شود». حدیث سهل بن سعد رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ

۱- صحیح بخاری: ۶۰۹۴؛ صحیح مسلم: ۶۸۰۳-۶۸۰۴-۶۸۰۵؛ سنن ابوداود: ۴۹۸۹؛ سنن ترمذی: ۱۹۷۱؛ سنن ابن ماجه: ۴۶؛ صححه آلبانی.

يُضْمَنُ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ^۱.
 «کسی که ما بین دو ریشش (دهانش) و ما بین دو رانش (فرجش) را تضمین کند من برای او بهشت را تضمین می‌کنم». و همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُؤْتِنْ خَيْرًا أَوْ لِيَصُدِّمْتْ»^۲. «کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد سخن خیر بگوید و گرنه سکوت کند».

۳۵- امانت داری و واجب بودن برگرداندن امانت به اهلش

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ [النساء: 58] «خداوند به شما امر می‌نماید که امانت‌ها را به اهل آن برگردانید». و همچنین می‌فرماید:

﴿...فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ...﴾ [البقره: 283]. «... به کسی که امانت سپرده شده آن را برگرداند [به اهلش]...». حدیث ابی هریره رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرموده است: «أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَيَّ مِمَّنْ اتَّيَمَّنَكَ وَلَا تَحْنُ مِنْ خَانَكَ»^۳. «امانت را به کسی که آن را به تو امانت داده برگردان و [حتی] کسی که به تو خیانت نمود به وی خیانت نکن». و همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى ، وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ مِمَّنْ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا

۱- صحیح بخاری: ۶۴۷۴.

۲- صحیح بخاری: ۶۰۱۸-۶۰۱۹-۶۱۳۵-۶۱۳۶-۶۱۳۸-۶۴۷۵-۶۴۷۶؛ صحیح مسلم: ۱۸۲-۱۸۳-۱۸۵-۴۶۱۰؛ سنن ابو داود: ۵۱۵۴؛ سنن ترمذی: ۱۹۶۷-۲۵۰۰؛ سنن ابن ماجه: ۳۶۷۲-۳۹۷۱؛ صححه آلبانی

۳- سنن ابوداود: ۳۵۳۴-۳۵۳۵؛ سنن ترمذی: ۱۲۶۴؛ و شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

اَوْثِمِنْ حَانَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ^۱. «سه چیز است که اگر در شخصی پیدا شود او منافق است، [حتی] اگر روزه بگیرد و نماز بخواند و پندارد که او مسلمان است: وقتی سخن می‌گوید، دروغ بگوید و وقتی به او امانتی داده می‌شود، خیانت می‌کند و وقتی پیمان می‌بندد، خلف وعده می‌کند».

۳۶- حرام شمردن کشتن اشخاص و جنایت بر علیه آنها

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا^{۹۳}﴾ [النساء: 93]. «کسی که مؤمنی را به عمد به قتل برساند جزای او جهنم است و در آن جاودان خواهد ماند و خداوند بر وی غضب گرفته و لعنتش می‌کند و برای او عذاب عظیمی مهیا ساخته است». و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا^{۹۴} وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا^{۹۵}﴾ [النساء: 29-30]. «و خودکشی نکنید که همانا خداوند به شما مهربان است * کسی که از روی تجاوز و ستم [این عمل را] انجام دهد او را با آتش خواهیم سوزاند و این کار برای الله آسان است». حدیث عبدالله بن مسعود^{۹۶} که پیامبر^ﷺ فرموده است: «قِتَالُ الْمُسْلِمِ كُفْرٌ وَسَبَابُهُ فُسُوقٌ^{۹۷}». «جنگ با مسلمان کفر و دشنام دادن به وی فسق است». و سخن دیگر^{۹۸} «أَوَّلُ مَا يُفْضَى

۱- صحیح ابن حبان: ۲۵۷؛ مسند احمد: ۹۱۴۷-۱۰۹۳۸؛ قال شیخ شعیب الأرنؤوط: صحیح علی شرط مسلم.

۲- سنن ترمذی: ۲۶۳۴؛ سنن نسائی: ۴۱۰۴؛ شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است.

بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ»^۱. «اولین مسئله‌ای که روز قیامت بین مردم حساب‌رسی می‌شود درباره‌ی خون‌ریزی است». حدیث ابن عمر پیامبر ﷺ فرموده است: «أَنْ يَزَالَ الْمُؤْمِنُ فِي فُسْحَةٍ مِنْ دِينِهِ مَا لَمْ يُصِْبْ دَمًا حَرَامًا»^۲. «انسان مومن همیشه در آسایش دین خود قرار دارد، (یعنی خللی در دینش وارد نمی‌شود) تا زمانی که مرتکب ریختن خون ناحقی نشود».

۳۷- کنترل شهوت و واجب بودن داشتن عفاف

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...﴾ [النور: 30]. «... و [به مؤمنین بگو]: پاکدامنی نمایند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...﴾ [النور: 31]. «... و [به زنان مؤمن بگو]: پاکدامنی نمایند...». و نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ [المؤمنون: 5]. «و [مؤمنین کسانی هستند که] آنان شرمگاه‌شان را پاک نگه می‌دارند». ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾^{۳۱} [المعارج: 29]. «و [نمازگزاران واقعی کسانی هستند که] آنان شرمگاهشان را پاک نگه می‌دارند». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُوَ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾^{۳۲} [الإسراء: 32]. «و به زنا نزدیک نشوید، که آن گناه بسیار زشت و بد راهی است».

دلیل از سنت: پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا

۱- صحیح بخاری: ۶۸۶۴؛ صحیح مسلم: ۴۴۷۵؛ سنن ترمذی: ۱۳۹۶-۱۳۹۷؛ سنن نسائی:

۳۹۹۱-۳۹۹۲-۳۹۹۵؛ سنن ابن ماجه: ۲۶۱۵-۲۶۱۷؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۶۸۶۲.

يَشْرَبُ الْحَمْرَ حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْتَهَبُ نَهْبَةَ دَاتٍ شَرَفٍ يَرْفَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ فِيهَا أَبْصَارَهُمْ حِينَ يَنْتَهَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ!.

«زنا کار هنگامی که زنا می‌کند مؤمن نیست و دزد وقتی دزدی می‌کند مؤمن نیست و نوشنده‌ی شراب وقتی آن را می‌نوشد مؤمن نیست و چپاول‌گری که غنیمت با ارزشی را غارت می‌کند که مردم به آن چشم دوخته‌اند، هنگام چپاول مؤمن نیست».

۳۸- اجتناب از محرمات

از قبیل دزدی، راه‌زنی، رشوه‌خواری و خوردن آنچه شرعاً وی استحقاق آن را ندارد.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...﴾ [البقره: 188] «و اموال تان را بین خودتان به ناحق نخورید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿فِي ظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ...﴾ [النساء/160-161] «پس به خاطر ظلمی که یهودیان می‌کردند و به خاطر اینکه بسیار مردم را از راه خدا باز می‌داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام کردیم * و به سبب اینکه ربا می‌خوردند، حال آنکه از آن نهی شده بودند، و به خاطر اینکه اموال مردم را به ناحق می‌خوردند...». و الله تعالی

۱- صحیح بخاری: ۲۴۷۵ - ۵۵۷۸ - ۶۷۷۲ - ۶۷۸۲ - ۶۸۰۹ - ۶۸۱۰؛ صحیح مسلم: ۲۱۱ - ۲۱۷؛

سنن ابوداود: ۴۶۸۹؛ سنن ترمذی: ۲۶۲۵؛ سنن نسائی: ۴۸۶۹ - ۴۸۷۰ - ۴۸۷۱ - ۴۸۷۲ - ۴۸۷۳ - ۵۶۵۹ -

۵۶۶۰؛ سنن ابن ماجه: ۳۹۳۶؛ و صححه آلبانی.

می‌فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ [المطففين: 1]. «وای بر کم‌فروشان و همچنین می‌فرماید: ﴿...وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ...﴾ [الإسراء/35] «و هنگامی که پیمان‌ه می‌کنید آن را به کمال و تمام پیمان‌ه نمائید و با ترازوی درست وزن نمائید...».

پیامبر ﷺ وقتی در منا خطبه می‌خواند فرمود: «...فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ...!». «... پس همانا [تجاوز به] خونهای تان و اموال تان و ناموس یکدیگر بر شما حرام است...».

۳۹- دوری جستن از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حرام

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَازِنِيرِ وَمَا أِهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ...﴾ [المائدة: 3] «بر شما حرام شد: مردار و خون و گوشت خوک و گوشتی که به هنگام ذبح آن نام غیر خدا را بر آن برده باشند و [حیوان] خفه شده یا حیوانی که با سنگ، عصا و یا غیر آن کشته شده باشد یا پرت شده از بلندی و حیوانی که بر اثر شاخ حیوان دیگری مرده باشد و حیوانی که توسط حیوانات درنده کشته شده باشد، مگر اینکه قبل از مرگ آن را پیدا کرده و با نام خداوند آن را ذبح نموده باشید و [همچنین حرام است] گوشت حیوان ذبح شده بر سنگ‌های کنار کعبه [که برای احترام به آنان اینکار را

۱- صحیح بخاری: ۶۷-۱۰۵-۱۷۳۹-۱۷۴۲-۴۴۰۶-۵۵۵۰-۶۰۴۳-۶۷۵۸-۷۰۷۸-۷۴۴۷؛

صحیح مسلم: ۴۴۷۷-۴۴۷۸؛ سنن ترمذی: ۲۱۵۹-۳۰۸۷؛ سنن ابن ماجه: ۳۰۵۵-۳۰۵۸؛ و

صححه آلبانی.

می‌کردند] و [نیز آنان که] با چوبه‌های تیر به پیشگویی می‌پردازید...».

و همچنین می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِّغَيْرِ اللَّهِ...﴾ [الأنعام: 145]. «بگو: در آن چه به من وحی شده است خوردن چیزی را بر خورنده‌ی حرام نمی‌یابم مگر حیوان مردار یا خون جاری یا گوشت خوک، که همه اینها ناپاکند، یا حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شود...».

و همچنین می‌فرماید: ﴿...إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ...﴾ [المائدة/ 90] «همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای فال‌گیری پلیدند و از کارهای شیطان می‌باشند، پس از آنها بپرهیزید...». و همچنین می‌فرماید: ﴿...يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ...﴾ [البقره: 219]. «از تو درباره‌ی شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در آن دو اثم (گناه) بزرگی است...». و الله تعالی صفت اثم را بر آن دو می‌شمارد و در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ...﴾ [الأعراف: 33]. «بگو فقط پروردگار من فواحش را چه به صورت آشکار و چه به صورت پنهانی و اثم و ستم ناحق را حرام فرموده است...». و در این آیه بصورت آشکار اثم حرام شده است و همچنین گفته شده است اثم نامی از نام‌های شراب است، و شعری آمده است:

شربت الإثم حتى ضل عقلي كذاك الإثم يذهب بالعقول
 «اثم را نوشیدم تا اینکه عقلم ضایع شد، اینچنین است اثم که عقل‌ها را از بین می‌برد».

عائشه گفته است: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ عَنِ الْبِتْعِ فَقَالَ كُلُّ شَرَابٍ أَسْكَرَ فَهُوَ حَرَامٌ»^۱. «از رسول الله ﷺ در مورد شراب غسل سوال شد، فرمود: هر نوشیدنی ای که مست کند حرام است». و حدیث ابن عمر ب: پیامبر ﷺ فرموده است: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَمْرٌ وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ...»^۲. «هر مست کننده‌ای شراب است و هر مست کننده‌ای حرام است...». در روایت امام مسلم می‌افزاید: «وَمِنْ شَرِبِ الْحَمْرَ فِي الدُّنْيَا فَمَيَاتٌ وَهُوَ يُدْمِنُهَا لَمْ يَدُبْ لَمْ يَشْرِبْهَا فِي الْآخِرَةِ». «کسی که در دنیا شراب بنوشد و بدون توبه بمیرد در آخرت از نوشیدن [شراب بهشتی]^۳ محروم می‌شود».

دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه: «أُتِيَ رَسُولُ اللَّهِ لَيْلَةَ أُسْرِي بِهِ بِإِبِلِيَاءَ بَقَدْحَيْنِ مِنْ حَمْرٍ وَلَبِنٍ فَنَظَرَ إِلَيْهِمَا فَأَخَذَ اللَّبِنَ قَالَ جِبْرِيلُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَاكَ لِلْفِطْرَةِ لَوْ أَخَذْتَ الْحَمْرَ عَوْتَ أُمَّتِكَ؛ «شب أسری برای رسول الله ﷺ دو قدح آورده شد، یکی از شراب و دیگری از شیر، به آن دو نگاه کرد و شیر را برداشت، جبرئیل فرمود: شکر و ستایش الله را که تو را به فطرت هدایت نمود، اگر شراب را بر می‌داشتی امتت گمراه می‌شدند». و حدیثی که در قبل به آن اشاره شد: «شراب‌خور وقتی شراب می‌نوشد مؤمن نیست».

۱- صحیح بخاری: ۵۵۸۵-۵۵۸۶؛ صحیح مسلم: ۵۳۲۹-۵۳۳۰-۵۳۳۱-۵۳۳۲؛ سنن ابو داود: ۳۶۸۲؛ سنن نسائی: ۵۵۹۲-۵۵۹۳-۵۵۹۴؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۵۳۳۶-۵۳۳۷-۵۳۳۹؛ سنن ابوداود: ۳۶۷۹-۳۶۸۰؛ سنن ترمذی: ۱۸۶۱؛ سنن نسائی: ۵۵۸۲-۵۵۸۳-۵۵۸۵-۵۵۸۶-۵۷۰۱؛ سنن ابن ماجه: ۳۳۹۰؛ صححه آلبانی.

۳- شراب بهشتی طبق آیات قرآن (محمد ۱۵ و الواقعة ۱۹) مثل شراب دنیا بدمزه نبوده و بعد از نوشیدن آن سر درد نمی‌آورد (خمارى ندارد) و در عین مستی بی‌عقل نمی‌کند. (مترجم)

۴- صحیح بخاری: ۴۷۰۹-۵۵۷۶؛ صحیح مسلم: ۵۳۸۵؛ سنن نسائی: ۵۶۵۷؛ شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است.

امام بیهقی رحمته الله با اسنادش از حسن بصری رحمه الله آورده است: «به مردی از اعراب گفته شد: چرا نیبذ (نوعی شراب) نمی نوشی؟ گفت: قسم به خدا! هیچ چیز مرا بیشتر از عقل سالم راضی نمی کند، چگونه آن را فاسد کنم»^۱ و از حکم بن هشام آمده است که به پسرش می گفت: «ای پسر من از نیبذ بر حذر باشد پس آن استفراغی است در کنج دهانت و نجاستی است در پشتت و حد[شلاقی] است بر کمرت و [توسط آن] مورد مضحکه‌ی بچه‌ها قرار می گیری و اسیر حساب رس می گردی»^۲ و بعضی حکیمان می گویند او به پسرش گفت: «چه چیز تو را به نیبذ دعوت می دهد؟ گفت: هضم کردن غذایم، گفت: قسم به الله آن دینت را هضم می کند»^۳.

و از عبدالله بن إدريس^۴:

من تمره او عنب	کل شراب مسکر کثیره
عصا پیره	فانه محرم یسیره
إني لكم من شره نذیره	

«هر نوشیدنی که زیاد آن مست می کند، چه از خرما و چه از آب انگور، گمش حرام است، و من برای شما ترساننده از شر آن هستم».

و از ابی بکر بن ابی الدنيا که شعری برای پدرش سرود:

وإذا النبیز علی النبیز	أزری بدینک مع ذهاب
شربته	الدرهم

«و وقتی نیبذ را بر نیبذ می نوشی، به دین تو عیب وارد می کنم و

۱- شعب الایمان: ۵۶۰۳.

۲- شعب الایمان: ۵۶۰۵.

۳- شعب الایمان: ۵۶۰۶.

۴- شعب الایمان: ۵۶۲۵.

۵- شعب الایمان: ۵۶۰۶.

همراه آن مالت نیز هلاک می‌شود».

و حسین بن عبد الرحمن سروده است^۱:

<p>ولیس لأصحاب النبیز حریم وإن غبت عنهم ساعة فذمیم وكلهم رث الوصال یقوم ولكن بحال الفاسقین علیم</p>	<p>اری كل قوم یحفظون حریمهم إذا جنّتهم حیوک ألفا ورحبوا أخاهم إذا ما دارت الكأس بینهم فهذا ثنائی لم أقل بجهالة</p>
---	--

«هر قومی را می‌بینم که حریم‌شان را حفظ می‌کنند، [ولی] برای اصحاب نبیذ حریمی وجود ندارد، وقتی نزد آنها می‌روی هزار بار به تو سلام می‌کنند و خوش آمد می‌گویند، و اگر مدت زمانی نزد آنها بنوشی مذمت خواهی شد، برادرشان وقتی جام را بین آنها می‌گرداند، و تمامی آنها برای وصال خود [با شراب] مرثیه‌سرایی خواهند نمود، و این ستایش من است که آن را از روی جهالت نمی‌گویم، ولی به حال گناه‌کاران عالم هستم».

و ابی هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا وَإِنَّ اللَّهَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ: ﴿يَأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾^۲ [المؤمنون: 51]. وَقَالَ:

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُّوْا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ [البقره: 172].
ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ^۲. «ای انسان‌ها خداوند پاک است و بجز پاک را قبول نمی‌کند خداوند همان چیزی را که به

۱ - شعب الایمان: ۵۶۱۳.

۲ - صحیح مسلم: ۲۳۹۳؛ سنن ترمذی: ۲۹۸۹.

فرستادگانش امر نموده به مؤمنین نیز امر می‌نماید، سپس فرمود: «ای فرستادگان از چیزهای طیب بخورید و عمل صالح انجام دهید، همانا من به آنچه می‌کنید آگاهم» و فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهای پاکی که روزی‌تان قرار دادیم بخورید» سپس مردی را مثال زد که سفرش طول می‌کشد و پریشان موی و غبارآلود دو دستش را بسوی آسمان برده و می‌گوید: ای پروردگارا! ای پروردگارا! [و این درحالی است که] خوراکش حرام و نوشیدنش حرام و لباسش حرام و روزی داده می‌شد با حرام، و از این رو دعایش مستجاب نمی‌شود». از نعمان بن بشیر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله: «إِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ وَيَبْنِيهِمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِزِّهِ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَالرَّاعِي يَزْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ...»¹. «حلال آشکار است و حرام [نیز] آشکار است و بین آن دو مشتبهات وجود دارد که عده‌ی زیادی از مردم از آنان بی‌خبرند، هرکس از مشتبهات به علت تقوا دوری کند دین و ناموسش را پاک نگه داشته است و کسی که در مشتبهات وارد شود، وارد مسائل حرام شده مانند چوپانی که دامش را نزدیک مناطق ممنوعه می‌چراند، در حالی که نزدیک است دامش وارد آن منطقه شوند؛ آگاه باشید که هر پادشاهی منطقه‌ای ممنوعه دارد و منطقه‌ی ممنوعه‌ی خداوند چیزهایی است که او حرام نموده است». حدیث ابی هریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنِّي لَأَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِي فَأَجِدُ التَّمْرَةَ سَائِقَةً عَلَيَّ فِرَاشِي فَأَرْفَعُهَا لِأَكْلِهَا ثُمَّ

۱- صحیح مسلم: ۴۱۷۸؛ سنن ابوداود: ۳۲۲۹؛ سنن ترمذی: ۱۲۹۵؛ سنن نسائی: ۴۴۵۳-۵۷۱۰؛ سنن ابن ماجه: ۳۹۸۴؛ صححه آلبانی.

أَحْسَى أَنْ تَكُونَ صِدْقَةً فَأَلْفَيْهَا^۱. «چه بسا وارد خانه‌ام می‌شوم و خرمایی را می‌بینم که روی رخت‌خوابم افتاده است، آنرا برداشته تا بخورم، پس از ترس آنکه مبدا از مال صدقه باشد، آن را می‌اندازم». در صحیح بخاری از عائشه آمده است: «كَانَ لِأَبِي بَكْرٍ غُلَامٌ يُخْرِجُ لَهُ الْخَرَاجَ وَكَانَ أَبُو بَكْرٍ يَأْكُلُ مِنْ خَرَاجِهِ فَجَاءَ يَوْمًا بِشَيْءٍ فَأَكَلَ مِنْهُ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ لَهُ الْغُلَامُ أَتَدْرِي مَا هَذَا فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ وَمَا هُوَ قَالَ كُنْتُ تَكْهَنُ لِإِنْسَانٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَمَا أَحْسِنُ الْكِهَانَةَ إِلَّا أَبِي حَدَّثَنِي فَأَعْطَانِي بِذَلِكَ فَهَذَا الَّذِي أَكَلْتُ مِنْهُ فَأَدْخَلَ أَبُو بَكْرٍ يَدَهُ فَقَاءَ كُلَّ شَيْءٍ فِي بَطْنِهِ^۲». «ابوبکر رضی اللہ عنہ غلامی داشت که برای او خراج می‌گرفت و ابوبکر رضی اللہ عنہ از آن خراج می‌خورد، روزی چیزی را آورد و ابوبکر رضی اللہ عنہ از آن خورد؛ غلام به او گفت: آیا می‌دانی این چیست؟ ابوبکر رضی اللہ عنہ گفت: آن چیست؟ غلام گفت: در زمان جاهلیت برای شخصی کهانت می‌کردم و کسی بهتر از من کهانت نمی‌کرد او را فریب دادم و وقتی مرا دید این را به من عطا کرد و این همان چیزی است که از آن خوردی، پس از آن ابوبکر رضی اللہ عنہ دستش را در گلویش کرد و هر آنچه که در شکمش بود خارج کرد». زید بن اسلم آورده است: «شَرِبَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لَبَنًا فَأَعْجَبَهُ فَسَيَّلَ الَّذِي سَقَاهُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا اللَّابَنُ؟ فَمَآخَبَرَهُ أَنَّهُ وَرَدَ عَلَيَّ مِاءٌ قَدْ سَمَّاهُ فَإِذَا نَعَمٌ مِنْ نَعَمِ الصَّدَقَةِ وَهُمْ يَسْتَفُونَ فَحَلَبُوا لِي اللَّابَنَ هِيَ فَجَعَلْتُهُ فِي سِقَائِي هَذَا فَأَدْخَلَ عُمَرُ إِصْبَعَهُ وَاسْتَقَاءَهُ^۳». «عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ شیری نوشید و از آن تعجب نمود، و از کسی که به او [شیر] نوشانده بود پرسید: این را از کجا آورده‌ای؟ به او گفت که به

۱- صحیح بخاری: ۲۴۳۲؛ صحیح مسلم: ۲۵۲۵-۲۵۲۶.

۲- صحیح بخاری: ۳۸۴۲.

۳- موطا مالک: ۶۰۶؛ شعب الایمان: ۵۷۷۱.

آبی رسیدم که علامت دار بود و شتری از شتران صدقه آنجا بود و آنها از [شیر] آن می‌نوشیدند و از شیر آن در این مشک من ریختند؛ حضرت عمر رضی الله عنه [نیز] دستش را در دهانش برد و هر چه در آن بود قی نمود [زیرا اموال صدقه برای او حرام بود]. و در مورد پاک بودن خوردنی‌های حضرت علی رضی الله عنه آمده است: «او در حالی از مدینه می‌آمد که نان‌ش در کوله پشتی‌اش بود»^۱.

امام بیهقی رحمته الله علیه با اسنادش آورده است: یوسف ابن اسباط گفت: «وقتی جوانی عبادت می‌کند، ابلیس [به یارانش] می‌گوید: بنگرید خوراکی‌هایش را از کجا آورده است، و اگر خوراکی‌هایش از خوردنی‌های پلید بود می‌گوید: او را به حال خود بگذارید و خود را مشغول او نکنید، او را به حال خود بگذارید تا کوشش کند و زحمت بکشد، برای شما خودش کافی است»^۲. حذیفه مرعشی به مردم نگاه کرد که برای رسیدن به صف اول [نماز] با یکدیگر رقابت می‌کردند، او گفت: «شایسته است که در خوردن نان حلال با یکدیگر رقابت ورزند»^۳. از فضیل بن عیاض رحمه الله که گفت: «از سفیان ثوری درباره‌ی فضیلت صف اول [نماز] سوال شد، او گفت: به چیزی که از آن می‌خوری نگاه کن که از کجا آورده‌ای و [آنوقت] نماز را در صف آخر بخوان»^۴ و شعیب بن حرب این حدیث را این‌گونه روایت می‌کند: «به دره‌مت نگاه کن که آن از کجا رسیده

۱- شعب الایمان: ۵۷۷۱.

۲- شعب الایمان: ۵۷۷۴.

۳- شعب الایمان: ۵۷۷۶.

۴- شعب الایمان: ۵۷۷۷.

است و [آن وقت] در صف آخر نماز بخوان»^۱ و از سری السقطی: «او [اگر چیزی مالکش کسی غیر از خودش بود حتی] تری سیاه و یا میوه‌ی و یا چیز دیگری نمی خورد و در این مسئله تندی به خرج داده و غایت پرهیزکاری را به عمل می‌رساند»^۲. همچنین سری گفته است: «در طرسوس بوده و در خانه دو جوان با من بودند و عبادت می‌نمودند و در خانه تنوری بود که در آن نان می‌پختند، تنور شکست و با اموال خودم بدلی برای آن ساختم، در نتیجه این شد که دیگر نانی در آن نپختند»^۳. و همچنین گفته است: و از او آمده است: «ابو یوسف غسولی به شعر پای‌بند بود در حالی که جهاد می‌کرد و وقتی همراه مردم قتال می‌نمود و به سرزمین روم وارد می‌شدند، یارانش از ذبائح و میوه‌های آن می‌خوردند ولی او نمی‌خورد، از او پرسیدند: ای ابو یوسف، آیا شک می‌کنی که آنها حلال هستند؟ گفت: خیر، به او گفتند: پس از چیز حلال بخور، او گفت: همانا زهد فقط در حلال است»^۴. و از سری آمده است که گفت: «از محل جنگ برمی‌گشتم که در راهم آبی زلال دیدم که دورش را گیاهانی پوشانده بودند، با خودم گفتم: ای سری! اگر در روزی چیز حلالی را بخوری و چیز حلالی را بنوشی آن همین روز است؛ از مرکب پیاده شدم و از آن گیاه خورده و از آن آب نوشیدم؛ صدا زنده‌ی صدا برآورد و صدایی را شنیدم در حالی که کسی را نمی‌دیدم [گفته می‌شد]: ای سری بن مغلّس انفاق آن چیزی که

۱- شعب الایمان: ۵۷۷۷.

۲- شعب الایمان: ۵۷۸۱.

۳- شعب الایمان: ۵۷۸۲.

۴- شعب الایمان: ۵۷۸۳.

اینجا بدست آوردی از کجاست؟ و آن را به خودم واگذاشت»^۱. و از بعضی روایت شده است: «حلال را طلب می‌کرد و به دنبال راهنما بود که حسن بصری را در بصره یافت، و از راهی دور بسوی او سفر کرد، حسن به او گفت: مردی شخصی واعظ هستم از هدایای مردم و مهمان‌شدن روزی می‌خورم ولی تو را راهنمایی می‌کنم به مردی در سیستان، او را در مزرعه‌اش می‌یابی که گاوی دارد و برای او دو مسیر گذاشته است در یکی از راه‌ها کاه و جو گذاشته و در دیگری آب، وقتی گاو به کاه و جو می‌رسد آن دو را بر وی عرضه می‌کند و وقتی به آب می‌رسد آن را بر گاو عرضه می‌کند، مردی متوجه وی می‌شود و آن را این‌گونه می‌یابد بر او سلام کرده و حالش را پیش وی بیان می‌دارد، پس آن مرد به گریه می‌افتد و می‌گوید امام ابو سعید راست گفت، ولی آن را فراموش کردم زیرا این گاو، روزی در زمین همسایه‌ام چریده است و شکمبه‌ی آن با چریدن [در زمین همسایه‌ام] پر شده است و در حالی که زمین من برگشته که از خاک همسایه‌ام با خاک خودم مخلوط شده است و شبه‌ای برایم ایجاد شد که بسوی او بر می‌گردد و به همین علت تو را به سوی شخصی دیگر راهنمایی کردم و به گریه افتاد» و از ابو عبدالله بن جلاء که گفت: «کسی را می‌شناسم که سی سال در مکه اقامت داشت و از آب زمزم نوشید بجز آنچه در جام آب و دلو از وی طلب نوشیدن می‌کردن و هرگز از غذای حلب که از مصر می‌آمد نخورد»^۲. از بشر بن حارث حافی بن عبدالرحمن آمده است که گفت: از معافی عمران شنیدم: «ده نفر از اهل علمی

۱- شعب الایمان: ۵۷۸۴ و ۵۷۸۵.

۲- شعب الایمان: ۵۷۸۶.

در گذشته بودند، توجه شدید به حلال داشتند و چیزی وارد شکم‌شان نمی‌شد مگر اینکه می‌دانستند آن حلال است و اگر اینطور نبود به خاک بسنده می‌نمودند؛ سپس شروع به شمردن نمود: ابراهیم بن ادهم و سلیمان خواص و علی بن فضیل بن عیاض و ابا معاویه الأسود و یوسف بن أسباط و وهیب بن الورد و حذیفه شیخی از اهل حران و داود طائی و ده نفر را شمرد^۱!

و از یحیی بن معین محدث^۲:

المال یذهب حلة و حرامه	یوما و تبقی فی غد اثمه
لیس التقی بمتق لاله	حتی یطیب شرابه و طعامه
و یطیب ما تحوی و تکسب کفه	ویکون فی حسن الحدیث کلامه
نطق النبی لنا به عن ربه	فعلى النبی صلاته و سلامه

«مال چه حلال باشد و چه حرام روزی [بعد از مرگ] خواهد رفت، و فردا آثار گناه آن باقی می‌ماند، متقی کسی نیست که از معبودش بترسد، مگر اینکه نوشیدنی و خوراکی‌هایش را پاک گرداند، پاک باشد آنچه جمع می‌کند و آنچه با دستش به دست می‌آورد، کلامش با نیکی سخن باشد، پیامبر ﷺ از قول پروردگارش آن را به ما گفته است، پس بر پیامبر سلام و صلواتش باشد».

از سفیان الثوری در مورد پرهیزکاری سوال شد، او نیز شعری

سرود:

انی وجدت فلا تظنوا	هذا التورع عند هذا الدرهم
غیره	فاعلم بان هناك تقوی
فاذا قدرت علیه ثم ترکته	المسالم

۱- شعب الایمان: ۵۷۶۴.

۲- شعب الایمان: ۵۷۸۸.

«من [چیزی] یافتم و به غیر از آن گمان نبرید، این پرهیزکاری نزد این درهم، پس اگر بر آن حساب و کتابی داشته باشم آن را ترک می‌کنم، پس بدان در این صورت است تقوای مسلمان».

وعن محمد بن عبدالکریم المروزی لما ولی یحیی بن أکثم القضاء كتب اليه أخوه عبدالله بن أکثم من مرو وكان من الزهاد:
 ولقمة بجريش الملح تأكلها الذ من تمره تحشى بزنبور
 وأكله قربت للهالك صاحبها كحبة الفخ دقت عنق
 عصفور

«و اینکه لقمه‌ای از نمک نسائیده بخوری، خوشمزه‌تر از خرمايي است که از خوش زبانی بدست آید، و خوردنش باعث نزدیک شدن صاحبش به هلاکت می‌شود، مانند دانه‌ی که در دام وجود دارد تا گردن پرنده به آن گیر کند، و ربیع بن خثیم هنگام مرگش نزد کسی که از او وصیت می‌خواست، بود و به او گفت: «به تو وصیت می‌کنم که عملت صالح باشد و طعامت پاک باشد»^۲.

۴۰- حرام دانستن و نپوشیدن لباس‌هایی که زشت شمرده شده‌اند و ظرف و ظروفی که استفاده از آن حرام شده است.

پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ لَيْسَ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا فَلَنْ يَلْبَسَهُ فِي الآخِرَةِ»^۳. «کسی^۴ که در دنیا لباس ابریشم بپوشد، در آخرت

۱- شعب الایمان: ۵۷۸۹.

۲- شعب الایمان: ۵۷۷۲.

۳- صحیح بخاری: ۵۸۳۲-۵۸۳۳-۵۸۳۴؛ صحیح مسلم: ۵۵۴۶-۵۵۴۷؛ سنن ترمذی: ۲۸۱۷؛ سنن ابن ماجه: ۳۵۸۸؛ صححه آلبانی.

۴- این حدیث برای مردان است و خداوند برای زنان آسان گرفته و برای آنها لباس ابریشم حرام نمی‌باشد. (مترجم)

هرگز آن را نخواهد پوشید». پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا تَلْبَسُوا الْجَرِيرَ وَلَا الدِّيْبَاجَ وَلَا تَشْرَبُوا فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَا تَأْكُلُوا فِي صِحَافِهَا فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَنَا فِي الْآخِرَةِ!». «لباس ابریشم نازک و کلفت نپوشید و در ظروف طلائی و نقره‌ای [چیزی] ننوشیده و [چیزی] نخورید! پس همانا اینها برای آنها [کافران] در دنیا است و برای ما در آخرت». حدیث ابن مسعود رضی الله عنه در صحیح مسلم که پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبْرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَعَمْرُ النَّاسِ!». «الله زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد؛ تکبر آن است که از حق روی برگردانی و مردم را کوچک پنداری». و حدیث ابی‌برده رضی الله عنه: «دَخَلْتُ عَلَى عَائِشَةَ فَأَخْرَجَتْ إِلَيْنَا إِزَارًا غَلِيظًا مِمَّا يُصْنَعُ بِالْيَمَنِ وَكِسَاءً مِنَ التِّي يُسَدُّ مَوْتَهَا الْمَلْبَدَةَ - قَالَ - فَأَقْسَمَتْ بِاللهِ إِنَّ رَسُولَ اللهِ قُبِضَ فِي هَذَيْنِ الثُّوبَيْنِ!». «به نزد عایشه ل رسیدم ازار کلفتی را که در یمن ساخته شده بود و عبایی که به آن ملبده گفته می‌شد به ما نشان داد و گفت: قسم به الله! همانا رسول الله ﷺ در این دو روحش قبض شد». حدیث عبدالله بن عمر «مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ حَيْلَاءَ لَمْ يَنْظُرْ اللهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱. «کسی که از روی غرور ازارش [یا شلوارش] را دراز کند خداوند روز قیامت به وی نمی‌نگرد».

۱- صحیح بخاری: ۵۴۲۶-۵۶۳۲-۵۶۳۳-۵۸۳۷؛ صحیح مسلم: ۵۵۲۱؛ سنن ابوداود: ۳۷۲۳؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۲۷۵.

۳- صحیح بخاری: ۳۱۰۸؛ صحیح مسلم: ۵۵۶۳-۵۵۶۴؛ سنن ابوداود: ۴۰۳۶؛ سنن ابن ماجه: ۳۵۵۱؛ صححه آلبانی.

۴- صحیح بخاری: ۳۶۶۵-۵۷۸۳-۵۷۸۴-۵۷۹۱؛ صحیح مسلم: ۵۵۷۴؛ سنن ابوداود: ۴۰۵۸؛ سنن ترمذی: ۱۷۳۱؛ صححه آلبانی.

۴۱- اجتناب کردن از بازی‌ها و تفریحاتی که شریعت از آن

منع نموده است.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ اللَّجْرَةِ...﴾ [الجمعه: 11] «... بگو: آنچه نزد خداوند است بهتر از سرگرمی و تجارت است». و حدیث سلیمان بن بریده در صحیح مسلم از پدرش بریده بن الحصیب رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ لَعِبَ بِالنَّرْدِ شِيرٍ فَكَأَنَّمَا صَبَغَ يَدَهُ فِي لَحْمِ خَنْزِيرٍ وَدَمِهِ!». «کسی که با تخته نرد بازی کند مانند این است که دستش را در گوشت و خون خوک فرو برده است».

۴۲- میانه روی در انفاق و اجتناب از خوردن مال از راه باطل

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ [الإسراء: 29]. «و دست خودت را بر گردنت بسته مدار [اصلاً انفاق نکنی] و به تمامی آن را گشاده نساز [همه‌ی مالت را انفاق کنی] که در نتیجه‌ی آن ملامت زده [و] درمانده بنشینی». و همچنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الفرقان: 67]. «و [عباد الرحمن] کسانی هستند که وقتی انفاق می‌کنند در آن زیاده روی نکرده و [همچنین] خساست ننموده و بین این دو اعتدال پیش می‌گیرند». و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ ثَلَاثًا وَنَهَىٰ عَنْ ثَلَاثٍ حَرَّمَ عَفْوَكَ الْأَوْلَادِ وَوَادَ الْأَبْنَاتِ وَلَا وَهَاتِ وَنَهَىٰ

۱- صحیح مسلم: ۶۰۳۳؛ سنن ابی داود: ۴۹۳۹؛ سنن ابن ماجه: ۳۷۶۳؛ صححه آلبانی.

عَنْ ثَلَاثِ قَبِيلٍ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ^۱. «الله سه چیز را حرام دانسته و از سه چیز نهی نموده است: نافرمانی از پدر [و در حدیثی از مادر] و زنده بگور کردن دختران و به زور گرفتن چیزی و ندادن حق دیگران را حرام و از سخن بیهوده و زیاده روی در درخواست [از دیگران] و ضایع کردن مال نهی نموده است».

۴۳- ترک حسادت

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ [الفلق: 5]. «و از شر حسود وقتی حسودی کند [به الله پناه می‌برم]». و همچنین می‌فرماید: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ [النساء: 54] «آیا به خاطر آنچه که خداوند به انسان‌ها عطا نموده است به آنها حسادت می‌ورزند».

همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَقَاطَعُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»^۲. «به یکدیگر حسودی نورزید و به یکدیگر بغض نکنید و باهم قطع رابطه ننمائید و از بندگان خداوند باشید که با یکدیگر برادرند». نویسنده حدیث دیگری آورده است که در دل همین حدیث است و از ذکر آن خودداری شده و در آدرس‌های همین حدیث موجود است و همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا يَجُلُ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَحَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ يَلْتَقِيَانِ فَيَصُدُّ هَذَا

۱- صحیح بخاری: ۲۴۰۸-۵۹۷۵-۶۴۷۳-۷۲۹۲؛ صحیح مسلم: ۴۵۸۰-۴۵۸۳.

۲- صحیح بخاری: ۶۰۶۴-۶۰۶۵-۶۰۶۶-۶۰۶۷؛ صحیح مسلم: ۶۶۹۰-۶۶۹۵-۶۷۰۱.

۳- ۶۷۰۳-۶۷۰۴-۶۷۰۶؛ سنن ابو داود: ۴۹۱۰؛ سنن ترمذی: ۱۹۳۵؛ سنن ابن ماجه: ۳۸۴۹؛

وَيَصُدُّ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ»^۱. «بر هیچ مسلمانی جایز نیست که با برادر خودش بیشتر از سه [روز] قهر کند و وقتی به هم می‌رسند از همدیگر روی برگردانند، و بین آن دو، شخصی بهتر است که زودتر سلام کند».

در این مورد امام بیهقی رحمته الله آورده است: «از حسن [بصری] در مورد این سخن خداوند سوال شد: ﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَهُ﴾ [الفلق: 5]. گفت: اولین گناهی است که در آسمان است»^۲. احنف بن قیس گفته است: «پنج چیز همان‌گونه که من می‌گویم هستند: راحتی برای حسود وجود ندارد، دروغگو جوان‌مردی ندارد، پادشاهان وفا ندارند، زرنگی برای خسیس و بزرگی برای بشر بدکار»^۳. از خلیل بن احمد: «شبهه‌ترین ظالم به مظلوم حسود است زیرا او دارای حالتی دائمی و عقلی سرگشته و غمی لازم است»^۴. بشر بن حارث حافی گفته است: «دشمنی در نزدیکان و حسادت در همسایگی و منفعت در برادری است»^۵. مبرد شعری سروده است:^۶

تَبْدِي الْمَسَاوِي وَالْإِحْسَانَ
تَخْفِيهِ
وَالْقَلْبَ مِنْكُمْ فِيهِ الَّذِي فِيهِ
وَلَيْسَ يَقْبَلُ عَذْرًا فِي تَجْنِيهِ

عَيْنَ الْحَسُودِ عَلَيْكَ الدَّهْرُ
حَارِسَةٌ
يَلْقَاكَ بِالْبَشْرِ بِيَدِيهِ مَكَاشِرَةٌ
إِنَّ الْحَسُودَ بَلَا جَرْمَ عِدَاوَتِهِ

۱- صحیح بخاری: ۶۰۷۷-۶۲۳۷؛ صحیح مسلم: ۶۶۹۷، سنن ترمذی: ۱۹۳۲؛ و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- شعب الایمان: ۶۶۳۲-۶۶۳۳.

۳- شعب الایمان: ۶۶۳۴-۸۵۰۳.

۴- شعب الایمان: ۶۶۳۵.

۵- شعب الایمان: ۶۶۳۶.

۶- شعب الایمان: ۶۶۴۰.

«چشم حسود در تمام ایام و زمانه نگهبان توست و زیر نظر دارد، بدی‌ها و عیب‌های تو را آشکار می‌کند، و خوبی‌ها و نیکی‌های تو را پنهان می‌نماید، حسود با تو با خوشروئی برخورد می‌کند و در ملاقات با تو بشاشت و خندیدن را آشکار می‌کند، در حالی که کینه تو را در قلب پنهان می‌سازد، انسان حسود دشمنی‌هایش بی‌جهت است، و در متهم کردن هیچ عذری را نمی‌پذیرد».

۴۴- رعایت ارتباط با مردم

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ [النور: 19] «همانا افرادی که دوست دارند بین کسانی که ایمان آورده‌اند فحشاء اشاعه دهند، برای‌شان عذابی دردناک در دنیا و آخرت است...». و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ [النور: 23] «کسانی که به زنان مؤمن و پاکدامن وغافل [از مسائل شهوت حرام] تهمت می‌زنند در دنیا و آخرت لعن می‌شوند». در آیات و احادیث به این مسئله اشارات زیادی وجود دارد مانند حدیث ابی هریره رضی الله عنه فی صحیح مسلم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «... الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ. التَّقْوَىٰ هَا هُنَا، وَيُشِيرُ إِلَىٰ صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِحَسَبِ أَمْرٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَحَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ». «مسلمان برادر مسلمان است و نباید به او ظلم کند و نباید او را خوار کند و نباید تحقیرش

کند. تقوی اینجاست. و سه بار اشاره کرد به سینه‌اش. برای شر بودن امری همین کافی است که مسلمان برادر مسلمان خود را تحقیر کند، برای هر مسلمانی خون و مال و ناموس برادر مسلمانش حرام است». ابوذر رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا يَزِمِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفُسُوقِ وَلَا يَزِمِيهِ بِالْكَفْرِ إِلَّا أَنْ تَدَّتْ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ كَذَلِكَ»^۱. «مردی به مردی تهمت فسق نزند و به او تهمت کفر نزد که اگر آن شخص کافر نباشد آن کلمه‌ی [کفر] به خودش بر می‌گردد [یعنی خودش کافر می‌شود]».

۴۵- اخلاص عمل به الله تعالی و اجتناب از ریا

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً﴾ [البینه: 5] «و امر نشدند مگر به اینکه الله را مخلصانه و حق‌گرایانه عبادت کنند...». و همچنین می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ^ط وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ^ق﴾ [الشوری: 20]. «هر کس که بهره‌ی آخرتی را بخواهد بر بهره‌ی او می‌افزایم و هر کس که بهره‌ی دنیوی بخواهد از آن به او می‌دهیم و او در آخرت نصیبی نخواهد داشت». و همچنین می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا نُؤْفِ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يَبْخَسُونَ^ه أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلُّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^ح﴾ [هود: 15-16]. «کسانی که زندگانی دنیا و زینت آن را بخواهند، اعمال‌شان را در این دنیا به تمام و کمال به آنها بر می‌گردانیم و آنان

در آن کاستی نمی‌بینند * اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش بهره‌ای نداشته و آنچه در دنیا انجام داده‌اند ضایع شده و کارهای‌شان پوچ و باطل است». همچنین می‌فرماید: ﴿...فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکھف: 110]. «پس کسی که به دیدار پروردگارش امید دارد، عمل صالح انجام داده و کسی را در عبادت پروردگارش با [خداوند] شریک نگرداند [و بدون ریا عبادت کند]».

دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَنَا أَغْنِي الشُّرَكَاءَ عَنِ الشُّرْكِ مَنْ عَمَلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرَكْنُهُ وَشِرْكُهُ!». «خداوند تبارک و تعالی فرمود: من از شرک بی‌نیازم، هر کس عملی انجام دهد و کسی غیر از من را در آن شریک گرداند، او و شریکش را ترک می‌کنم [یعنی شخص نزد خداوند ثوابی ندارد و خداوند به نفع شریکش کنار می‌رود]». و حدیث جنذب رضی الله عنه در صحیحین که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ يُسْمِعْ يُسْمِعَ اللَّهُ بِهِ وَمَنْ يُرَائِي يُرَائِي اللَّهُ بِهِ»^۱. «هر کس به دنبال شهرت باشد [در آخرت] خداوند دست او را باز می‌گرداند و هر کس ریا کاری کند خداوند ریا کاری‌اش را [در آخرت] آشکار می‌کند».

امام بیهقی رحمته الله آورده است: از ابو حمزه شنیدم: «از ماهیت اخلاص سوال شد؟ و او گفت: عملت را طوری خالص انجام دهی

۱- صحیح مسلم: ۷۶۶۶؛ سنن ترمذی ۳۱۵۴؛ سنن ابن ماجه: ۴۲۰۲-۴۲۰۳؛ و آلبانی این

حدیث را با لفظی که در متن آمده، صحیح دانسته است.

۲- صحیح بخاری: ۶۴۹۹؛ صحیح مسلم: ۷۶۶۸.

که دوست نداشته باشی غیر از خداوند کسی آن را ستایش کند»^۱. از سهل بن عبد الله آمده است: «ریا را کسی نمی‌شناسد بجز شخص با اخلاص و نفاق را کسی نمی‌شناسد بجز مؤمن و جاهل را کسی نمی‌شناسد بجز عالم و گناه را کسی نمی‌شناسد بجز کسی که [از خداوند و رسولش] اطاعت می‌کند»^۲. از ربیع بن خثیم: «هر آنچه که برای رضای خداوند نباشد، نابود شدنی و زود گذر است»^۳. از جنید آمده است: «اگر بنده [روز قیامت] طوری باشد که حاجتمندی آدم و زهد عیسی و کوشش ایوب و طالعت یحیی و استقامت ادریس و محبت [ابراهیم] خلیل و اخلاق [محمد] حبیب علیهم السلام را داشته و در قلبش ذره‌ای [این کارها را] برای غیر خداوند داشته باشد، از طرف خداوند هیچ حاجتی از وی برداشته نخواهد داشت»^۴. از زبید بن حارث الیامی: «برای هر چیزی نیتم را پنهان می‌کنم حتی در خوردن و خوابیدن»^۵. از سفیان آمده است: «درباره‌ی ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصاص: ۸۸]. «هر چیزی هلاک می‌شود بجز ذات وی». گفت: این همان چیزی است که به خاطر آن رو به وجه الهی می‌کنم»^۶. از عن هلال بن یساف: «عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: اگر کسی از شما روزی روزه بود ریشش را روغن بزند و لبانش را مسح کند و طوری بین مردم باشد که انگار روزه نیست و اگر با دست راستش انفاق کرد آن را از دست چپش پنهان دارد و وقتی کسی از شما نماز خواند پس باب آن را پنهان

۱- شعب الایمان: ۶۸۷۶.

۲- شعب الایمان: ۶۸۸۸.

۳- شعب الایمان: ۶۸۹۲.

۴- شعب الایمان: ۶۸۹۲.

۵- شعب الایمان: ۶۸۹۳.

۶- شعب الایمان: ۶۸۹۴.

دارد، همانا خداوند ستایش را تقسیم می‌کند همان‌گونه که رزق را تقسیم می‌کند»^۱. ذی النون مصری گفته است: «بعضی از علماء گفته‌اند: بنده برای الله مخلص نمی‌گردد مگر اینکه دوست داشته باشد که در چاهی باشد و شناخته نشود»^۲. از بشر بن حارث از فضیل بن عیاض: «اگر با طبل و آلات موسیقی شخص مال دنیا بخورد دوست داشتنی‌تر از آن است که برای دنیا از دینش بخورد»^۳. مالک بن انس گفت: «استادم ربیعہ به من گفت: ای مالک، فکرت چیست، چه کسی پست است؟ گفتم: کسی که با دینش روزی می‌خورد. گفت: پست‌ترین پست‌ها کیست؟ گفتم: کسی که با تباه کردن دینش دنیای خود را اصلاح می‌کند. گفت: راست گفتی»^۴. از ابن اعرابی: «زیان‌کارترین زیان‌کاران کسی است که اعمال صالح خود را بین مردم آشکار می‌کند و اعمال قبیح خود را می‌پوشاند در حالی که [خداوند از نظر آگاهی] از رگ گردن به او نزدیک‌تر است»^۵. سفیان گفت: «ای جماعت قاریان سر خود را بلند کنید! بر آنچه که باید در قلب باشد خشوع را [به ظاهر] زیاد نکنید! همانا راه آشکار است پس از الله بترسید! و به آهستگی جستجو کنید! و نان‌خور مسلمانان نباشید!»^۶. از بعضی از علماء: «مؤمنین با [یاد] خدا ترسانده می‌شوند و منافقین با سلطان و ریاکاران با مردم»^۷.

۱- شعب الایمان: ۶۹۰۱.

۲- شعب الایمان: ۶۹۱۲.

۳- شعب الایمان: ۶۹۳۱.

۴- شعب الایمان: ۶۹۳۳.

۵- شعب الایمان: ۶۹۸۷.

۶- شعب الایمان: ۶۹۶۸.

۷- شعب الایمان: ۶۹۶۹.

۴۶- خوشحال شدن با انجام کارهای نیک و غمگین شدن در انجام دادن کارهای زشت

عمر بن الخطاب رضی الله عنه در خطبه فرمود: «مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ»^۱. «هرکس نیکیش او را شاد کرده و بدیش او را ناراحت کند، او مؤمن است».

۴۷- پاک کردن تمام گناهان با توبه

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: 31]. «ای مؤمنان همگی به سوی خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید». همچنین می‌فرماید: ﴿...تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا...﴾ [التحریم: 8] «... بسوی خداوند توبه نمایند، توبه‌ی خالصانه...». در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ﴾ [الزمر: 54]. «و بسوی پروردگارتان برگردید و تسلیم امر او باشید قبل از اینکه دچار عذاب شده و یاری نشوید».

دلیل از سنت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّهُ لَيُعَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَعِزُّ بِاللَّهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ»^۲. «اضطراب و شوریدگی در قلب من است تا آنجا که روزی صد بار از خداوند آمرزش طلب می‌کنم».

۱- سنن ترمذی: ۲۱۶۵؛ شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح مسلم: ۷۰۳۳؛ سنن ابوداود: ۱۵۱۵؛ صححه آل‌بانی.

۴۸- قربانی کردن و عقیقه گرفتن

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ﴾ [الکوثر: 2]. «پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن». همچنین می‌فرماید: ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعِيرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ...﴾ [الحج: 36]. «و [قربانی] کردن شتران را برای شما از شعائر الله قرار دادیم که برای شما در آن خیر است...». همچنین می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعِيرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: 32]. «چنین است، و هر کس شعائر الهی را عظیم برشمرد پس از تقوای قلب است».

دلیل از سنت: حدیث انس بن مالک رضی الله عنه در صحیحین: «ضَحَى النَّبِيُّ ﷺ بِكَبَشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ أَفْرَنَيْنِ ذَبَحَهُمَا بِيَدِهِ وَسَمَّى وَكَبَّرَ وَوَضَعَ رِجْلَهُ عَلَى صِفَاحِهِمَا!». «پیامبر ﷺ دو قوچ سفید به سیاهی آمیخته‌ی شاخ‌دار قربانی نمود، با دست خودش آن دو را ذبح نمود و نام الله را برد و تکبیر گفت، و پای خود را بر پهلوئی آن دو قرار داد».

۴۹- اطاعت از ولات امر مسلمان

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ [النساء: 59]. «... اطاعت کنید از الله و اطاعت کنید از رسول و صاحبان امر از خودتان...»، گفته شده اولی الامر امیران حکومتی است و گفته شده آنها علماء هستند، و احتمال بر

۱- صحیح بخاری: ۵۵۵۸-۵۵۶۴-۵۵۶۵-۷۳۹۹؛ صحیح مسلم: ۵۱۹۹-۵۲۰۰؛ سنن ابوداود:

۲۷۹۳-۲۷۹۴؛ سنن ترمذی: ۱۴۹۴؛ سنن نسائی: ۴۳۸۷-۴۴۱۵-۴۴۱۶-۴۴۱۸؛ سنن ابن

ماجه: ۳۱۲۰؛ صححه آلبانی.

این می‌رود که منظور هر دوی آنهاست، اگر منظور امیران حکومتی باشد به این حدیث از ابوهریره رضی الله عنه نزدیک می‌شود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ يُطِيعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ يَعِصِ الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي...!». «کسی که از من اطاعت کند از خداوند اطاعت نموده و کسی که از من نافرمانی کند از خداوند نافرمانی کرده است و کسی که از امیر اطاعت کند از من اطاعت کرده است...». پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر رضی الله عنه فرموده است: «أَنْ أَسْمَعَ وَأَطِيعَ وَإِنْ كَانَ عَبْدًا مُجَدِّعَ الْأَطْرَافِ...»^۲. «از [امیر] حرف شنوی داشته باش و اطاعت کن حتی اگر برده‌ی حبشی باشد که عضوهای او را بریده باشند...». «در عقیده‌ی اسلامی این اطاعت تا زمانی وجود دارد که امیر امر به حرام نکرده باشد، و اگر امیر چیز حرامی را از ما بخواهد نباید به آن عمل کنیم درست مثل عمل نکردن به امر حرامی که از طرف پدر و مادر به فرزند رسیده باشد و اطاعت امر به همین شکل نیز تا زمانی وجود دارد که امیر کفر بواح نداشته و بین مسلمانان نماز برپا کند؛ برای اطلاعات بیشتر و آدرس احادیث می‌توانید به کتاب فقه السنه اثر سید سابق رحمته الله مراجعه نمائید. (مترجم)».

۱- صحیح بخاری: ۲۹۵۷-۷۱۳۷؛ صحیح مسلم: ۴۸۵۲-۴۸۵۴؛ سنن نسائی: ۴۲۹۳؛ سنن ابن ماجه: ۲۸۹۵؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۶۹۶؛ صحیح مسلم: ۱۴۹۹-۵۸۶۱-۴۸۶۲-۴۸۶۳؛ سنن ابن ماجه: ۲۸۶۲؛ صححه آلبانی.

۵۰- تمسک به آنچه که جماعت نامیده می‌شود ۱

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ [آل عمران: 103] «همگی به ریمان الهی متمسک شوید و فرقه فرقه نشوید...». ابوهریره رضی الله عنه آورده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً...»^۱. «کسی که از اطاعت روی گردان شود و از جماعت جدا شود و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است...». پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّهُ سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاصْرُبُوهُ بِالسِّيفِ كَأَنَّهَا مَنْ كَانُ»^۲. «همه چیز می‌آید(مراد انواع فتنه است) پس هر کس که می‌خواست این امت را فرقه فرقه کند با شمشیر او را بزنید (یعنی به قتل برسانیدش) هر کس که باشد».

۵۱- حکم کردن بین انسان‌ها به عدالت

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...﴾ [النساء: 58] «و وقتی بین مردم حکم می‌کنید به عدالت حکم کنید...». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾ [النساء: 105]. «... و از خیانت‌کاران دفاع نکن». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: 9]. «... و عادل باشید که الله عادلان را دوست می‌دارد». همچنین

۱- یعنی به پیروی از شخص خاصی دین‌مان را از بقیه جدا نکنیم.(مترجم)

۲- صحیح مسلم: ۴۸۹۲-۴۸۹۴؛ سنن نسائی ۴۱۱۴؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح مسلم: ۴۹۰۲؛ سنن ابو داود: ۴۷۶۲؛ سنن نسائی: ۴۰۲۰-۴۰۲۱-۴۰۲۲؛ صححه

آلبانی.

می‌فرماید: ﴿...وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...﴾ [المائدة: 8]. «... دشمنی گروهی و قومی شما را بر آن ندارد که عدالت نورزید، به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است...». از ابن مسعود رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ رَجُلٍ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَسَلَّطَهُ عَلَىٰ هَلَكْتِهِ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٍ آتَاهُ اللَّهُ حِكْمَةً فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا»^۱. «غبطه جایز نیست مگر در دو چیز: کسی که خداوند مالی به او داده و به او همت بخشیده تا آن را در راه حق خرج کند و کسی که خداوند به حکمت بخشیده و او با آن به عدالت حکم می‌کند و آن را می‌آموزد».

۵۲- امر به نیکی و دور کردن مردم از بدی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنَّ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: 104]. «و باید از میان شما، گروهی باشند که (مردم را) به نیکی دعوت کنند، و به کار شایسته و ا دارند و از زشتی باز دارند، و آناند که رستگارند». همچنین می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: 110]. «شما بهترین امت هستید که برای مردم خلق شده‌اید، امر به نیکی و نهی از بدی می‌کنید و به الله ایمان دارید...». همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْحِجَّةَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا

۱- صحیح بخاری: ۷۳- ۱۴۰۹- ۷۱۴۱- ۷۳۱۶؛ صحیح مسلم: ۱۹۳۳؛ سنن ابن ماجه: ۴۲۰۸؛ صححه آلبانی.

عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۱﴾
 التَّيْبُونَ الْعَبِيدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّيْحُونَ الرَّكْعُونَ السَّجِدُونَ الْأَمْرُونَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۲﴾ [التوبة: 111-112]. «خداوند از مؤمنین جان‌ها و
 اموال‌شان را می‌خرد [به بدل آنکه] برای‌شان بهشت است، [آنان
 این‌گونه‌اند] در راه الله می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند
 وعده‌ای که بر وی (خداوند) در تورات و انجیل و قرآن است و چه
 کسی به وعده‌ی خود وفاکننده‌تر از خداوند است؛ پس آن‌ها را
 بشارت دهید به تجارتی که کسب می‌کنند و آن پیروزی‌ای بس عظیم
 است * [آنان] توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، شکرگذاران،
 گردندگان [در دریای شناخت خدا و محبت او و انابت و بازگشت
 بسوی او هستند]، رکوع و سجده‌کنندگان و امرکنندگان به نیکی و
 نهی‌کنندگان از کار زشت و پاس‌داران حدود خدا هستند و مؤمنان
 را مژده‌ده». همچنین می‌فرماید: ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي
 إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا
 يَعْتَدُونَ ۷۸ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
 ۷۹﴾ [المائدة: 78-79]. «افرادی از بنی‌اسرائیل که کفر ورزیدند به
 زبان داود و عیسی پسر مریم نفرین شدند، این به خاطر آن بود که
 نافرمانی و تجاوز می‌کردند * و از کار زشت نهی نموده و آن را
 انجام می‌دادند، چه بد است کاری که انجام می‌دادند». قرآن مملو از
 این دو عمل است.

دلیل از سنت: پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا

فَلْيَغْيِرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلِلسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ!». «هر کدام از شما کار زشتی را دید آن را با دستش برطرف کند و اگر نتوانست با زبانش و اگر نتوانست با قلبش آن را نهی کند (یعنی آن را در قلبش زشت بدارد)، که [این آخری] آخرین ذره‌ی ایمان است». حدیث عبد الله بن مسعود رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَا مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللهُ فِي أُمَّةٍ قَبْلِي إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُّونَ وَأَصْحَابٌ يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِنَّهَا تَخْلَفُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلُوفٌ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ فَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِيَدِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِلِسَانِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِقَلْبِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةٌ حَرْدَلٍ»^۱. «هیچ پیامبری قبل از من خداوند بسوی قومی نفرستاد مگر اینکه از امتش کسانی بودند که او را یاری می‌دادند و سنت او را گرفته و به امر آن اقتدا می‌کردند، سپس عده‌ای جانشین آنها می‌شدند آنچه را که می‌گفتند عمل نموده و آنچه را امر نشده بودند عمل می‌کردند پس کسی که با آن [بدعت گذاران] با دستش مبارزه کند مؤمن است و کسی که با زبانش با آنها جهاد کند مؤمن است و کسی که با قلبش با آنان جهاد کند مؤمن است ولی برای کمتر از آن ذره‌ی خردلی ایمان وجود ندارد». زینب ام المؤمنین رضی الله عنها گفته است: «اسْتَيْقِظَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله مِنَ النَّوْمِ مُحَمَّرًا وَجْهُهُ يَقُولُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَيَلُّ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ فُتِحَ الْيَوْمَ مِنْ رَدْمٍ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ مِثْلُ هَذِهِ. وَعَقَدَ سَفِيَانُ بِيَدِهِ عَشْرَةَ. قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ أَنْهَلِكُ وَفِينَا الصَّالِحُونَ قَالَ: «نَعَمْ إِذَا كَثُرَ الْحَبَّتْ»^۲. «پیامبر صلی الله علیه و آله با

۱- صحیح مسلم: ۱۸۶؛ سنن ابوداود: ۱۱۴۰-۴۳۴۰؛ سنن نسائی: ۵۰۰۸؛ ابن ماجه: ۴۰۱۳؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم ۱۸۸.

۳- صحیح بخاری: ۳۳۴۶-۳۵۹۸-۷۰۵۹-۷۱۳۵؛ صحیح مسلم: ۷۴۱۶-۷۴۱۸؛ سنن ترمذی:

عصبانیت از خواب بیدار شد و فرمود: لا اله الا الله وای بر عرب از شری که نزدیک شده است، امروز سدّ یا جوج و مأجوج باز شد مثل این - و سفیان بن عیینه یکی از راویان حدیث، ده انگشت دستش را به هم بست - گفتیم: ای رسول الله آیا در حالی هلاک می‌شویم که بین ما صالحینی وجود داشته باشد، فرمود: بله اگر آدم خبیث زیاد شود [نیز این هلاکت خواهد بود].»

امام بیهقی رحمته الله علیه آورده است: «مالک بن دینار این آیه را خواند: ﴿وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾^{۴۸} [النمل: 48]. «در آن شهر نه نفر بودند که در زمین فساد می‌کردند و در اصلاح [آن] نمی‌کوشیدند». و امروز در هر قبیله چند نفر وجود دارند که در زمین فساد می‌کنند و آن را اصلاح نمی‌کنند^۱. همچنین از وی آمده است: «خداوند به قریه امر کرد که عذاب داده شوند، ملائکه رفتند و گفتند: در آن بنده‌ی تو فلانی است، [خداوند] فرمود: ناله و فریاد او را به من بشنوانید! زیرا چهره‌اش به خاطر ارتکاب چیزهایی که من حرام کرده‌ام دگرگون و عصبانی نشده است»^۲. با اسناد ضعیف این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است. همچنین گفته است: «حب دنیا را انتخاب کرده‌ایم و بعضی از ما بعضی دیگر را به [کار نیک] امر نکرده و بعضی بعضی دیگر را [از کار زشت] نهی ننموده است، و الله تعالی به همین خاطر ما را به

۲۱۷۸؛ سنن ابن ماجه: ۳۹۵۳؛ صححه آلبانی.

۱- شعب الایمان: ۷۶۰۰.

۲- شعب الایمان: ۷۵۹۴.

حال خود و نمی‌گذارد و نگرانم از اینکه عذاب بر ما نازل گردد! از عمر بن عبد العزیز رضی الله عنه آمده است: «گفته می‌شد خداوند عموم را به خاطر گناه شخص خاصی عذاب نمی‌فرماید، ولی اگر عمل زشتی آشکارا انجام شود و آن زشت شمرده نشده [و نهی نگردد] تمامی آن قوم مستحق عذاب می‌شوند»^۱.

۵۳- همکاری در کار نیک و پرهیزکاری

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...﴾ [المائدة: 2] «... در کار نیک و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید و در گناه و دشمنی یکدیگر را یاری ننمائید...». حدیث انس بن مالک رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَنْصُرُ أَحَبَّكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ قَالَ تَحْجُرُهُ أَوْ تَمْنَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ»^۲. «برادرت را یاری بده چه ظالم باشد و چه مظلوم! مردی گفت: ای رسول الله اگر مظلوم بود [آری] ولی اگر ظالم بود چگونه او را یاری دهم؟ فرمود: او را از ظلم باز بدار که همین یاری اوست».

۵۴- حیاء

در سنت آمده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَرَّ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَهُوَ يَعِظُ أَحَاهُ فِي الْحَيَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ دَعَا فإِنَّ الْحَيَاءَ مِنْ

۱- شعب الایمان: ۷۵۹۶.

۲- شعب الایمان: ۷۶۰۲.

۳- صحیح بخاری: ۲۴۴۴-۶۹۵۲؛ سنن ترمذی: ۲۲۵۵؛ صححه آلبنابی.

الإیمان).^۱ «رسول الله ﷺ بر مردی از انصار گذشت در حالی که آن [مرد] برادرش را از حیاء برحذر می‌داشت، رسول الله ﷺ فرمود: او را به حال خودش بگذار حیاء از ایمان است». حدیث عمران بن حصین رضی الله عنه: پیامبر ﷺ فرموده است: «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ»^۲. «حیاء نتیجه‌ای ندارد بجز خیر». حدیث ابی سعید الخدری: «كَانَ النَّبِيُّ أَشَدَّ حَيَاءً مِنَ الْعَذْرَاءِ فِي خَدْرِهَا فَإِذَا رَأَى شَيْئًا يَكْرَهُهُ عَرَفْنَاهُ فِي وَجْهِهِ»^۳. «پیامبر ﷺ از دوشیزه‌ای که در پرده‌ای [پنهان شده بود] با حیاء تر بود و اگر از چیزی کراهت می‌نمود آن را از چهره‌اش می‌فهمیدیم». حدیث ابی مسعود الانصاری رضی الله عنه از پیامبر ﷺ: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأَوْلَى: إِذَا لَمْ تَسْتَجِ قَاصِنَعٌ مِمَّا شِئْتُ»^۴. «از چیزهایی که مردم از سخنان پیامبران قبلی فهمیده‌اند: اگر حیاء نمی‌کنی هر کاری که می‌خواهی انجام بده».

۵۵- نیکی به پدر و مادر

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا..﴾ [الأحقاف: 15]. «و انسان را به نیکی به پدر و مادر وصیت فرمودیم». همچنین می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ

۱- صحیح بخاری: ۲۴-۶۱۱۸؛ صحیح مسلم: ۱۶۳؛ سنن ابوداود: ۴۷۹۵؛ سنن ترمذی: ۲۶۱۵؛ سنن نسائی: ۵۰۳۳؛ ابن ماجه: ۵۸؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۶۱۱۷؛ صحیح مسلم: ۱۶۵؛ «الحیاء کله خیر» (حیاء همه‌اش خیر است): صحیح مسلم ۱۶۶ و سنن ابی داود: ۴۷۹۶ و صححه آلبانی.

۳- صحیح بخاری: ۳۵۶۲-۶۱۰۲-۶۱۱۹؛ صحیح مسلم: ۴۱۷۶؛ سنن ابن ماجه: ۴۱۸۰؛ صححه آلبانی.

۴- صحیح بخاری: ۳۴۸۳-۳۴۸۴-۶۱۲۰؛ سنن ابوداود: ۴۷۹۷؛ سنن ابن ماجه: ۴۱۸۳؛ صححه آلبانی.

إِحْسَنًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۲۳ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۲۴﴾ [الإسراء: 23-24]. «
و پروردگارت (چنین) مقرر داشته است که: جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سن پیری رسند، (حتی) به آن‌ها (کلمه‌ی) اف (= کمترین کلمه رنج آور) نگو، و بر (سر) آن‌ها فریاد نزن، و با نیکی (و بزرگووارانه) با آن‌ها سخن بگو* و از روی مهربانی بال فروتنی (و خاک‌ساری) برای آن‌ها فرود آور، و بگو: «پروردگارا! به آنان رحمت آور، همان‌گونه که مرا در کودکی پرورش دادند»..

حدیث عبد الله بن مسعود رضی الله عنه در صحیحین که گفت: «سَيَأْتِيكَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَيْهِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَفَنَهَا. قَالَ: نَعَمْ أَيُّ؟ قَالَ: نَعَمْ أَيُّ؟ قَالَ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي بِهِنِ وَلَوْ اسْتَرْذَنَهُ لَرَأَيْتَنِي». (از پیامبر صلى الله عليه وسلم سوال کردم چه عملی نزد خداوند محبوب‌تر است؟ فرمود: نماز در وقتش، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: نیکی به والدین، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه الله. [ابن مسعود گفت:] آنان را برای من بیان فرمود و اگر بیشتر می‌پرسیدم بیشتر جواب می‌داد».

۵۶- صله رحم و ارتباط خویشاوندی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ ۲۲ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ۲۳﴾ [محمد: 22-23]. «پس آیا اگر به حکومت

۱- صحیح بخاری: ۵۲۷-۵۹۷۰-۷۵۳۴؛ صحیح مسلم: ۲۶۲-۲۶۴-۲۶۶؛ سنن نسائی: ۶۱۰-۶۱۱؛ شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح دانسته است.

رسیدید، جز این (امید) است که در زمین فساد کنید، و بیوند خویشاوندان‌تان را ببرید؟! * اینان کسانی هستند که الله لعنت‌شان کرده است، پس (گوش‌های) آنان را کر نموده و چشم‌هایشان را نابینا کرده است. « همچنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝﴾ [الرعد: 25]. » و کسانی که پیمان الله را پس از استوار کردنش می‌شکنند، و آنچه را که الله به پیوستن آن فرمان داده؛ قطع می‌کنند، و در زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آنهاست، و برای آنها سختی (و بدی) آن سرای (آخرت) است.»

حدیث انس بن مالک رضی الله عنه در صحیحین: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسِطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسِيَهُ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»^۱. «کسی که دوست دارد رزق او زیاد شود و اجلش عقب بیافتد پس صله ارحام کند». پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ^۲. قَالَ سُفْيَانٌ يَعْنِي قَاطِعَ رَحِمٍ». «قطع کننده وارد بهشت نمی‌شود - سفیان گفته: [قطع کننده] یعنی قطع کننده‌ی صله ارحام».

۵۷- اخلاق نیک

و هر آنچه شامل آن می‌شود مثل فرو بردن خشم و نرم خویی و تواضع.

۱- صحیح بخاری: ۲۰۶۷-۵۹۸۵-۵۹۸۶؛ صحیح مسلم: ۶۶۸۷-۶۶۸۸؛ سنن ابو داود: ۱۶۹۳؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۵۹۸۴؛ صحیح مسلم: ۶۶۸۴-۶۶۸۵؛ سنن ابوداود: ۱۶۹۶؛ سنن ترمذی: ۱۹۰۹؛ صححه آلبانی.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: 4]. «و همانا تو از خوی بس بزرگی برخوردار هستی». همچنین می‌فرماید: ﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: 134]. «...و [متقین کسانی هستند که] خشم خود را فرو می‌برند و [از اشتباهات] مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

دلیل از سنت: عبد الله بن عمرو در صحیحین: «لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ ﷺ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا وَكَانَ يَقُولُ إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا!». «پیامبر ﷺ زشت کار و فحاش نبود و می‌گفت: بهترین شما نیک‌ترین شما در اخلاق است». و در روایتی می‌فرماید: «قَالَ إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا».^۱ «دوست داشتنی‌ترین شما نزد من نیک‌ترین شما در اخلاق است». حدیث عائشه: «مِمَّا حُذِرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ أَمْرَيْنِ إِلَّا أَحَدًا أَيْسَرَهُمَا مِمَّا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا فَبَانَ كَمَا بَانَ إِثْمًا كَمَا بَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ وَمِمَّا انْتَقَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِنَفْسِهِ إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ حُرْمَةُ اللَّهِ فَيَنْتَقَمَ اللَّهُ بِهَا».^۲ «پیامبر ﷺ بین دو امر یکی را انتخاب نمی‌کرد مگر آسان‌تر را، به شرط آنکه [امر آسان‌تر] گناه نبوده باشد و اگر گناه بود از همه‌ی انسان‌ها از آن دورتر می‌بود، رسول الله ﷺ هیچ وقت برای خودش انتقام نمی‌گرفت، مگر آنکه حرمت الله شکسته می‌شد و آنگاه برای خداوند انتقام می‌گرفت».

۱- صحیح بخاری: ۳۵۵۹-۶۰۲۹-۶۰۳۵؛ صحیح مسلم: ۶۱۷۷؛ سنن ترمذی: ۱۹۷۵؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۳۷۵۹.

۳- صحیح بخاری: ۳۵۶۰-۶۱۲۶؛ صحیح مسلم: ۶۱۹۰-۶۱۹۳؛ سنن ابوداود: ۴۷۸۵؛ صححه آلبانی.

امام بیهقی گفته است: «حسن الخلق به معنی سلامت نفس است، بطوری که احمد علیه السلام نرم‌ترین شخص در اعمال بود و این در ذات الله تعالی نیز موجود است و آنچه بین مردم [از آن] وجود دارد ذات خداوند است، وقتی که بنده سینه‌اش را برای اوامر و نواهی خداوند با افعالش باز می‌کند آنچه بر وی از پاکی نفس واجب شده است به نرمی می‌گراید و از آنچه بر وی حرام شده است دوری می‌کند و این [اجتناب] را با رضایت و نه بصورت اجباری به اتمام می‌رساند، و به انجام سنت‌های خیر ترغیب شده و بسیاری از مباحات را برای رضای الله تعالی ترک می‌کند و به تقدس می‌گراید و اگر ببیند ترک عملی او را به عبودیت نزدیک می‌کند شادمانه و غیر مجبورانه و بدون سخت به نظر رسیدن، آن را ترک می‌کند، و این در ارتباطات بین مردم مستولی می‌گردد حتی اگر حقوقش پایمال گردد و به آنچه در ارتباط به دیگران بر وی واجب شده است وفا می‌نماید، اگر مریض شود و عیادت نشود و از سفر برگشته و کسی به او سر نزند و سلام دهد و جواب سلام را نگیرد و به مهمانی دعوت شده و اکرامش نکنند یا شفاعت کند و شفاعتش اجابت نشود یا خوبی کند و از وی تشکر نشود یا بین قومی رود و او را تمکین نکنند یا سخن بگویند و دیگران ساکت نشوند یا از دوستش اجازه بگیرد و به او اجازه داده نشود یا خواست‌گاری کند و جواب رد بگیرد یا مهلت بخواهد و به او مهلت داده نشود یا در حق وی کوتاهی نموده و او کوتاهی ننماید و یا شبیه اینها که بر اثر آن عصبانی نشده و انتقام نگرفته و در ذاتش بدی نمی‌بیند و در درون خودش حس نمی‌کند که به او ظلم

شده و اندوهگین نمی‌شود و اگر راهی برای مقابله پیدا کند این کار را نمی‌کند و ذره‌ای از حق تجاوز نکرده و به نیک‌ترین و افضل‌ترین شکل و نزدیک‌ترین حالت به نیکی و تقوی پاسخ این حالات را می‌دهد و مانند این است که از وی تشکر شده و او را راضی کرده‌اند، سپس خودش بر عکس این حالات را پاسخ می‌دهد: اگر برادرش مریض شود او را عیادت کرده و اگر از او شفاعت خواسته شود اجابت می‌کند و اگر در پرداخت دین مهلت خواسته شود مهلت می‌دهد و اگر نیازی به کمک وی شود کمک می‌کند و اگر در تجارتي از وی آسانی خواسته شود آسان می‌گیرد و ارتباطش با دیگران به این توجه نمی‌کند که چگونه با وی برخورد شده است بلکه در ارتباطش نیک‌ترین روش را برای نفسش بر می‌گزیند و اخلاق نیک چیزی غریزی و کسب کردنی می‌باشد و اکتساب آن وقتی صحیح می‌شود که از گزینه خارج شود برای به اتمام رساندن آن باید با اهل آن معاشرت نمود، همانگونه که نظر با مجالست افراد صبور زیاد شده و عالم علم خود را با مجالست علماء زیاد کرده و صالح و عاقل، اصلاح و عقل‌شان را با مجالست صالحین و عاقلین زیاد می‌کنند و نباید منکر شد که کسی که دارای اخلاق زیباست، نیکی اخلاقی را با مجالست صاحبان اخلاق نیکو زیاد می‌کند و توفیق نزد الله است»^۱.

۵۸- نیکی کردن به مُلک یمین

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا

۱- شعب الایمان: مقدمه‌ی باب پنجاه و هفتمین پایه‌ی ایمان.

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ... ﴿[النساء: 36].﴾ «و الله را پرستید، و چیزی را با او شریک مگردانید. و به پدر و مادر نیکی کنید، و (نیز) به خویشاوندان و یتیمان و بی‌نویان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و همنشین و در راه ماندگان و بردگانی که مالک آن‌ها هستید، (نیکی کنید) بی‌گمان الله کسی را که متکبر و فخر فروش است؛ دوست نمی‌دارد».

حدیث معروف بن سوید رضی الله عنه که گفت: «لَقِيتُ أَبَا ذَرٍّ بِالرَّبَذَةِ وَعَلَيْهِ حُلَّةٌ وَعَلَى غَلَامِهِ حُلَّةٌ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: إِنِّي سَابَيْتُ رَجُلًا فَعَبَّرْتُهُ بِأَمِّهِ فَقَالَ لِي النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ! أَعَبَّرْتَهُ بِأَمِّهِ إِنَّكَ أَمْرٌ فِيكَ جَاهِلِيَّةٌ، إِخْوَانُكُمْ حَوْلَكُمْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيَلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا تَكْلَفُوهُمْ مَا يَعْطَلُهُمْ فَإِنْ كَلَّفْتُمُوهُمْ فَأَعَيْتُوهُمْ»^۱. «ابوذر را در سختی دیدم ربذه دیدم که بر او جامه‌ی دوتکه بود و بر غلامش هم جامه‌ی دو تکه بود؛ از او درباره‌ی آن سوال کردم و گفتم: روزی با غلامم درگیر شدم و او را (بخاطر اینکه مادرش کنیزی بود) تحقیر نمودم. رسول الله ﷺ فرمود: ای ابوذر آیا این غلام را به خاطر مادرش تحقیر نمودی؟ معلوم است که عادات جاهلیت هنوز در تو وجود دارد. غلامان و زیردستان برادران شما هستند. خداوند آنان را در اختیار شما قرار داده‌است. هر کسی که غلام و یا خدمت‌گذاری دارد، باید از همان غذا و لباسی که خودش استفاده می‌کند به او نیز بدهد و [علاوه بر این] به آنان دستور ندهید کاری را که از توان‌شان خارج است انجام

۱- صحیح بخاری: ۳۰- ۲۵۴۵- ۶۰۵۰؛ صحیح مسلم: ۴۴۰۳- ۴۴۰۵؛ سنن ابوداود: ۵۱۵۷- ۵۱۵۸؛ صححه آلبانی.

دهند. اگر کاری به آنان واگذار کردید به آنان کمک کنید».

۵۹- رعایت حق سرور توسط مُلک یمین

در صحیحین از عبدالله بن عمر ب آمده است: رسول الله ﷺ فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا نَصَحَ لِسَيِّدِهِ وَأَحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ فَلَهُ أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ»^۱. «اگر غلام برای سرورش خیرخواهی کند و عبادت الله را به نیکی انجام دهد، اجرش دو برابر می‌شود». در صحیح مسلم از جریر بن عبد الله ﷺ آمده: پیامبر ﷺ فرموده است: «أَيُّمَا عَبْدٍ أَبَقَ فَقَدْ بَرَأْتُمْ مِنْهُ الذِّمَّةُ»^۲. «اگر برده از نزد سرورش فرار کند، دیگر حفاظت نخواهد شد». در سنن ابی داود همچنین آمده است: «إِذَا أَبَقَ الْعَبْدُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَىٰ مَوْلِيهِ»^۳. «اگر برده فرار کند نمازش قبول نمی‌شود تا اینکه بسوی سرورش برگردد».

۶۰- رعایت حقوق اولاد و همسر

و آن این است که مرد مسلمان گرداننده امور فرزند و اهلش بوده و آنچه از علوم دینی که نیازشان است به آنها بیاموزد. زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾ [التحریم: 6] «...خودتان و خانواده‌ی خودتان را از آتشی حفظ کنید که هیزمش انسان و سنگ است...». حسن بصری رحمته الله درباره‌ی این آیه گفته است: «یعنی آنها را به اطاعت خداوند امر نموده و هر آنچه که از خیر است به آنها

۱- صحیح بخاری: ۲۵۴۶-۲۵۵۰؛ صحیح مسلم: ۴۴۰۸؛ سنن ابوداود: ۵۱۶۹؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۲۳۸.

۳- سنن ترمذی: ۳۶۰؛ سنن نسائی: ۴۰۴۹؛ صححه آلبانی.

بیاموزید»^۱. حضرت علی علیه السلام گفته است: «به آنها بیاموزید و آنها را با ادب بار بیاورید»^۲. حدیث انس بن مالک رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا جِءَاءَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ. وَضَمَّ أَصْبَاعَهُ»^۳. «کسی که دو دختر را اداره نماید تا بزرگ شوند، روز قیامت طوری می‌آید که من و او [مثل این دو هستیم] و اشاره فرمود به دو انگشتش».

۶- همنشینی با اهل دین

که عبارت است از دوست داشتن‌شان و انتشار سلام بین آنها و دست دادن [هنگام ملاقات] و هر آنچه که بین آنها محبت ایجاد می‌کند.

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿... لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ [النور: 27] «... به خانه‌ای به غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام نمائید...». حدیث ابوهریره رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا. أَوْ لَا أَدْلُكُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ».

«وارد بهشت نمی‌شوید مگر اینکه ایمان بیاورید و مؤمن نمی‌شوید مگر اینکه همدیگر را دوست داشته باشید، آیا شما را راهنمایی نکنم

۱- شعب الایمان: ۱۶۴۷

۲- شعب الایمان: ۱۶۴۸

۳- صحیح مسلم: ۶۸۶۴؛ سنن ترمذی: ۱۹۱۴؛ صححه آلبانی.

۴- صحیح مسلم: ۲۰۳؛ سنن ابوداود: ۵۱۹۳؛ سنن ترمذی: ۲۵۱۰-۲۶۸۸؛ سنن ابن ماجه: ۶۸-

۳۶۹۲؛ صححه آلبانی.

به چیزی که اگر انجام دهید، محبت بین شما زیاد می‌شود؟ بین خودتان سلام کردن را زیاد کنید^۱. حدیث قتاده رضی الله عنه که گفت: «به انس گفتم آیا بین صحابه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله دست دادن وجود داشت؟ گفت: بله»^۲. حدیث ابو هریره رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ الْمُتَحَابُّونَ بِجَلَالِي الْيَوْمَ أَظْلَهُمْ فِي ظِلِّي يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلِّي»^۳. «الله روز قیامت می‌فرماید: کجايند کسانی که به خاطر جلال من همدیگر را دوست دارند، آنها را زیر سایه ی خودم می‌گیرم، روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی من وجود ندارد».

۶۲- جواب سلام

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا...﴾ [النساء: 86]. «و چون شما را تحیت (و سلام) گویند، پس پاسخی بهتر و یا همانند آن بدهید، الله بر همه چیز حساب‌رس است». حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ فِي الطَّرِيقَاتِ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَنَا بَدُّ مِنْ مَجَالِسِنَا نَتَحَدَّثُ فِيهَا. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلَّا الْمَجْلِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهُ». قَالُوا وَمَا حَقُّهُ قَالَ: عَضُّ الْبَصْرِ وَكَفُّ الْأَدَى وَرَدُّ السَّلَامِ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۴. «از

۱- این در صورتی است که معنای سلام را نیز شخص در نظر داشته باشد، و معنی آن این است که سلامتی قلبی و روحی و جسمی برای تو باشد و تو از طرف من در امن و امان هستی. (مترجم)

۲- صحیح بخاری: ۶۲۶۳؛ سنن ترمذی: ۲۷۲۹؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح مسلم: ۶۷۱۳.

۴- صحیح بخاری: ۶۲۲۹؛ صحیح مسلم: ۵۶۸۵-۵۷۷۳-۵۷۷۴؛ سنن ابو داود: ۶۲۲۹؛ صححه آلبانی.

نشستن در راه‌ها بر حذر باشید. [صحابه رضی الله عنہم] گفتند: یا رسول الله! گریزی از نشستن ما وجود ندارد و ما در آنها با هم صحبت می‌کنیم. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: پس اگر در راهی نشستید حق راه را بجا آورید. گفتند: حق آن چیست؟ فرمود: کوتاه کردن نگاه [از نامحرم] و اجتناب از آزار دادن و جواب سلام دادن و امر به نیکی و نهی از زشتی، است».

۶۳- عیادت مریض

حدیث ابن عازب رضی الله عنہ: «أَمَرَنَا النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله بِسَبْعٍ وَنَهَانَا عَنْ سَبْعٍ أَمْرًا بَاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَعِبَادَةِ الْمَرِيضِ وَإِجَابَةِ الدَّاعِي وَنَصْرِ الْمَظْلُومِ وَإِزَارِ الْقَسَمِ وَرَدِّ السَّلَامِ وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ وَنَهَانَا عَنْ آيَةِ الْفِضَّةِ وَخَاتَمِ الذَّهَبِ وَالْحَرِيرِ وَالذَّبِيحِ وَالْقَسِيِّ وَالْإِسْتَبْرَقِ [وَعَنْ الْمَيَاثِرِ]!». «رسول الله صلی الله علیه و آله ما را به هفت چیز امر نمود و از هفت چیز نهی نمود: ما را امر کرد به تشیع جنازه، عیادت مریض، قبول دعوت، کمک و یاری به مظلوم، وفای به عهد، جواب سلام دادن و جواب عطسه؛ و ما را نهی نمود از: استفاده از ظروف نقره، انگشتر طلا، استفاده از لباس ابریشمی، استفاده از دیباج (نوعی لباس ابریشمی)، استفاده از قسی (نوعی لباس است که در آن ابریشم به کار رفته است)، استفاده از استبرق (پارچه‌ی ابریشمی کلفت) [و زین و پالانی که در آن ابریشم به کار رفته باشد]». پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «عَائِدُ الْمَرِيضِ فِي مَخْرَفَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ»^۱. «عیادت کننده

۱- صحیح بخاری: ۱۲۳۹-۵۱۷۵-۵۶۳۵-۵۶۵۰-۵۸۴۹-۶۲۲۲-۶۲۳۵؛ صحیح مسلم:

۵۵۱۰؛ سنن ترمذی: ۲۸۰۹؛ سنن نسائی: ۱۹۳۹؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۶۷۱۶-۶۷۱۷-۶۷۱۸-۶۷۱۹؛ سنن ترمذی: ۹۶۷-۹۶۸؛ سنن ابن ماجه:

۱۴۴۲؛ صححه آلبانی.

مریض مشغول چیدن میوه‌های بهشت است تا زمانی که [از عیادت] برگردد».

۶۴- بجا آوردن نماز میت برای اهل قبله

دلیل از سنت: حدیث ابوهریره رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ رَدُّ السَّلَامِ وَ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَ اتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ وَ إِجَابَةُ الدَّعْوَةِ وَ تَشْمِيتُ الْعَاطِسِ»^۱. «حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب سلام، عیادت مریض، تشییع جنازه، قبول دعوت و جواب عطسه». حدیث ثوبان رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ صَلَّى عَلَى جَنَازَةٍ فَلَهُ قِيرَاطٌ فَإِنْ شَهِدَ دَفَنَهَا فَلَهُ قِيرَاطَانِ الْقِيرَاطُ مِثْلُ أُحُدٍ»^۲. «هر کس بر جنازه‌ای نماز بخواند برای او یک قیراط [ثواب] خواهد بود و اگر [بدنبال جنازه برود] و شاهد دفن آن باشد برای او دو قیراط خواهد بود؛ هر قیراط مثل کوه احد است».

۶۵- جواب عطسه

رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَحَمِدَ اللَّهَ فَشَمِّتُوهُ فَإِنْ لَمْ يَحْمِدِ اللَّهَ فَلَا تُشَمِّتُوهُ»^۳. «اگر کسی از شما عطسه کرد و الله را حمد گفت، جواب عطسه‌ی او را بدهید و اگر الله را حمد ننمود، پس جواب او را ندهید».

۱- صحیح بخاری: ۱۲۴۰-۵۷۷۸؛ سنن ابن ماجه: ۱۴۳۵؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح مسلم: ۲۲۳۵-۲۲۳۷-۲۲۳۹؛ سنن ترمذی: ۱۰۴۰؛ سنن نسائی: ۱۹۹۴؛ سنن ابن ماجه: ۱۵۳۹-۱۵۴۰-۱۵۴۱؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح مسلم: ۷۶۷۹.

۴- جواب «الحمد لله» بعد از عطسه: «يَرْحَمُكَ اللهُ» است. (مترجم)

۶۶- دوری از کافران و مفسدین و تندى کردن با آنها

زیرا الله تعالى می‌فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً...﴾ [آل عمران: 28]. «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوست و ولی خود بگیرند، و هر کس چنین کند، با الله هیچ رابطه‌ای ندارند و (عهد و پیمان او با الله گسسته شده است). مگر اینکه (از آزار و اذیت) آن‌ها بترسید». همچنین می‌فرماید: ﴿يَأَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾ [التوبه: 73]. «ای پیامبر! با کافران و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت بگیر...». همچنین می‌فرماید: ﴿...قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً...﴾ [التوبه: 123]. «... با کسانی که از کافران که نزدیک شمایند، جنگ کنید، و باید آن‌ها در شما شدت و درشتی بیابند». همچنین می‌فرماید:

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ثَلَقْتُمْ عَلَيْهِمُ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمُ بِالْمَوَدَّةِ...﴾ [الممتحنه: 1] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید که با آن‌ها طری دوستی می‌افکنید، در حالی که آن‌ها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند، و رسول الله و شما را به خاطر ایمان آوردن به الله که پروردگارتان است (از شهر و دیارتان) بیرون می‌کنند، اگر شما برای جهاد در راه من (بیرون آمده‌اید) و برای

خشنودی من هجرت کرده‌اید (هرگز بیوند دوستی با آن‌ها برقرار نکنید)...». همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۲۳﴾ قُلْ إِن كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۲۴﴾ [التوبه: 23-24]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پدران خود و برادران خود را دوستان (و اولیاء) خود قرار ندهید، اگر کفر را بر ایمان ترجیح دادند، و کسانی از شما که آنان را دوست (و ولی) خود قرار دهند، پس آنان ستمکارانند * بگو: «اگر پدران‌تان، و فرزندان‌تان، و برادران‌تان و همسران‌تان، و خویشاوندان‌تان، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد آن می‌ترسید، و خانه‌هایی که بدان دلخوش هستید، در نزد شما از الله و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب‌تر است، پس منتظر باشید، تا الله فرمان (عذاب) خویش را بیاورد، و الله گروه نافرمان را هدایت نمی‌کند». آیات دیگری نیز در همین زمینه مثل این آیات وجود دارد.

دلیل از سنت: حدیث ابوهریره رضی الله عنه: رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا تَبَدَّءُوا الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَى بِالسَّلَامِ فَإِذَا لَقِبْتُمْ أَحَدَهُمْ فِي طَرِيقٍ فَاضْطَرُّوهُ إِلَىٰ أُصْنِيقِهِ»^۱. «به یهودیان و مسیحیان اول سلام

۱ - صحیح مسلم: ۵۷۸۹؛ سنن ابی داود: ۵۲۰۵؛ سنن ترمذی: ۱۶۰۲-۲۷۰۰؛ صححه آلبانی.

کنید و اگر آنان را در راهی دیدید، راه را بر آنان تنگ نمائید». حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا تُصَاحِبِ إِلَّا مُؤْمِنًا، وَلَا يَأْكُلْ طَعَامَكَ إِلَّا تَقِيًّا!». «همنشین مشو مگر با مؤمن و غذایت را کسی نخورد بجز متقی».

۶۷- گرامی داشتن همسایه و رعایت حقوق آن

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَأَلْيَتِنَا وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ...﴾ [النساء: 36] «... و به پدر و مادر نیکی کنید، و (نیز) به خویشاوندان و یتیمان و بی‌نویان و همسایه خویشاوند و همسایه بی‌گانه...». در تفسیر ﴿الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ «الجار ذی القربی» همسایه‌ی مجاور و خویشاوند و ﴿الْجَارِ الْجُنُبِ﴾ دور و دیوار به دیوار نبودن و ﴿الصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ﴾ همراه در سفر، از ابن عباس و مجاهد و قتاده و الکلبی و مقاتل بن حیان و مقاتل بن سلیمان: ﴿الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ کسی است که بین تو و او خوشاوندی وجود دارد و ﴿الْجَارِ الْجُنُبِ﴾ بی‌گانه از تو و ﴿الصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ﴾ همراه در سفر و مقاتل بن سلیمان اضافه از آن گفته است: ﴿الصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ﴾ او همراه در سفر و حضر می‌باشد و از علی و عبد الله بن مسعود و ابراهیم و غیره رضی الله عنهم ﴿الصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ﴾ همانا آن زن است و از سعید بن جبیر در روایتی همان‌گونه آمده است و در روایتی به معنی رفیق صالح آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مِمَّا

زَالَ يُوصِدْ يَنِي جَبْرِيلُ بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ^۱!

«جبرئیل آنقدر به [حقوق] همسایه توصیه نمود که فکر کردم او ارث می‌برد». همچنین به پیامبر ﷺ گفتند: زنی است که روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها نماز شب می‌خواند ولی همسایه‌های خود را آزار می‌دهد حال او چگونه است؟ پیامبر ﷺ فرمود: «لَا خَيْرَ فِيهَا هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ»^۲. «خیری در او نیست و از اهل جهنم می‌باشد». و همچنین ﷺ فرموده است: «وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ قِيلَ وَمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَاقِعَهُ»^۳. «قسم به خدا مؤمن نیست، قسم به خدا مؤمن نیست، قسم به خدا مؤمن نیست، گفته شد یا رسول الله چه کسی؟ فرمود: کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد».

امام بیهقی رحمته الله با اسنادش آورده است: عبد الله بن عباس گفته است: پیامبر ﷺ فرمود: «سه دسته هستند که کسی جز پروردگار جهانیان به خاطر من به آنها پاداش نمی‌دهد: مردی که مجلس خود را برای من باز می‌کند و مردی که از مردم و محل نشستن آنها پیشی می‌گیرد تا بسوی من بیاید و مردی که حاجتش را در شب یاد کرده و مرا ببیند که از اهل آن می‌باشم، پاداش نمی‌دهد به خاطر من بجز پروردگار جهانیان»^۴.

۱- صحیح بخاری: ۶۰۱۴-۶۰۱۵؛ صحیح مسلم: ۶۸۵۴؛ سنن ابوداود: ۵۱۵۲؛ سنن ترمذی: ۱۹۴۲-۱۹۴۳؛ سنن ابن ماجه: ۳۶۷۳-۳۶۷۴؛ صححه آلبانی.

۲- الاحادیث الصحیحه آلبانی: ۱۹۰؛ الادب المفرد بخاری: ۱۱۹؛ و رواه ابن حبان و حاکم. (ای حدیث توسط مترجم اضافه شده است)

۳- صحیح بخاری: ۶۰۱۶؛ و به روایت مسلم: «کسی که همسایه‌اش از شر او ایمن نباشد، وارد بهشت نمی‌شود» (صحیح مسلم: ۴۶). (ای حدیث توسط مترجم اضافه شده است)

۴- شعب الایمان: ۹۵۷۰.

۶۸- گرامی داشتن مهمان

حدیث ابی شریح عدوی رضی الله عنه: گفته است با گوشم شنیدم و با چشم دیدم وقتی که رسول الله سخن می‌گفت: او ﷺ فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ جَائِزَتُهُ قَالَ وَمَا جَائِزَتُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ وَالضِّيَافَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا كَانَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَهُوَ صَدَقَةٌ عَلَيْهِ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُقِلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ!».

«کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد همسایه‌اش را گرامی بدارد! و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد مهمانش را به [اندازه‌ی] هدیه‌اش گرامی بدارد و گفت: ای رسول الله هدیه‌ی او چیست؟ فرمود: روزی و شبی و مهمانی او سه شبانه روز است و اگر از این بیشتر شد صدقه محسوب می‌شود و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد سخن خیر بگوید و گرنه سکوت کند».

۶۹- پوشاندن عیوب اهل گناه

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ [النور: 19]

«همانا کسانی که دوست دارند بین افرادی که ایمان آورده‌اند عمل فاحشه‌ای را بگسترانند برای آنها عذاب دردناکی در دنیا و آخرت خواهد بود...». پیامبر ﷺ فرموده است: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ

۱- صحیح بخاری: ۶۰۱۸-۶۰۱۹-۶۱۳۵-۶۱۳۶-۶۱۳۸-۶۴۷۵-۶۴۷۶؛ صحیح مسلم:

۱۸۲-۱۸۳-۱۸۵-۴۶۱۰؛ سنن ابی داود: ۳۷۶۸-۵۱۵۴؛ سنن ترمذی: ۱۹۶۷-۲۵۰۰؛ سنن ابن

ماجه: ۳۶۷۲-۳۶۷۵؛ صححه آلبانی.

عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَنَّ مُسْلِمًا سَنَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱. «مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ظلم می‌کند و نه او را تسلیم [ظالم] می‌کند، هر کس در صدد بر طرف کردن نیاز برادر خویش باشد خداوند در صدد نیاز وی می‌شود، و هر کس مشکل بزرگی از مسلمانی را حل نماید، خداوند مشکل بزرگی از وی را روز قیامت بر طرف می‌سازد و کسی که [عیب] مسلمانی را پوشاند خداوند روز قیامت [عیب] او را می‌پوشاند».

۷۰- صبر بر مشکلات و صبر بر مسائل بدی که نفس به آنها امر

می‌کند، مانند لذت و شهوت

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقره: 45]. «بوسیله‌ی صبر و نماز [از الله] کمک بجوئید و آن (نماز) بسی سنگین است بجز برای فروتنان». و از مجاهد و غیره آمده است منظور از صبر روزه است. و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿...وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ^{۱۰۰} الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^{۱۰۱} أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ^{۱۰۲}﴾ [البقره: 155-157]. «... و بشارت بده به صابرین * کسانی که وقتی به آنها مصیبتی می‌رسد، می‌گویند: ما برای الله هستیم و بسوی او باز می‌گردیم^۲ * این‌ها هستند که

۱- صحیح بخاری: ۲۴۴۲؛ صحیح مسلم: ۶۷۴۳؛ سنن ابو داود: ۴۸۹۳؛ سنن ترمذی: ۱۴۲۶؛ صححه آلبانی.

۲- وقتی به انسان مصیبتی می‌رسد، اگر با این ذکر یاد قیامت و وحشت آن بیافتد و بداند که

درودها و رحمتی از پروردگارشان بر ایشان است و اینانند هدایت یافتگان» همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُوَفَّقُ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: 10]. «... جز این نیست که صابران، پاداش خود را بی‌شمار و تمام دریافت می‌دارند». در این زمینه آیات دیگر هم وجود دارد.

حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه در صحیحین: «أَنَّ نَاسًا مِنَ الْأَنْصَارِ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ فَأَعْطَاهُمْ ثُمَّ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ حَتَّى إِذَا نَفِدَ مَا عِنْدَهُ قَالَ: مَا يَكُنْ عِنْدِي مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهُ عَنْكُمْ وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يَعْفِهِ اللَّهُ وَمَنْ يَسْتَعْنِ يُعْنِهِ اللَّهُ وَمَنْ يَصْبِرْ يُصَبِّرْهُ اللَّهُ وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْ عَطَاءٍ خَيْرٌ وَأَوْسَعُ مِنَ الصَّبْرِ»^۱. «عده‌ای از انصار از رسول الله تقاضای کمک مالی کردند، او نیز به آنها [از آنچه که داشت] عطا نمود سپس باز از او تقاضای [مال] کردند و او آن را به ایشان عطا نمود تا آنجا که هیچ چیز نزد او باقی نماند، [و] فرمود: هر آنچه که از خیر نزد من باشد به شما [می‌دهم] و آن را برای خودم ذخیره [ی دنیایی] نمی‌نمایم ولی هر کس از طلب کردن عفت پیشه کند، خداوند او را از طلب بی‌نیاز می‌فرماید و کسی که استغنا کند (و از کسی چیزی نخواهد)، خداوند او را بی‌نیاز می‌فرماید و کسی که طلب صبر نماید خداوند صبر به وی عطا می‌فرماید، و هیچ چیزی به شخصی عطا نشده است که خیرتر و فراخ‌تر از صبر باشد». حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه: «دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ يُوعَكُ وَعَگَا شَدِيدًا

هر صبری اجری دارد، و همان اجر ممکن است او را از جهنم نجات دهد، بر اثر این ذکر صبرش زیاد می‌شود. (مترجم)

۱- صحیح بخاری: ۱۴۶۹؛ صحیح مسلم: ۲۴۷۱؛ سنن ابوداود: ۱۶۴۴؛ سنن ترمذی: ۲۰۲۴؛ سنن نسائی: ۲۵۸۸؛ صححه آلبانی.

فَمَسِسْتُهُ بِيَدِي فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّكَ لَتَوْعَاكَ وَعَاكَ شَدِيدًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَجَلٌ إِنِّي أَوْعَاكَ كَمَا يُوعَاكَ رَجُلَانِ مِنْكُمْ فَقُلْتُ ذَلِكَ أَنْ لَكَ أَجْرَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَجَلٌ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَدَى مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللَّهُ لَهُ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحَطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا! «به نزد رسول الله ﷺ رفتم و به تب شدیدی دچار شده بود، با دست خود او را لمس کردم و گفتم: ای رسول الله شما شدیداً تب کرده‌اید! فرمود: بله! من وقتی تب می‌کنم دو برابر بقیه تب می‌کنم، گفتم: این به خاطر آن است که برای شما دو برابر اجر باشد؟ رسول الله ﷺ فرمود: بله! سپس رسول الله ﷺ [ادامه داد] و فرمود: مسلمانی نیست که دچار اذیت و مرضی شود مگر آنکه خداوند گناهانش را می‌ریزد همان‌گونه که درخت برگ‌هایش را می‌ریزد».

۷۱- زهد و کوتاه کردن آرزو[های دنیوی]

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا...﴾ [محمد: 18] «پس آیا منتظر قیامت هستند که ناگهان به سراغ‌شان بیاید؟ و [در حالی که] علائم و نشانه‌های آن ظاهر گردیده است...».

پیامبر ﷺ فرموده است: «بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ. قَالَ وَضَمَّ السَّبَابَةَ وَالْوَسْطَى»^۲. «برانگیخته شدن من و قیامت مانند این دو است و اشاره فرمود به دو انگشت سبابه و وسطی». از ابن عباس: پیامبر ﷺ

۱- صحیح بخاری: ۵۶۴۷-۵۶۴۸-۵۶۶۰-۵۶۶۱-۵۶۶۷؛ صحیح مسلم: ۶۷۲۴.

۲- صحیح بخاری: ۴۹۳۶-۵۳۰۱-۶۵۰۳-۶۵۰۴-۶۵۰۵؛ صحیح مسلم: ۲۰۴۲-۷۵۹۲.

۷۵۹۴-۷۵۹۴؛ سنن ترمذی: ۲۲۱۴؛ سنن ابن ماجه: ۴۵-۴۰؛ صححه آل‌بانی.

فرموده است: «نِعْمَتَانِ مَغْبُورٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ الصِّحَّةُ وَالْفَرَاغُ»^۱. «دو نعمت هستند که انسان‌ها از آنها بی‌بهره و ضرر کرده می‌باشند: سلامتی و اوقات فراغت».

ابو عصمة محمد بن احمد سجستانی در بصره خطاب به خودش شعری سروده است^۲:

أنبأنا خير بني آدم وما علي أحمد إلا البلاغ
الناس مغبونون في صحة أبدانهم والفرغ
نعمتي

«بهترین انسان از بین فرزندان آدم (پیامبر ﷺ)، احمد ﷺ به جز ابلاغ [وظیفه‌ای] دیگری نداشت، انسان‌ها در دو نعمت زیان‌کارند، سلامتی بدن‌شان و اوقات فراغت».

حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه در صحیح مسلم: پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ حَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْفِكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَأَتَقُوا الدُّنْيَا وَأَتَقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ»^۳. «دنیا شیرین، زیبا و سرسبز است و خداوند شما را در آن جانشین گردانده است تا ببیند چگونه عمل می‌کنید، از دنیا پرهیزید و از زنان نیز پرهیزید زیرا نخستین گمراهی بنی‌اسرائیل (یهودان) در خصوص زنان بود».

۷۲- غیرت داشتن و ترک بی‌ناموسی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿...فُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

۱- صحیح بخاری: ۶۴۱۲؛ سنن ترمذی: ۲۳۰۴؛ سنن ابن ماجه: ۴۱۷۰؛ صححه آلبانی.

۲- شعب الایمان: ۱۰۲۵۱.

۳- صحیح مسلم: ۷۱۲۴.

وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ... ﴿التحریم: 6﴾ «...خودتان و خانواده‌ی خودتان را از آتشی حفظ کنید که هیزمش انسان و سنگ است...». همچنین می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...﴾ [النور: 31] «و به زنان مؤمن بگو نگاه خود را [از نامحرم] کوتاه کنند و پاکدامنی کنند...».

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَعَارُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَعَارُ وَغَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ!». «همانا خداوند به غیرت می‌افتد و همانا مؤمن به غیرت می‌افتد، و خداوند وقتی به غیرت می‌افتد که مؤمن کاری را انجام دهد که بر وی حرام شده است». حدیث ام المؤمنین ام سلمه: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ عِنْدَهَا وَفِي الْبَيْتِ مُخَنَّثٌ فَقَالَ الْمُخَنَّثُ لِأَخِي أُمِّ سَلَمَةَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أُمَيَّةَ إِنْ فَتَحَ اللَّهُ لَكُمْ الطَّائِفَ عَدَاً أَدَّلَكَ عَلَى بِنْتِ غِيلَانَ فَإِنَّهَا تَقْبَلُ بِأَرْبَعٍ وَتُدْبِرُ بِثَمَانٍ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَا يَدْخُلُنْ هَذَا عَلَيْكُنَّ».^۱ «پیامبر ﷺ نزد وی بود در حالی که در خانه شخص مخنثی بود و آن مخنث به برادر ام سلمه عبدالله بن امیه گفت: اگر فردا به اذن خداوند طائف فتح شد، تو را به دختر غیلان توصیه می‌کنم، زیرا اگر به او از جلو بنگری چهار [چین خوردگی] و اگر از پشت بنگری هشت [چین خوردگی] می‌بینی؛ پیامبر ﷺ فرمود: چنین کسی را نزد خود راه ندهید». از ابوسعید خدری ﷺ روایت شده است: پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ، وَإِنَّ الْمَدَاءَ مِنَ النَّفَاقِ».^۲ «غیرت از ایمان است و بی-

۱- صحیح بخاری: ۵۲۲۳؛ صحیح مسلم: ۷۱۷۱؛ سنن ترمذی: ۱۱۶۸؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۵۳۲۴ - ۵۲۳۵ - ۵۸۸۷.

۳- شعب الایمان: ۱۰۷۹۷؛ مصنف عبدالرزاق: (۱۹۵۲۱/۱۰)؛ ضعفه آلبانی: ضعیف الجامع:

ناموسی از نفاق و بی‌ناموس دیوث^۱ است». حلیمی گفته است: المذء به معنی جمع شدن مردان و زنان و خلوت کردن آنها و خارج شدن مذی است و از ریشه‌ی «المذی» می‌باشد گفته شده است: آن ارسال مردان با زنان است و وقتی گفته می‌شود «مذیت الفرس» یعنی آن را برای چریدن فرستاده‌ای».

۷۳- روی برگرداندن از سخن بیهوده

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۱ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۲ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۳﴾ [المؤمنون: 1-3]. «همانا رستگار شده‌اند مؤمنین * کسانی که در نمازشان خاشعند * و کسانی که از سخن بیهوده روی بر می‌گردانند». همچنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ۷۲﴾ [الفرقان: 72]. «و [عباد الرحمان] کسانی هستند که گواهی دروغ نمی‌دهند و اگر با سخن بیهوده برخورد کنند، بزرگوارانه می‌گذرند». همچنین می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾ [القصص: 55]. «و وقتی سخن لغوی می‌شنوند از آن روی بر می‌گردانند...». لغو باطلی است که احتیاجی به آن نیست و به نیت درست گفته نمی‌شود و برای گوینده‌ی آن فائده‌ای ندارد و گاهی وبال گردن وی می‌شود. رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ حَسُنَ إِسْلَامُ الْمَرْءِ تَرَكَهُ مَا لَا يَعْنِيهِ»^۲. «از نیک بودن اسلام شخص این است که آنچه به وی

۱- از پیامبر ﷺ پرسیدند دیوث کیست؟ فرمود: کسی که عمل زشت را نزد اهلش انجام

می‌دهد. (حادی الأرواح إلى بلاد الأفراح از ابن قیم). (مترجم)

۲- ابوداود؛ سنن ترمذی: ۲۳۱۷-۲۳۱۸؛ سنن ابن ماجه: ۳۹۷۶؛ صححه آلبانی.

فائده نمی‌رساند ترک کند».

و در این مورد امام بیهقی رحمه الله آورده است: ذا النون گفته است: «کسی که خدا را دوست دارد زندگی می‌کند و کسی که به غیر او مایل می‌گردد سبک می‌شود و احمق روز و شب در پی تباهی و نابودی است و عاقل در پی جستجوی آنچه برای خودش خطر دارد می‌باشد».

۷۴- بخشندگی و دست و دلبازی

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۝۱۳۳ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ...﴾ [آل عمران: 133-134] «بشتابید بسوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی که عرض آن به اندازه‌ی آسمان‌ها و زمین است [و] وعده داده شده است به متقین: * کسانی که در حال ثروتمندی و فقر مالشان را انفاق می‌کنند...». آیات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و در مورد کسی که بر عکس عمل نموده یعنی خساست می‌نماید می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ۝۳۷﴾ [النساء: 37]. «کسانی که خساست می‌ورزند [و انفاق نمی‌کنند] و مردم را به خساست [و انفاق نکردن] امر می‌نمایند و آنچه را که خداوند از فضلش به آنان عطا فرموده است، می‌پوشانند و برای کافرین عذاب خوار کننده‌ای خواهد بود». همچنین می‌فرماید: ﴿...وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ...﴾ [محمد: 38] «و کسی که خساست کند [و انفاق ننماید] فقط به ضرر خودش خساست

کرده است...» و می‌فرماید: ﴿...وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الحشر: 9]. «و کسانی که از آزمندی نفس خویش در امان بمانند همانا از رستگارانند». و آیات دیگری که در این زمینه وجود دارد.

دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه در صحیحین: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا لِلَّهِمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا حَلْفًا وَيَقُولُ الْآخَرُ لِلَّهِمَّ أَعْطِ مُمْسِكًا تَلْفًا!». «روزی نیست که بندگان صبح کنند بجز اینکه دو ملائک نازل می‌شوند و یکی از آنها می‌گوید: خداوندا کسی که انفاق می‌کند به او عوض بده و دیگری می‌گوید: به کسی که از انفاق خودداری می‌کند ضرر و زیان برسان».

۷۵- محبت کردن به کوچکتر و احترام به بزرگ‌تر

دلیل از سنت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ»^۲. «کسی که به مردم رحم نکند خداوند به او رحم نمی‌کند». همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِائَةً جُزْءٍ فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخُمُ الْخَلْقُ حَتَّى تَرْفَعَ الْفَرَسُ حَافِرَهَا

۱- صحیح بخاری: ۱۴۴۲؛ صحیح مسلم: ۲۳۸۳.

۲- صحیح بخاری: ۳۷۶؛ صحیح مسلم: ۶۱۷۲؛ سنن ترمذی: ۱۹۲۲-۲۳۸۱؛ صححه آلبانی. و با این لفظ: «إِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ عِبَادَهُ الرَّحْمَاءُ». «خداوند فقط به بندگان که رحم می‌کنند رحم می‌کند» صحیح بخاری: ۱۲۸۴-۵۶۵۵-۶۶۵۵-۷۳۷۷-۷۴۴۸؛ صحیح مسلم: ۲۱۷۴؛ سنن ابو داود: ۳۱۲۵؛ سنن نسائی: ۱۸۶۸؛ سنن ابن ماجه: ۱۵۸۸؛ صححه آلبانی. و با این لفظ: «إِنَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ». «کسی که رحم نکند رحم کرده نمی‌شود». بخاری: ۵۹۹۷-۶۰۱۳؛ مسلم: ۶۱۷۰؛ سنن ابو داود: ۵۲۱۸؛ سنن ترمذی: ۱۹۱۱؛ صححه آلبانی.

عَنْ وَاٰلِهَا حَسْبِيَّةٌ اَنْ تُصِيبَهُ»^۱. «خداوند رحمت خود را به صد قسمت تقسیم نموده است، نود و نه قسمت را نزد خودش نگه داشته و یک قسمتش را به زمین فرستاده است، و از همین یک قسمت است که مخلوقات به یکدیگر مهربانی می‌کنند تا جایی که اسب، سم‌اش را بلند می‌کند که مبادا به کره‌اش آسیبی برسد». همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ لَمْ يَزَحَمْ صَدِغِرِنَا، وَيَعْرِفْ حَقَّ كَبِيرِنَا فَلَيْسَ مِنَّنَا»^۲. «کسی که به کوچک‌تر ما مهربانی نکند و به بزرگ‌تر ما احترام نگذارد از ما نیست». همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «كَبِيرِ الْكُبَرِ»^۳. «بزرگ‌ترها [در سن] را بزرگ بدار». و در جای دیگر می‌فرماید: «وَلْيُؤْمِكُمْ اَكْبَرُكُمْ»^۴. «بزرگ‌تر شما امامت [نماز] کند».

۷۶- اصلاح ارتباط بین مردم

زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ اِلَّا مَنُ امَرَ بِصَدَقَةٍ اَوْ مَعْرُوفٍ اَوْ اِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيْمًا﴾^۱ [النساء: 114]. در بسیاری از درگوشی صحبت کردن آنان خیری وجود ندارد مگر کسی که اگر به صدقه یا معروفی نماید، یا بین مردم اصلاح برقرار کند و هر کس این کار را برای بدست آوردن رضایت‌های الله انجام

۱- صحیح بخاری: ۶۰۰۰؛ صحیح مسلم: ۷۱۴۸.

۲- سنن ابو داود: ۴۹۴۳؛ سنن ترمذی: ۱۹۱۹-۹۱۲۰؛ شیخ آلبانی سند آن را صحیح دانسته است.

۳- صحیح بخاری: ۶۱۴۲ و ۶۱۴۳؛ صحیح مسلم: ۴۴۳۴-۴۴۳۵؛ سنن نسائی: ۴۷۱۲؛ صححه آلبانی.

۴- صحیح بخاری: ۶۲۸-۶۸۵-۸۱۹-۷۲۴۶؛ سنن نسائی: ۶۳۵؛ صححه آلبانی.

دهد پس اجر عظیمی به وی می‌دهیم». همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾ [الحجرات: 10]. «همانا فقط مؤمنین با هم برادرند پس بین برادران‌تان اصلاح برقرار کنید...». یعنی بین هر دو نفر از آنها.

ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معطل در صحیحین آورده است: پیامبر ﷺ فرمود: «لَيْسَ الْكُذَّابُ الَّذِي يُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ وَيَقُولُ خَيْرًا وَيَنْمِي خَيْرًا^۱». و در روایت مسلم اضافه می‌کند: «وَلَمْ أَسْمَعْ يُرْحَصُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَقُولُ النَّاسُ كَذِبَ الْإِثْمِ فِي ثَلَاثِ الْحَرْبِ وَالْإِصْلَاحِ بَيْنَ النَّاسِ وَحَدِيثِ الرَّجُلِ أَمْرَاتِهِ وَحَدِيثِ الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا^۲». «نشنیده‌ام که به جز سه چیز که انسان‌ها به یکدیگر می‌گویند، اجازه داده شده باشد: جنگ و اصلاح بین مردم و سخن مرد با زنش و زن با همسرش».

۷۷- هر چه برای خود دوست دارد برای دیگران نیز دوست بدارد و آنچه را که خود نمی‌پسندد برای دیگران نیز نپسندد.

و نیز جمع کردن چیزی که مزاحم راه رفتن مردم می‌باشد [مانند سنگ و خاشاک موجود در معابر].

دلیل از سنت: حدیث ابی هریره رضی الله عنه در صحیحین: «الإيمان بضع وسبعون أو بضع وستون شعبة فأفضلها قول لا إله إلا الله وأدناها إماطة الأذى عن الطريق والحياء شعبة من الإيمان^۳». «ایمان شصت و اند یا هفتاد و اندی پایه دارد بالاترین آن گفتن: هیچ

۱- صحیح بخاری: ۲۶۹۲؛ صحیح مسلم: ۶۷۹۹.

۲- صحیح مسلم: ۶۷۹۹؛ سنن ابوداود: ۴۹۲۱؛ سنن ترمذی: ۱۹۳۹؛ صححه آلبانی.

۳- صحیح بخاری: ۹؛ صحیح مسلم: ۱۶۱-۱۶۲؛ سنن ابو داود: ۴۶۷۶؛ سنن ترمذی: ۲۶۱۴؛ سنن نسائی: ۵۰۰۵؛ سنن ابن ماجه: ۵۷؛ صححه آلبانی. و این لفظ مسلم است.

پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله وجود ندارد، است و پائین‌ترین آن رفع اذیت از سر راه مردم و حیاء پایه‌ای از ایمان است». حدیث انس فی صحیح بخاری: پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ!». «کسی از شما ایمان نمی‌آورد مگر آنچه را برای خود دوست دارد برای برادرش [نیز] دوست داشته باشد». حدیث جریر بن عبدالله در صحیحین: «بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَىٰ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ».^۲ «با رسول الله ﷺ بر برپا کردن نماز و دادن زکات و خیرخواهی برای هر مسلمان، بیعت نمودم».

وما توفیقی إلا بالله، به حمد الله در تاریخ 90/12/20 کار ترجمه به پایان رسید.

۱- صحیح بخاری: ۱۳؛ صحیح مسلم: ۱۷۹-۱۸۰؛ سنن ترمذی: ۲۵۱۵؛ سنن نسائی: ۵۰۱۶-۵۰۱۷-۵۰۳۹؛ سنن ابن ماجه: ۶۶؛ صححه آلبانی.

۲- صحیح بخاری: ۵۷-۵۲۴-۱۴۰۱-۲۷۱۵؛ صحیح مسلم: ۲۰۸؛ سنن ترمذی: ۱۹۲۵؛ سنن نسائی: ۴۱۷۵؛ صححه آلبانی.

منابعی استفاده شده در ترجمه

- 1- تفسیر راستین از شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی.
- 2- مختصر صحیح بخاری ترجمه مولوی عبدالقادر ترشابی.
- 3- شعب الایمان امام بیهقی چاپ دارالفکر.
- 4- ریاض الصالحین امام نووی.
- 5- صحیح بخاری، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- 6- صحیح مسلم، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- 7- سنن ابو داود، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- 8- سنن ترمذی، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- 9- سنن نسائی، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- 10- سنن ابن ماجه، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- 11- فتح الباری ابن حجر عسقلانی، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- 12- شرح النووی علی المسلم، مأخوذ از المكتبة الشاملة.
- 13- تفسیر ابن کثیر چاپ دارالآفاق العربیة.
- 14- لغت نامه المنجد.
- 15- فرهنگ معاصر عربی- فارسی چاپ نشر نی.